

نور هدايت

« گوشه اي از احاديث عيد غدیر (

ايام اگر چه همه از حي قدیر است

ارزنده ترين روز خدا » عيد

غدیر « است

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

لاحول و لا قوه الا بالله العلي العظيم و صلي الله علي محمد

و آله الطيبين

اما بعد مجموعه اي كه در پيش روي خوانندگان قرار دارد بخشي از فضائل و اعمال شريف ترين و بزرگ ترين روز سال است كه از كتب شيعه جمع آوري شده است . در اين زمان كه اعياد ملي و باستاني غيرشرعي داراي اهميت زياد شده و عيد غدیر جلوه خود را در نزد عامه مردم از دست داده است اميد داريم كه پيروان اهل بيت عليهم السلام به خود آيند و نسبت به احياي اين عيد شريف تلاش خود را مضاعف نمايند و علاوه بر كسب ثواب فراوان تا حد امكان غبار غربت را از اين روز عزيز بردارند . چرا كه هر كس دين براي او داراي ارزش باشد يقيناً روز اكمال دين هم نزد او داراي اهميت مي باشد. از خداوند تعالي خواستاريم كه ما را در تمام زمينه ها به پيروي از احاديث ائمه عليهم السلام موفق بدارد .

فضائلُ الغدير و أعماله

(بحار ج ۳۷ ص ۳۲۴) ۱- شف: المظفر عن محمد بن معمر عن حمدان المعافي عن علي بن موسي الرضا عن ابيه عن جدّه جعفر(عليه السلام) قال: يوم غدیر خم يوم شريف عظيم أخذ الله

الميثاق لاميرالمؤمنين (عليه السلام) . أَمَرَ مُحَمَّدًا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ
وآله و سلم) ان ينصبه للناس عَلمًا.

۱- امام صادق عليه السلام فرمود: روز غدیر خم روز شریف
عظیمی است که خداوند در مورد امیرالمؤمنین پیمان گرفت به
محمد صلی الله علیه و آله دستور داد که او را به عنوان عَلم
برای مردم نصب کند .

۲- (بحار ج ۲۴ ص ۳۲۳) ۳-کنز: محمد بن العباس عن احمد بن
قاسم عن منصور بن العباس عن داوود بن الحصين عن الفضل بن
عبدالمك عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال: لَمَّا اوقف رسول
الله (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) أميرالمؤمنين يوم الغدير افترق
الناس ثلاث فرق، فقال فرقه: ضَلُّ محمد و فرقه قالت: غوي و فرقه
قالت: بهواه يقول في اهل بيته و ابن عمه فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «و
النجم اذا هوي» الايات.

۲- امام صادق عليه السلام فرمود : هنگامی که رسول الله صلی الله
عليه و آله امیرالمؤمنین را در روز غدیر وقوف داد مردم سه
فرقه شدند: يك فرقه گفتند محمد صلي الله عليه و آله گمراه گردید
و فرقه اي دیگر گفتند پیامبر اغوا شد و فرقه اي گفتند او در
مورد اهل بیتش و پسر عمویش از روی خواهش نفس سخن می گوید .
پس خدای سبحان این آیات را نازل کرد « قسم به ستاره
هنگامیکه فرود آید » « صاحب شما گمراه نشده و اغواء نگردیده
است »...

(کافي ج ۸ ص ۳۴۴) ۳-: محمد بن يحيي عن احمد بن سليمان
عن عبدالله بن محمد اليماني عن مسمع بن الحجاج عن صباح الحداء
عن صباح المزني عن جابر عن ابي جعفر(عليه السلام) قال: لَمَّا
أخذ رسول الله (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) بيد علي(عليه السلام) يوم
الغدِير صرخ ابلِيس في جنوده صرخه فلم يبق منهم أحد في برٍّ و لا
بحر إلا اتاه فقالوا: يا سيدهم و مولاهم ماذا دهاك فما سمعنا

لك صرخه اوحش من صرختك هذه؟ فقال لهم: فعل هذا النبي فعلاً إن تمّ لم يُعصَ اللهُ ابداً فقالوا: يا سيدهم انت كنت لأدم فلما قال المنافقون: إنه ينطق عن الهوي و قال احدهما لصاحبه أما تري عينيه تدوران في رأسه كأنه مجنون يعنون رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) صرخ ابليس صرخه بطرب فجمع اولياء فقال: أما علمتم أنّي كنت لادم من قبل؟ قالوا: نعم قال: آدم نقض العهد و لم يكفرّ بالرّب و هولاء نقضوا العهد و كفروا بالرسول: فلما قبض رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) و أقام الناس غير علي(عليه السلام) لبس ابليس تاج الملك و نصب منبراً و قعد في الوثبه و جمع خيله و رجه ثم قال لهم: اطربوا لايطاع الله حتّي يقوم الامام و تلا ابوجعفر (عليه السلام) « و لقد صدّق عليهم ابليس ظنّه فاتبعوه الافريقاً من المؤمنين» قال ابوجعفر: كان تأويل هذه الايه لَمَّا قبض رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) و الظّن من ابليس حين قالوا لرسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم): إنه ينطق عن الهوي فظنّ بهم ابليس ظناً فصدّ قوا ظنّه.

۳- امام باقر عليه السلام فرمود: هنگاميکه رسول الله صلي الله عليه و آله در روز غدیر دست علي عليه السلام را گرفت ابليس در لشکر خود فريادي کشيد. پس احدي از لشکر او در دريا و خشکي باقي نماند مگر اينکه نزد او آمدند پس گفتند اي سيد و مولاي ما چه چيز تو را مضطرب نموده است. ناله و فريادي وحشت آورتر از اين فريادت از تو نشنيديم. پس ابليس به آنها گفت اين پيامبر کاري انجام داده است که اگر به اتمام برسد ديگر ابداً خدا نافرمانی نمی شود.

گفتند: اي سيد ما تو روياروي آدم بوده اي (و او را فريب داده اي) پس هنگامي که منافقون گفتند: همانا پيامبر از روي هواي نفس سخن مي گوید و يکي از آن دو به رفيقش گفت: آيا نمی بيني دو چشم پيامبر را که در سرش مي گردد. گويي که او ديوانه است و منظورشان پيامبر(صلي الله عليه و آله) بود. ابليس فريادي با طرب و شادي کشيد و دوستانش را جمع کرد و گفت: آيا مي دانيد که من براي(فريب) آدم بودم گفتند: بله گفت: آدم عهد شکست ولي به پروردگار کفر نورزيد و اينها عهد شکستند و به پيامبر کافر شدند. پس هنگامي که پيامبر (صلي الله

عليه و آله) از دنيا رفت و مردم غير علي (عليه السلام) را برپا کردند ابليس تاج پادشاهي پوشيد و منبري نصب كرد و بر و ساده نشست و لشكر سواره و پياده خود را جمع كرد. سپس به آنها گفت: طرب و شادماني كنيد كه تا وقتي امام قيام كند خداوند اطاعت نمي شود و امام باقر(عليه السلام) اين آيه را تلاوت نمود «و به تحقيق ابليس گمان خود را بر آنها تصديق كرد پس او را پيروي كردند مگر فرقه اي از مؤمنين» امام باقر عليه السلام فرمود: تاويل اين آيه هنگامي بود كه پيامبر (صلي الله عليه و آله) از دنيا رفت و گمان از ابليس بود هنگامي كه درباره پيامبر گفتند: او از روي هواي نفس سخن مي گويد «پس ابليس به آنها گماني برد آنها گمان او را راست كردند.

(سفينه البحار ج ۲ ص ۶۹۱) ۴-: عن ابي الحسن (عليه السلام) قال: ولاية علي(عليه السلام) مكتوبه في صحف جميع الانبياء و لن يبعث الله رسولاَ إلاّ بنبوه محمد(صلي الله عليه و آله و سلم) و وصيه علي(عليه السلام)

سئل الصادق(عليه السلام) عن قول الله عزّ و جلّ «يعرفون نعمه الله ثم ينكرونها» قال يعرفون يوم الغدير و ينكرونها يوم السقيفه (سفينه البحار ج ۲).

۴- ابالحسن (عليه السلام) فرمود: ولايت علي (عليه السلام) در كتاب همه انبياء نوشته شده است و هرگز خداوند رسولي را نفرستاده است مگر با نبوت محمد (صلي الله عليه و آله) و وصايت علي (عليه السلام).

از امام صادق (عليه السلام) درباره گفتار خداي عز و جل «نعمت خدا را مي شناسند سپس آن را انكار مي كنند» سوال شد فرمود: روز غدير را مي شناسند و در روز سقيفه آنرا انكار مي كنند. توضيح: روز سقيفه روزي است كه منافقين در سقيفه براي تعيين خليفه جمع شدند.

(بحار ج ۳۷ ص ۱۰۹) ۵- لی : ابن السعيد الهاشمي، عن فرات، عن محمد بن ظهير، عن عبدالله بن الفضل، عن الصادق، عن آباءه (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم): يوم غدیر خم أفضل أعياد أمتي و هو اليوم الذي أمرني الله تعالى ذكره فيه بنصب أخي علي بن أبي طالب علماً لأمتي، يهتدون به من بعدي، و هو اليوم الذي أكمل الله فيه الدين، و أتم علي أمتي فيه النعمه، و رضي لهم الاسلام ديناً.

ثم قال (صلي الله عليه وآله وسلم): معاشر الناس إن علياً مني و أنا من علي، خلق من طينتي، و هو امام الخلق بعدي، يبين لهم ما اختلفوا فيه من سنتي، و هو أمير المؤمنين، و قائد الغر المحجلين، و يعسوب المؤمنين، و خير الوصيين، و زوج سيده نساء العالمين، و أبوا الأئمة المهديين، معاشر الناس من أحب علياً أحبته، و من أبغض علياً أبغضته، و من وصل علياً وصلته، و من قطع علياً قطعتة، و من جفا علياً جفوته، و من والي علياً و اليته، و من عادي علياً عاديته، معاشر الناس أنا مدينه الحكمة و علي بن أبي طالب بابها و لن تؤتي المدينه إلا من قبل الباب، و كذب من زعم أنه يحبني و يبغض علياً؛ معاشر الناس و الذي بعثني بالنبوه و اصطفاني علي جميع البريه ما نصبت علياً علماً لأمتي في الأرض حتي نوّه الله باسمه في سماواته، و أوجب ولايته علي ملائكه.

۵- رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمودند : روز غدیرخم بهترین عیدهاي امت من است و آن روزي است كه خداوند تعالی ذكره به من دستور داد برادرم علي بن ابي طالب را به عنوان علم و نشان براي امتم نصب كنم كه بعد از من با او هدايت يابند و آن روزي است كه خدا در آن دين را تكميل نمود و در آن نعمت را بر امت من تمام كرد و اسلام را به عنوان دين براي آنها پس فرمود : اي گروه مردم همانا علي از من است و من از علي هستم از سرشت من خلقت شده است و او بعد از من امام خلق است آنچه از سنت من درباره آن اختلاف شده است را براي آنها بيان مي كند و او اميرالمؤمنين و رهبر دست و پيشاني سفيدان و رئيس مومنين و بهترين اوصياء و همسر سرور

زنان جهان و پدر امامان هدایت است . ای گروه مردم : کسی که علی را دوست بدارد من او را دوست دارم و کسی که علی را دشمن بدارد من او را دشمن می دارم و کسی که با علی صلّه کند من با او صلّه می کنم و کسی که با علی قطع کند من با او قطع می کنم و کسی که به علی جفا کند من به او جفا می کنم و کسی که او را دوست بدارد و یاری کند او را یاری می کنم و کسی که با علی دشمنی کند من با او دشمنی می کنم . ای گروه مردم من شهر حکمت هستم و علی بن ابی طالب درب آن است و به شهر آمده نمی شود مگر از طرف درب آن و دروغ می گوید کسی که می پندارد مرا دوست دارد و علی را دشمن می دارد . ای گروه مردم قسم به کسی که مرا به نبوت مبعوث کرد و مرا بر همه خلق برگزید علی را به عنوان علم برای امت نصب نکردم تا اینکه خدا در آسمانهایش نام او را شهرت داد و ولایت او را بر ملائکه واجب کرد .

(بحار ج ۳۷ ص ۱۱۹) ۶-فس: أحمد بن الحسن التاجر، عن الحسن بن عليّ الصوفيّ، عن زكريّا ابن محمّد، عن محمد بن عليّ، عن جعفر بن محمّد (عليه السلام) قال: لما أقام رسول الله (صلي الله عليه وآله و سلم) أمير المؤمنين عليّاً يوم غدیر خمّ كان بحذائه سبعة نفر من المنافقين، منهم أبوبكر و عمر و عبدالرحمان بن عوف و سعد بن أبي وقاص و أبو عبيده و سالم مولي أبي حذيفه و المغيرة بن شعبه، قال عمر: أما ترون عينيّه كأنّهما عينا مجنون؟- يعني النبيّ (صلي الله عليه وآله و سلم)- الساعه يقوم و يقول: قال لي ربّي، فلمّا قام قال: أيّها الناس من أولي بكم من أنفسكم؟ قالوا: الله و رسوله، قال: اللهمّ فاشهد، ثمّ قال: ألا من كنت مولاه فعلي مولاه، و سلّموا عليه بإمره المؤمنين، فأنزل جبرئيل (عليه السلام) و أعلم رسول الله (صلي الله عليه وآله و سلم) بمقاله القوم، فدعاهم فسألهم فأنكروا و حلفوا، فأنزل الله: «يحلّفون بالله ما قالوا».

۶- امام صادق (عليه السلام) فرمود : هنگامی که پیامبر خدا (صلي الله عليه وآله) در روز غدیر خم امیرالمؤمنین علی را

اقامه نمود روبروي او هفت هزارنفر از منافقين بودند از جمله آنها عمر و ابابكر و عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابى وقاص و ابو عبیده و سالم غلام آزاده شده ابى حذیفه و مغیره بن شهبه بود .

عمر گفت : آیا نظر نمی کنید به دو چشم او گویی که آن دو ، دو چشم دیوانه است ؟ (منظورشان پیامبر بود) همین زمان بلند می شو و می گوید پروردگارم فرمود . پس هنگامی که برخاست فرمود : ای مردم چه کسی از شما به خودتان سزاوارتر است ؟ گفتند : خدا و رسول او فرمود خدایا شاهد باش سپس فرمود : آگاه باشید هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست و به عنوان امیرمومنان به او سلام کردند . پس جبرئیل نازل شد و پیامبر را از گفتار آن قوم آگاه کرد سپس پیامبر آنها را صدا زد و از آنها پرسید پس آنها انکار کردند و قسم خوردند سپس خدا این آیه قرآن را نازل کرد : « آنها به خداوند قسم می خورند که نگفته اند »

(بحار ج ۳۷ ص ۱۱۹) ۷-فس : أبی، عن ابن أبي عمير، عن ابن سنان، عن أبي عبد الله قال: لما أمر الله نبيّه أن ينصب اميرالمؤمنين (عليه السلام) للناس في قوله: « يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك » في علي بغدير خم فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه، فجاءت الا بالسه إلي إبليس الأكبر و حثوا التراب علي رؤوسهم، فقال لهم إبليس: مالكم؟ فقالوا: إن هذا الرجل قد عقد اليوم عقده لايحلها شيء إلي يوم القيامة فقال لهم إبليس: كلاً إن الذين حوله قد و عدوني فيه عده لن يخلفوني، فأنزل الله علي رسوله « و لقد صدق عليهم إبليس ظنه » الآية .

۷- امام صادق (عليه السلام) فرمود : وقتی که خداوند به پیامبرش دستور داد که با توجه به این آیه « ای رسول آن چیزی که از پروردگارت بر تو نازل شده است درباره علی در غدیر خم ابلاغ کن » علی را برای مردم نصب کن پس پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود : کسی که من مولای او هستم علی مولای اوست ابلیس

ها به نزد ابلیس اکبر آمدند در حالی که بر سرهایشان خاک می پاشیدند . ابلیس به آنها گفت : شما را چه می شود ؟ گفتند : همانا این مرد پیمانی انعقاد کرد که تا روز قیامت هیچ چیزی آن را نمی گشاید . پس ابلیس به آنها گفت : هرگز این چنین نیست ، همانا آن کسانی که اطراف او هستند درباره او به من وعده ای داده اند که هرگز با من خلف وعده نمی کنند . پس خدای عز وجل بر پیامبر نازل کرد : و به تحقیق که ابلیس گمان خودش را بر آنها راست درآورد..... تا آخر آیه

(بحار ج ۳۷ ص ۱۲۰) ۸-فس: أبي، عن حسن، عن أبي عبدالله (عليه السلام) في قوله: «وإنه لتنزيل رب العالمين* نزل به روح الأمين* علي قلبك لتكون من المنذرين» قال: الولايه نزلت لأمير المؤمنين(عليه السلام) يوم الغدير.
۸- امام صادق (عليه السلام) درباره این گفتار خدا «همانا آن تنزیل پرودگار جهانیان است که جبرئیل آنرا نازل کرده است بر قلب تو که از ترسانندگان باشی» فرمود: این ولایت است که برای امیر المومنین (عليه السلام) در روز غدیر نازل گردید .

(بحار ج ۳۷ ص ۱۲۰) ۹-فس: أبي رفعه قال: قال أبو عبدالله (عليه السلام) لَمَّا نزلت الولايه و كان من قول رسول الله بغدير خمّ: سلّموا عليّ عليّ بإمره المؤمنين فقالوا: من الله و من رسوله؟ فقال لهما: نعم حقاً من الله و من رسوله أنّه أمير المؤمنين و إمام المتّقين و قائد الغرّ المحجلّين يقعه الله يوم القيامة علي الصراط فيدخل أولياءه الجنّه و يدخل أعداءه النار، فأنزل الله عزّ و جلّ «و لا تنقضوا الأيمان بعد توكيدها و قد جعلتم الله عليكم كفيلاً إنّ الله يعلم ما تفعلون» يعني قول رسول الله: من الله و من رسوله، ثمّ ضرب لهم مثلاً فقال: «و لا تكونوا كالتّي نقضت غزلها من بعد قوّه أنكاثاً تتخذون أيمانكم دخلاً بينكم»

۹- امام صادق (عليه السلام) فرمود: و قتی که امر ولایت نازل شد و از جمله گفتارهای پیامبر (صلي الله عليه و آله) در غدیر خم این بود که فرمود : به علي (عليه السلام) بگوئید : السلام عليك يا اميرالمومنين پس آن دو نفر (عمر و ابابكر) گفتند

: این دستور از جانب خدا و رسول خداست؟ پیامبر به آن دو فرمود : بله حقی است از جانب خدا و رسول او که همانا او امیرالمومنین و پیشوای متقین و رهبر دست و پیشانی سپیدان است خداوند او را (علی را) روز قیامت به صراط می نشاند پس او و دوستانش را در بهشت و دشمنانش را در آتش داخل می کند. پس خدای عز و جل این آیه را نازل کرد : قسم ها را بعد از موکد شدنش نشکنید در حالی که خداوند را کفیل بر خود قرار داده اید ، همانا خداوند آنچه را انجام دهید می داند» یعنی گفتار پیامبر (صلي الله عليه و آله) که فرمودند از جانب خدا و از جانب رسول او است سپس خداوند برای آنها مثالی زد و فرمود « و نباشید مانند آن زنی که رشته خود را بعد از قوت شکست و تابید که قسم های خودتان را وسیله فریب بین خودتان قرار دهید »

(بحار ج ۳۷ ص ۱۲۱) ۱۰- ب- السندي بن محمد، عن صفوان الجمال، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سمعته يقول: لَمَّا نَزَلَتْ الْوَلَايَةَ لِعَلِي (عليه السلام) قام رجل من جانب الناس فقال: لقد عقد هذا الرسول لهذا الرجل عقده لا يحلها بعده إلا كافر، فجاه الثاني فقال له: يا عبد الله من أنت؟ قال: فسكت، فرجع الثاني إلي رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) فقال: يا رسول الله إنني رأيت رجلاً في جانب الناس و هو يقول: لقد عقد هذا الرسول لهذا الرجل عقده لا يحلها إلا كافر، فقال: يا فلان ذلك جبرئيل، فأياك أن تكون ممن يحلّ العقده فينكص.

۱۰- امام صادق (عليه السلام) فرمود : هنگامیکه ولایت برای علی نازل شد مردی از کنار مردم برخاست و گفت به تحقیق که این پیامبر برای این مرد پیمانی بست که بعد از او جز کافر آنرا نمی گشاید . پس دومی (ابوبکر) نزد آن شخص آمد و گفت ای بنده خدا توجه کسی هستی ؟ گوید که آن شخص سکوت کرد پس ابوبکر نزد پیامبر (صلي الله عليه و آله) بازگشت و گفت ای رسول خدا من مردی را در کنار مردم دیدم در حالیکه می گفت به تحقیق این

پیامبر برای مرد این پیمانی بست که جز کافر آنرا نمی شکند پس پیامبر فرمود : ای فلانی آن جبرئیل بود پس پرهیز از اینکه از کسانی باشی که پیمان را می شکند و در نتیجه به عقب بر می گردد.

(بحار ج ۳۷ ص ۱۲۱) ۱۱- ب: هارون، عن ابن صدقه، عن جعفر، عن أبيه (عليه السلام) قال: إِنَّ إبليسَ رَنَّ أَرْبعَ رَنَاتٍ: يَوْمَ لُعِنَ، وَ يَوْمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ، وَ يَوْمَ بَعَثَ النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ يَوْمَ الْغَدِيرِ.

۱۱- امام باقر فرمود : همانا ابلیس چهار مرتبه صدا به ناله بلند نمود.

روزی که مورد لعن واقع شد و روزی که بسوی زمین فرو فرستاده شد و روزی که پیامبر اسلام (صلي الله عليه و آله) به پیامبری مبعوث شد و روز غدیر (خم)

(بحار ج ۳۷ ص ۱۲۱) ۱۲- ل: ابن الوليد، عن الصَّقَّارِ، عن ابن أبي الخطَّابِ وَ ابنِ يَزِيدٍ مَعًا، عن ابنِ أَبِي عَمِيرٍ، وَ حَدَّثَنَا أَبِي، عن عليٍّ، عن أبيه، عن ابنِ أَبِي عَمِيرٍ؛ وَ حَدَّثَنَا ابنُ مَسْرُورٍ، عن ابنِ عامرٍ، عن عمِّه، عن ابنِ أَبِي عَمِيرٍ؛ وَ حَدَّثَنَا ابنُ المَتَوَكَّلِ، عن السَّعْدِآبَادِيِّ عن البرقيِّ، عن أبيه، عن ابنِ أَبِي عَمِيرٍ، عن عبدِاللهِ بنِ سنانٍ، عن معروفِ بنِ خَرِّ بُوذٍ، عن أبي الطفيلِ عامرِ بنِ واثله، عن حذيفه بنِ أُسَيدِ الغفاريِّ قال: لما رجع رسولُ اللهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) من حجِّهِ الوداعِ وَ نحنُ معه أَقبله حتَّى انتهى إلى الجحفةِ أمرَ أصحابه بالنزولِ، فنزلَ القومُ منازلهم، ثمَّ نودي بالصلاة، فصلى بأصحابه ركعتين، ثمَّ أَقبلَ بوجهه إليهم فقال لهم: إِنَّه قد نَبَّأني اللَّطيفُ الخبيرُ أَنِّي ميِّتٌ وَ أَتُكُم ميِّتونَ، وَ كَأَنِّي قد دعيت فأجبت، وَ إِنِّي مسؤُولٌ عمَّا أُرسلتُ به إليكم، وَ عمَّا خَلَّفْتُ فيكم من كتابِ اللهِ وَ حجَّتِهِ، وَ إِنَّكُم مسؤُولونَ فما أنتم قائلونَ لربِّكم؟ قالوا: نقولُ: قد بلَّغْتُ وَ نصحتُ وَ جاهدتُ فجزاك اللهُ عَنَّا أَفضلَ الجزاءِ: ثمَّ قال لهم: أَلستم تشهدونَ أَن لا إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَ أَنِّي رسولُ اللهِ أليكم وَ أَنَّ الجَنَّةَ حقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ حقٌّ وَ أَنَّ البعثَ بعدَ الموتِ حقٌّ؟ فقالوا: نشهدُ بذلكَ، قال: اللهمَّ اشهدْ علي ما يقولونَ، أَلا وَ إِنِّي أَشهدُ كُم أَنِّي أَشهدُ أَنَّ اللهُ

مولاي و أنامولي كلّ مسلم، و أنا أولي بالمؤمنين من أنفسهم، فهل تقرّون بذلك و تشهدون لي به؟ فقالوا: نعم نشهدلك بذلك، فقال: ألا من كنت مولاه فإنّ علياً مولاه، و هو هذا، ثم اخذ بيد عليّ (عليه السلام) فرفعها مع يده حتّى بدت آباطهما.

ثمّ قال: اللهمّ و ال من والاه و عاد من عاداه؛ ألا و إنّي فرطكم و أنتم واردون عليّ الحوض غداً، و هو حوض عرضه ما بين بصري و صنعاء، فيه اقداح من فضّه عدد نجوم السماء ألا و إنّي سائلكم غداً ماذا صنعتم فيما أشهدت الله به عليكم في يومكم هذا إذوردتم عليّ حوضي؟ و ماذا صنعتم بالثقلين من بعدي؟ فانظروا كيف خلّتموني فيهما حين تلقوني؟ قالوا: و ما هذان الثقلان يا رسول الله؟ قال: أمّا الثقل الأكبر فكتاب الله عزّ و جلّ سبب ممدود من الله و منّي في أيديكم، طرفه بيد الله و الطرف الآخر بأيديكم، فيه علم ماضي و ما بقي إليّ أن تقوم الساعة، و أمّا الثقل الاصغر فهو حليف القرآن و هو عليّ بن أبي طالب و عترته - (عليه السلام) و إنهما لن يفترا قاحتي يردا عليّ الحوض. قال معروف بن خربوذ: فعرضت هذا الكلام عليّ أبي جعفر لافقال: صدق أبو الطفيل هذا كلام و جدناه في كتاب عليّ (عليه السلام) و عرفناه. ايضاح: بُصري بالضمّ موضع بالشام، و صنعاء بالمدقصبه باليمن.

۱۲- حنيفه ابن أسيد غفاري مي گوید : هنگامي که پیامبر از حجه الوداع برگشت و ما همراه او بودیم . آمد تا اینکه به جحفه رسید پس به اصحابش دستور داد که فرود آیند مردم در منزلهایشان منزل گرفتند سپس ندای نماز داده شد. پس پیامبر ۲ رکعت نماز با اصحابش خواند سپس رو به سوی آنها کرد و به آنها فرمود همانا خدای لطیف خبیر مرا خبر کرده است که من می میرم و شما هم می میرید و گویی که من دعوت شوم و اجابت نمایم و من از آنچه که به سوی شما فرستاده شده ام و از آنچه که بین شما از کتاب خدا و حجت او باقی گذاشته ام مسئول هستم و شما هم مسئولید.

پس شما به پروردگارتان چه می گوئید؟ گفتند می گوئیم که شما رساندید و خیرخواهی کردید و کوشش نمودید پس خداوند از جانب ما به شما بهترین جزا را دهد سپس به آنها فرمود آیا شما شهادت نمی دهید که هیچ الهی جز الله نیست و همانا من رسول خدا

بسوي شما هستم و همانا بهشت حق است و همانا آتش حق است و بعثت بعد از مرگ حق است ؟

گفتند ما به آن شهادت مي دهيم فرمود : خدايا بر آنچه كه مي گویند شاهد باش ، آگاه باشيد كه من شما را شاهد مي گيرم كه من شهادت مي دهم كه همانا خداوند مولاي من است و من مولا وسرپرست هر مسلمان و من به مؤمنين از خودشان سزاوارتر هستم پس آيا به اين امر اقرار ميكنيد و براي من به آن شهادت مي دهيد؟ گفتند :بله براي تو به آن شهادت مي دهيم پس فرمود : آگاه باشيد هر كس كه من مولاي او هستم پس همانا علي مولاي اوست و او اين است سپس دست علي (عليه السلام) را گرفت و با دست خودش بالا برد به گونه اي كه زير بغل هر دو نمايان شد. سپس فرمود: خدايا دوست بدار هر كس او را دوست دارد و دشمن بدار هر كس كه او را دشمن بدارد.

آگاه باشيد كه من سبقت گيرنده بر شما هستم و شما فردا در حوض بر من وارد مي شويد و آن حوضي است كه عرض آن ما بين دو شهر بصرى و صنعاء است ، در آن حوض ظرفهايي از نقره به تعداد ستارگان آسمان مي باشد. آگاه باشيد كه من فردا هنگامى كه در حوض بر من وارد شديد از شما مي پرسم كه در مورد آنچه خدا را بر شما در اين روز در مورد آن شاهد گرفتم چه كرديد و با ثقلين (قرآن و عترت) بعد از من چه كرديد پس دقت كنيد كه چگونه وقتي مرا ملاقات مي كنيد در مورد آنها در نبودن من رفتار کرده ايد؟ مردم گفتند: يا رسول الله اين دو ثقل چيست؟

فرمود : اما ثقل اكبر كتاب خداي عز وجل است كه سبب كشيده شده اي از خدا و از من در دستان شما يك طرف آن به دست خداست و طرف ديگر در دستان شما قرار دارد . در آن علم آنچه در گذشته و علم آنچه باقى مانده است تا وقتي قيامت برپا شود مي باشد و اما ثقل اصغر كه شريك و هم پيمان قرآن است علي بن ابي طالب و عترت و خاندان اوست و همانا اين دو هرگز از هم جدا نمي شوند تا اينكه در حوض بر من وارد شوند. معروف بن خربوذ گوید : من اين سخن را بر امام باقر عرضه كردم پس امام

فرمود : ابوالطفیل راست گفته است این کلامی است که آن را در کتاب علی (علیه السلام) یافتیم و آنرا می شناسم.
توضیح : بُصری با ضم باء مکانی است در شام و صنعاء با مد سرزمینی در یمن است.

(بحار ج ۳۷ ص ۱۲۵) ۱۳- ما : بالأسانید عن الحسن، عن عبیدالله بن موسی، عن هانیء بن آیوب عن طلحه بن مصرف، عن عمیره بن سعد أنه سمع علیاً (علیه السلام) في الرحبه ینشد الناس من سمع رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) يقول: من كنت مولاه فعليّ مولاه اللهمّ و ال من والاه و عاد من عاداه؟ فقام بضعه عشر فشهدوا.

ما: ابن الصلت، عن ابن عقده، عن الحسن مثله.
بشا: أبو عليّ ابن شيخ الطائفه و محمد بن أحمد بن شهریار، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي، عن أبي عمرو، عن ابن عقده مثله

۱۳- عمیره بن سعد شنید که علی (علیه السلام) مردم را در رحبه کوفه قسم می داد که چه کسی شنید که رسول خدا (صلي الله عليه و آله) می فرمود : هرکس من مولای او هستم علی مولای اوست . خدایا دوست بدار هر کس او را دوست دارد و دشمنی کن با هر کس که با او دشمنی کند ، پس ده و اندي نفر برخاستند و شهادت دادند.

(بحار ج ۳۷ ص ۱۳۸) ۱۴- شي : عن جعفر بن محمد الخزاعي عن أبيه قال: سمعت أبا عبدالله (صلي الله عليه و آله و سلم) يقول: لما نزل رسول الله عرفات يوم الجمعة أتاه جبرئيل فقال له يا محمد: إن الله يقرؤك السلام و يقول لك: قل لأمتك «اليوم أكملت لكم دينكم» بولايه عليّ بن أبي طالب « و أتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً» ولست أنزل عليكم بعد هذا، قد أنزلت عليكم الصلاة و الزكاه و الصوم و الحجّ و هي الخامسة، و لست أقبل هذه الأربعة إلا بها.

۱۴- محمد خزاعي گوید : شنیدم که امام صادق (علیه السلام) می فرمود : وقتی که رسول خدا (صلي الله عليه و آله) در روز جمعه در عرفات منزل گرفت جبرئیل نزد او آمد . پس به او گفت : یا محمد (صلي الله عليه و آله) : همانا خدا به تو سلام می رساند و به شما می فرماید : به امتت بگو «امروز دین شما را برای شما کامل نمودم» با ولایت علي بن ابي طالب (علیه السلام) و «نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم»

و بعد از این چیزی بر شما نازل نمی کنم چرا که نماز و زکات و روزه و حج را بر شما نازل کردم و این پنجمی است و این چهارچیز را (نماز - روزه - زکات - حج) جز با آن (ولایت) قبول نمی کنم .

(بحار ج ۳۷ ص ۱۳۸) ۱۵- شي : عن صفوان الجمال قال : قال أبو عبد الله : لما نزلت هذه الآية بالولاية امر رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) بالدوحات دوحات غدیر خم فقممن ، ثم نودي : الصلاة جامعة ، ثم قال : أيها الناس ألت أولي بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالو : بلي ، قال ، فمن كنت مولاة فعلي مولاة ، ربّ وال من والاه و عاد من عاداه ؛ ثم أمر الناس ببيعته ، و بايعه الناس لايحي ، أحد إلا بايعه لايتكلم ، حتّي جاء أبو بكر فقال : يا ابا بكر بايع علياً بالولاية ، فقال : من الله أو من رسوله؟ فقال : من الله و من رسوله ، ثم جاء عمر فقال : بايع علياً بالولاية : فقال : من الله أو من رسوله؟ فقال : من الله و من رسوله ، ثم ثني عطفيه فالتفت فقال لابي بكر : لشدّ ما يرفع بضبعي ابن عمّه؟ ثم خرجها رباً من العسكر ، فمالبث أن أتى النبي (صلي الله عليه و آله و سلم) فقال : يا رسول الله إنّي خرجت من العسكر لحاجه ، فرأيت رجلاً عليه ثياب لم أر أحسن منه ، والرجل من أحسن الناس وجهاً و أطيبهم ريحاً ، فقال : لقد عقد رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) لعلي عقداً لا يحلّه إلا كافر ، فقال : يا عمر أتدري من ذاك؟ قال : لا ، قال : ذاك جبرئيل فاحذر أن تكون أوّل من تحلّه فتكفر؛ ثم قال أبو عبد الله (عليه السلام) : لقد حضر الغدير اثنا عشر ألف رجل يشهدون لعلي بن ابي طالب (عليه السلام) فما قدر علي أخذ حقّه ، و إنّ احد كم يكون له المال و له شاهدان فيأخذ حقّه «فإنّ حزب الله هم الغالبون» في علي (عليه السلام) .

۱۵- صفوان جمال گوید : که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: وقتی که این آیه در مورد ولایت نازل شد . رسول خدا (صلي الله عليه و آله) دستور دادند که زیر درختان بزرگ غدیرخم رفته شود سپس ندای نماز جماعت داده شده . سپس فرمود : ای مردم آیا من به مومنین از خودشان سزاوارتر نیستم ؟ گفتند : آری . فرمود: هرکس من مولای او هستم علی مولای اوست . پروردگارا دوست بدار هر کس او را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن بدارد . سپس به مردم دستور داد که با او بیعت کنند و مردم با علی بیعت کردند . هیچ کس نمی آمد مگر اینکه با علی بیعت می کرد و سخنی نمی گفت تا اینکه ابوبکر آمد . پس پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود : ای ابابکر در مورد ولایت با علی بیعت کن . ابوبکر گفت : این از جانب خداست یا از جانب رسول خدا؟ فرمود : هم از جانب خدا و هم از طرف رسول خدا . سپس حالت تکبری گرفت و روی گرداند . سپس ابی بکر گفت: دو بازوی پسرعمویش را برای چه امر دشواری بالا می برد . سپس با گریز از لشکر خارج شد و طولی نکشید که به نزد پیامبر برگشت و گفت: ای رسول خدا (صلي الله عليه و آله) من برای کاری از لشکر بیرون رفتم مردی را دیدم که لباسهایی داشت که از آن نیکوتر ندیده بودم و آن مرد نیکو صورت ترین مردم و خوشبوترین مردم بود پس آن مرد گفت : به تحقیق رسول خدا برای علی پیمانی بست که جز کافر آن را نمی شکند . پیامبر فرمود : ای عمر می دانی او که بود گفت : نه . فرمود : او جبرئیل بود پس بر حذر باش از اینکه اولین کسی باشی که پیمان می شکنی و در نتیجه کافر گردی .

سپس امام صادق (علیه السلام) فرمود: به تحقیق که در غدیر خم دوازده هزار نفر مرد بودند که برای علی بن ابی طالب شهادت دهند اما نتوانست حق خود را بگیرد در حالی که یکی از شما مالی برای او می باشد و دو شاهد دارد پس حق خود را می گیرد « پس همانا حزب خداوند پیروزها هستند » در مورد علی (علیه السلام) می باشد .

بحار ج ۳۷ ص ۱۴۰) ۱۷- شي : عن عمر بن يزيد قال: أبو عبد الله (صلي الله عليه و آله و سلم) ابتداءً منه: العجب يا أبا حفص لما لقي علي بن أبي طالب!!، إنّه كان له عشره آلاف شاهد لم يقدر علي أخذ حقه و الرجل يأخذ حقه بشاهدين، أنّ رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) خرج من المدينة حاجاً و تبعه خسمه آلاف، و رجع من مكّه و قد شيّعه خسمه آلاف من أهل مكّه، فلما انتهى إلي الجحفة نزل جبرئيل بولايه علي (صلي الله عليه و آله و سلم) و قد كانت نزلت و لايته بمني و امتنع رسول الله من القيام بهالمكان الناس، فقال: «يا أيّها الرسول بلّغ ما أنزل إليك من ربك و إن لم تفعل فما بلّغت رسالته و الله يعصمك من الناس» ممّا كرهت بمني، فامر رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) فقمّت السمرات فقال رجل من الناس: أما و الله ليأتينكم بدهايه، فقلت لعمر: من الرجل؟ فقال: الحبشي.

۱۶- عمر بن يزيد گوید: امام صادق (عليه السلام) ابتداءً فرمودند: اي اباحفص شگفتا از آنچه كه به علي بن ابي طالب (عليه السلام) رسيد. همانا با وجودي كه ده هزار شاهد براي او بود نتوانست حق خودش را بگيرد در حالي كه مردي با دو شاهد حق خود را مي گيرد. همانا رسول خدا (صلي الله عليه و آله) براي حج از مدينه خارج شد در حالي كه پنج هزار نفر دنبال او بودند و از مكه بازگشت در حالي پنج هزار نفر از اهل مكه او را همراهي مي كردند وقتي كه به جحفه رسيد جبرئيل ولايت علي را آورد و قبلاً ولايت علي (عليه السلام) در مني نازل شده بود. ولي پيامبر به خاطر مردم از اقامه آن امتناع كرد. پس جبرئيل فرمود «اي رسول آنچه كه از پروردگار تو بر تو نازل شده است را ابلاغ كن و اگر اين كار را انجام ندهي رسالت خدا را نرسانده اي و خدا تو را از مردم حفظ مي كند» از آن چيزي كه در مني كراهت داشتني، پس پيامبر دستور داد زير درختان روفته شد، پس مردي گفت: آگاه باشيد به خدا قسم حتما پيامبر امر عظيمي براي شما مي آورد. به عمر بن يزيد

گفتم : آن مرد که این سخن را گفت که بود؟ گفت : شخصی حبشی (کنایه از عمر) .

(بحار ج ۳۷ ص ۱۶۴) ۱۷- شی: عن جعفر بن محمد الخزاعي عن أبيه قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يذكر في حديث غدیر خم أنه لما قال النبي (صلي الله عليه و آله و سلم) لعلي (عليه السلام) ما قال و أقامه للناس صرخ إبليس صرخه فاجتمعت له العفاريت، فقالوا: يا سيّدنا ما هذه الصرخه؟ فقال: ويلكم يومكم كيوم عيسي، و الله لأضلّن فيه الخلق، قال: فنزل القرآن « و لقد صدق عليهم إبليس ظنّه فاتبعوه إلا فريقاً من المؤمنين » فقال: صرخ إبليس صرخه فرجعت إليه العفاريت فقالوا: يا سيّدنا ما هذه الصرخه الأخرى؟ فقال: ويحكم حكي الله و الله كلامي قرآناً، و أنزل عليه « و لقد صدّق عليهم إبليس ظنّه فاتبعوه إلا فريقاً من المؤمنين» ثمّ رفع رأسه إلي السماء ثمّ قال: و عزّتك و جلالك لألحقنّ الفريق بالجميع، قال: فقال النبي (صلي الله عليه و آله و سلم) : «بسم الله الرّحمان الرّحيم إنّ عبادي ليس لك عليهم سلطان» قال: صرخ إبليس صرخه فرجعت إليه العفاريت فقالوا: يا سيّدنا ما هذه الصرخه الثالثه؟ قال: و الله من أصحاب علي، و لكن بعزّتك و جلالك يا ربّ لأزيننّ لهم المعاصي حتّي أبغضهم إليك، قال: فقال أبو عبد الله (عليه السلام) : و الذي بعث بالحقّ محمّداً للعفاريت و الأبالسه علي المؤمنين أكثر من الزنابير علي اللّحم، و المؤمن أشدّ من الجبل و الجبل يستقلّ منه بالفأس فينحت منه و المؤمن لا يستقلّ علي دينه.

۱۷- محمد خزاعي مي گوید : شنيدم امام صادق (عليه السلام) در حديث غدير خم يادآور شد كه : هنگامي كه پيامبر درباره علي (عليه السلام) آن سخن را فرمود و او را براي مردم اقامه نمود. ابليس فريادي كشيده پس عفريت هاي او جمع شدند و گفتند : اي آقاي ما اين چه فريادي است ؟ گفت واي بر شما امروز شما مانند روز عيسي است به خدا قسم در اين روز خلق را حتماً گمراه خواهيم كرد . فرمود پس اين آيه قرآن نازل شد «و به تحقيق ابليس گمان خود را درباره آنها راست كرد پس او را پيروي كردند مگر فرقه اي از مومنين » فرمود : ابليس باز فريادي كشيده عفريت ما به نزد او برگشتند و گفتند اي آقاي ما

این فریاد دیگر چیست ؟ گفت : وای به حال شما به خدا قسم خداوند سخن مرا به صورت قرآن حکایت نمود و به پیامبر این آیه را نازل نمود « و به تحقیق که ابلیس گمان خود را در مورد آنها راست نمود پس او را پیروی کردند مگر فرقه ای از مومنین » سپس ابلیس سرش را به طرف آسمان بلند کرد و گفت : به عزت و جلال تو سوگند آن فرقه (مومن) راهم به آن جمع (گمراه) ملحق می کنم . فرمود : سپس پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود : « بسم الله الرحمن الرحيم همانان بندگان مرا براي تو به آنها تسلطی نیست » فرمود : باز ابلیس فریادی کشید و عفریت ها به نزد او بازگشتند و گفتند: ای آقای ما این فریاد سوم چیست ؟ گفت داد از دست اصحاب علی (علیه السلام) و لکن به عزت و جلال تو سوگند ای پروردگار حتماً معصیت ها را نزد آنها زینت می دهم تا اینکه آنها را نزد تو مبعوض نمایم . گوید پس امام صادق (علیه السلام) فرمود : قسم به کسی که محمد (صلي الله عليه و آله) را به حق مبعوث نمود عفریت ها و ابلیس ها بر مومنین بیشتر از زنبورها بر گوشت هستند و مومن از کوه محکم تر است و کوه به وسیله تبر از آن تکه هایی جدا می شود و مومن از دینش جدا نمی شود .

(بحار ج ۳۷ ص ۱۷۰) ۱۸- فر: جعربن محمد الازدي، عن محمد بن الحسين الصائغ، عن الحسن بن علي الصيرفي، عن محمد البراز، عن فرات بن أحنف، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: قلت: جعلت فداك للمسلمين عيد أفضل من الفطر و الأضحى و يوم الجمعة و يوم عرفه؟ قال: فقال لي: نعم أفضلها و أعظمها و أشرفها عند الله منزله، و هو اليوم الذي أكمل الله فيه الدين، و أنزل علي نبيّه محمد «اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً» قال: قلت: و أي يوم هو؟ قال: فقال لي: إنّ أنبياء بني اسرائيل كانوا إذا أراد أحدهم أن يعقد الوصية و الامامه من بعده ففعل ذلك جعلوا ذلك اليوم عيداً، و إنّهُ اليوم الذي نصب فيه رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) علياً للناس علماً، و أنزل فيه ما أنزل، و كمل فيه الدين، و تمت فيه النعمه علي المؤمنين، قال: قلت: و أي يوم هو في السنه؟

قال: فقال لي: إِنَّ الْإِيَّامَ تَتَقَدَّمُ وَتَتَأَخَّرُ، وَرَبُّمَا كَانَ يَوْمَ السَّبْتِ وَالْأَحَدِ وَالْإِثْنَيْنِ إِلَى آخِرِ أَيَّامِ السَّبْعَةِ، قَالَ قُلْتُ: فَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَعْمَلَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ؟ قَالَ: هُوَ يَوْمُ عِبَادَةٍ وَصَلَاةٍ وَشُكْرٍ لَلَّهِ وَحَمْدٍ لَهُ، وَسُرُورٍ لِمَا مَنَّ اللَّهُ بِكُمْ مِنْ وِلَايَتِنَا، وَ إِنِّي أَحَبُّ لَكُمْ أَنْ تَصُومُوهُ.

۱۸- فرات بن احنف گوید : به امام صادق (علیه السلام) گفتم : فدایت شوم آیا مسلمانها عیدی بهتر از فطر و قربان و روز جمعه و عرفه دارند ؟ گوید امام به من فرمود: بله بهترین و عظیم ترین و شریف ترین آنها از نظر منزلت و مقام و آن روزی است که خداوند در آن دین را کامل نمود و این آیه را بر پیامبرش محمد (صلي الله عليه و آله) نازل کرد « امروز دین را برای شما کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم» گوید گفتم آن چه روزی است ؟ پس به من فرمود : همانا انبیاء بنی اسرائیل هنگامی که یکی از آنها قصد می کرد که پیمان وصایت و امامت بعد از خودش را ببندد پس آن کار را انجام می داد. آن روز را عید قرار می دادند و همانا آن روزی است که رسول خدا (صلي الله عليه و آله) در آن روز علی را به عنوان عَلم برای مردم نصب نمود و نازل کرد در آن آنچه که نازل کرد و دین در آن کامل شد و در آن نعمت بر مومنین تمام شد . گوید گفتم : کدام روز سال است ؟ گوید به من فرمود : روزها عقب و جلو می شوند و چه بسا شنبه و یکشنبه و دوشنبه تا آخر ایام هفته باشد گوید گفتم : چه کاری سزاوارتر است که در آن روز انجام دهیم ؟ فرمود : آن روز عبادت و نماز و شکر خدا و حمد خدا و سرور به خاطر آنچه خداوند از ولایت ما به شما بخشیده است می باشد و همانا من برای شما دوست می دارم که آنرا روزه بگیرید.

(بحار ج ۳۷ ص ۱۷۳) ۱۹- فر: أبو القاسم الحسنی معنعناً عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: لما نزلت و لایه أمير المؤمنين علي بن

أبي طالب (عليه السلام) أقامه رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) فقال: من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه، فقال رجل: لقد فتن بهذا الغلام! فأنزل الله تعالى «فستبصر و يبصرون بأئكم المفتون».

١٩- امام صادق (عليه السلام) فرمود: وقتي كه ولايت اميرالمومنين علي بن ابي طالب (عليه السلام) نازل شد پيامبر آنرا اجرا و اقامه نمود سپس فرمود: « هر كس من مولاي او هستم پس اين علي مولاي اوست » پس مردي گفت پيامبر مفتون و فريب خورده اين پسر بچه شده است! پس خداي تعالي نازل نمود « پس به زودي مي بيني و آنها هم مي بينند كه فتنه به چه كسي است »

(بحار ج ٣٧ ص ١٧٥) ٢٠ - فر : محمد بن أحمد بن ظبيان معنعناً عن الحسين بن محمد الخارقي قال: سألت سفيان بن عيينه عن «سأل سائل» فيمن نزلت؟ فقال: يا ابن أخي سألتني عن شيء ما سألتني عنه خلق قبلك، لقد سألت جعفر بن محمد (عليه السلام) عن مثل الذي سألتني عنه فقال: أخبرني أبي، عن جدّه، عن أبيه، عن ابن عباس قال: لما كان يوم غدیر خمّ قام رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) خطيباً فأوجز في خطبته، ثمّ دعا اميرالمؤمنين علي بن أبي طالب (عليه السلام) فأخذ بضبعه ثمّ رفع بيده حتّي رئيّ بياض إبطيهما، فقال: ألم أبلغكم الرّساله؟ ألم أنصح لكم؟ قالوا: اللهمّ نعم، فقال: من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهمّ و ال من والاه و عاد من عاداه، و انصر من نصره و اخذل من خذله، ففشت هذه في النّاس فبلغ الحارث بن النعمان الفهري فرحل راحلته، ثمّ استوي عليها - و رسول الله إذ ذاك بمكّه - حتّي انتهى إلي الا بطح، فأناخ ناقته ثمّ عقلها، ثمّ جاء إلي النّبّي (صلي الله عليه و آله و سلم) فسلمّ، فردّ عليه النّبّي (صلي الله عليه و آله و سلم) فقال: يا محمد إنّك دعوتنا أن نقول: لا إله إلا الله فقلنا، ثمّ دعوتنا أن نقول: إنّك رسول الله فقلنا، و في القلب ما فيه! ثمّ قلت: فصلّوا فصلينا، ثمّ قلت: فصوموا فصمنا، ثمّ قلت: فحجّوا فحججنا، ثمّ قلت: إذا رزق أحدكم مائتي درهم فليصدق بخمسه كلّ سنة ففعلنا، ثمّ إنّك أقمت ابن عمّك فجعلته علماً وقلت: من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهمّ و ال من والاه و عاد من عاداه، و انصر من نصره و اخذل من خذله، أفعنك أم عن الله؟ قال: بل عن الله - قال: فقالها ثلاثاً - قال:

فنهض و إنّه لمغضب و إنّه ليقول: اللّهمّ إن كان ما قال محمّد (صلي الله عليه و آله و سلم) حقّاً فامطر علينا حجاره من السّماء تكون نقمه في أوّلنا و آيه في آخرنا، و إن كان ما قال محمّد كذباً فأنزل به نقمتك، ثمّ أثار ناقته فحلّ عقالها ثمّ استوي عليها، فلمّا خرج من الابطح رماه الله تعالى بحجر من السّما فسقط عن رأسه و خرج من دبره، و سقط ميّتاً، فأنزل الله فيه « سأل سائل بعذاب واقع للكافرين ليس له دافع من الله ذي المعارج».

۲۰- حسين بن محمد خارقى گوید : از سفيان بن عيينه پرسيدم آيه « سئال سائل » درباره چه كسي نازل شد ؟ پس گفتم : اي پسر برادرم چيزي از من پرسيدي كه هيچ كس قبل از تو از من نپرسيده بود . به تحقيق كه همين سوال را از جعفر بن محمد سوال كردم پس فرمود : پدرم از جدش از پدرش از ابن عباس به من خبر داد كه فرمود : هنگامي كه روز غدیر خم شد پیامبر (صلي الله عليه و آله) به خطبه ايستاد و خطبه مختصري خواند پس اميرالمومنين علي بن ابي طالب را خواند و بازوي او را گرفت سپس دستش را بالا برد تا جايي كه سفيدي زير بغل هر دو نمايان شد . سپس فرمود : آيا من تبليغ رسالت نكردم ؟ آيا براي شما خيرخواهي نكردم ؟ گفتند : خدايا چرا سپس فرمود : هر كس من مولاي او هستم پس اين علي مولاي اوست . خدايا دوست بدار هر كس او را دوست دارد و دشمني كن با هر كس كه با او دشمني كند و ياري كن هر كس او را ياري كند و ترك ياري كن هر كس كه ترك ياري او كند . پس اين خبر در بين مردم فاش شد و به حارث بن نعمان فهري رسيد پس شتر خود را زين نمود و به روي آن قرار گرفت و پیامبر در آن موقع در مکه بود . آن شخص به ابطح رسيد و شتر خود را خواباند و زانوي آن را بست سپس به نزد پیامبر (صلي الله عليه و آله) آمد و سلام كرد . پیامبر (صلي الله عليه و آله) جواب او را داد . پس گفتم : اي محمد تو ما را دعوت كردي كه لاله الا الله بگويم ما هم گفتيم سپس دعوت كردي كه بگويم تو رسول خدا هستي ما هم گفتيم در حالي كه در قلبمان بود آنچه كه بود سپس گفتم نماز بخوانيد خوانديم . سپس گفتم حج به جا آورديد ما هم حج به جا آورديم . سپس گفتم وقتي يكي از شما دويست درهم به او روزي شد هر سال پنج درهم زكات دهد ما هم

انجام دادیم. سپس پسرعمویت را اقامه کردی و او را عَلم نمودی و گفתי : هرکس من مولای او هستم این علی مولای اوست . خدایا دوست بدار هر کس او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن بدارد و یاری کن هر کس او را یاری کند و ترک یاری کن هر کس که ترک یاری او کند. آیا این کار از جانب توست یا از جانب خدا؟ پیامبر (صلي الله عليه و آله) سه بار فرمود بلکه از جانب خداوند است . حارث برخاست در حالی که غضبناک بود و می گفت : خدایا اگر آنچه محمد (صلي الله عليه و آله) می گوید حق است سنگی از آسمان بر ما بباران که انتقامی برای اولین ما و نشانه ای برای دیگران باشد و اگر آنچه محمد (صلي الله عليه و آله) می گوید دروغ است انتقام خودت را بر او نازل کن . سپس شتر خود را نهیب زد و زانوی او را باز کرد و بر روی آن قرار گرفت . پس هنگامی از ابطح خارج شد خداوند سنگی از آسمان بر او پرتاب کرد . که بر سر سرش فرود آمد و از پشت او خارج شد و مرده بر زمین افتاد . پس خدا درباره او نازل نموده است : درخواست کننده ای درخواست عذاب واقع را نمود . برای کافرین در برابر آن دفاعی نیست - از جانب خداوند صاحب معارج .

(بحار ج ۳۷ ص ۱۹۷) ۲۱- أقول: في كتاب سليم بن قيس الهلالي أنّ أبان بن أبي عياش روي عن سليم قال: سمعت أبا سعيد الخدريّ يقول: إنّ رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) دعا النَّاسَ بغدير خمّ فأمر بماكان تحت الشجر من الشوك فقمّ، و كان ذلك يوم الخميس، ثمّ دعا النَّاسَ إليه وأخذ بضبع علي بن أبي طالب فرفعها حتّي نظرت إليّ بياض إبط رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) فقال: من كنت مولاه فعليّ مولاه اللهم و ال من والاه و عاد من عاداه، و انصر من نصره و اخذل من خذله، قال أبو سعيد: فلم ينزل حتّي نزلت هذه الآية: « اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت

عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً « فقال رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) : الله اكبر علي إكمال الدين و إتمام النعمه و رضي الربّ برسالتي و بولايه عليّ لامن بعدي، فقال حسّان بن ثابت: يا رسول الله أتأذن لي لأقول في عليّ أبياتاً؟ فقال (صلي الله عليه و آله و سلم) : قال علي بركه الله، فقال حسّان: يا مشيخه قريش اسمعوا قولي بشهاده من رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) :

ألم تعلموا أنّ النبيّ محمّداً
لدي دوح خمّ حين قام
منادياً
و قد جاءه جبريل من عند ربّه
بأنك معصوم فلا
تك وانياً
و بلّغهم ما أنزل الله ربّهم
و إن أنت لم تفعل و
حاذرت باغياً
عليك فما بلّغتهم عن إلههم
رسالته إن كنت تخشي
الأعاديا
فقام به إذ ذاك رافع كفّه
بيمين يديه
معن الصوت عالياً
فقال لهم : من كنت مولاه منكم
و كان لقولي حافظاً
ليس ناسياً
فمولاه من بعدي عليّ و إنني
راضياً
فيا ربّ من و الي عليّاً فواله
و كن للذي عادي
عليّاً معادياً
و يا ربّ فانصر ناصريه لنصرهم
إمام الهدى كالبدر يجلو
الدياجيا
و يا ربّ فاخذل خاذليه و كن لهم
إذا و قفوا يوم الحساب
مكافياً

۲۱- سيلم بن قيس گوید : شنیدم اباسعيد خدري مي گفت : همانا رسول خدا (صلي الله عليه و آله) در غدیر خم مردم را خواند سپس دستور داد زیر درخت از خار و خاشاک روفته شود و آن روز پنج شنبه بود سپس مردم را صدا زد و بازوي علي بن ابي طالب را گرفت تا جايي که به سفیدی زیر بغل پیامبر (صلي الله عليه و آله) نگاه کردم .سپس فرمود : هرکس من مولاي او هستم علي مولاي اوست خدايا دوست بدار هر کس او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن بدارد و ياري کن هر کس او را ياري کند و

ترك ياري كن هر كس كه ترك ياري او كند. ابوسعيد گفت :
پيامبر فرود نيامد تا اينكه اين آيه نازل شد « امروز دين را
براي شما كامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام
را به عنوان دين براي شما پسنديدم» پس پيامبر فرمود: «الله
اكبر بر كامل شدن دين و تمام شدن نعمت و رضایت پروردگار به
رسالت من و ولايت علي بعد از من . سپس حسان بن ثابت گفت : اي
رسول خدا آیا به من اجازه مي دهی که درباره علي ابیاتی
بگویم ؟ پيامبر (صلي الله عليه و آله) : به برکت خدا بگو. حسان
گفت اي مشايخ قريش گفتار مرا در حضور رسول الله بشنوید: .

آيا نمي دانيد كه همانا محمد پيامبر
نزد درختان
خم آن هنگام كه به ندا ايستاد
در حالي كه جبرئيل از نزد پروردگارش نزد او آمده بود —
اينكه تو محفوظ هستي پس ضعيف و سست مباش
و برسان به آنها آنچه كه خدا نازل کرده است و اگر اين
كار را نكني و از تجاوزگر حذركني
پس از جانب خدايش نرسانده اي
اگر از دشمنان بترسي
پس در آن هنگام در حالي كه دست او را بلند کرده بود برخاست
با دست راستش با صوت آشكار و بلند
به آنها گفت هر كس از شما من مولاي او هستم
و حافظ گفتار من است و
فراموش كار نيست
پس مولاي او بعد از من علي است و همانا من
به او غير از ديگران راضي
هستم

پس اي پروردگار هر كس علي را دوست بدارد او را دوست بدار
و اي پروردگار ياران او را ياري كن به خاطر ياري امام
هدايت مانند ماه شب چهاردهم كه تاريخي ها را روشن مي كند
و اي پروردگار خاذهين او را ترك ياري كن و
موقف حساب مكافات كننده آنها باش

(بحار ج ۳۷ ص ۲۲۱) ۲۲- کنز: محمد بن العباس، عن الحسن بن أحمد المالکي، عن محمد بن عيسي، عن يونس، عن عبدالله بن سنان، عن الحسين الجمال قال: حملت أبا عبدالله من المدينة إلي مکه، فلما بلغ غدیر خمّ نظر إليّ و قال: هذا موضع قدم رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) حين أخذ بيد علي (عليه السلام) و قال: « من كنت مولاه فعلي مولاه» و كان عن يمين الفسطاط أربعة نفر من قريش- سّمّاهم لي - فلما نظروا إليه و قد رفع يده حتّي بان بياض إبطيه قالوا« انظروا إلي عينيه قد انقلبتا كأنهما عينا مجنون! فأتاه جبرئيل فقال: اقرء » و إن يكاد الذين كفروا ليزلقونك بأبصارهم لّمّا سمعوا الذكر و يقولون إنّه لمجنون و ما هو إلاّ ذكر للعالمين» و الذكر عليّ بن إبي طالب (عليه السلام) (فقلت: الحمد لله الذي أسمعني هذا منك، فقال: لولا أنّك جمالي لما حدّثتک بهذا لأنّك لاتصدّق إذا رويت عني.

۲۲- حسين جمال گوید : امام صادق (عليه السلام) را از مدينه تا مکه بر مرکب حمل نمودم . پس هنگامي که به غدیر خم رسید به من نگاه کرد و فرمود : این مکان قدم رسول خدا (صلي الله عليه و آله) است هنگامي که دست علي را گرفت و فرمود: هرکس من مولاي او هستم علي مولاي اوست و طرف راست خيمه چهار نفر از قريش بودند - که نام آنها را براي من گفت - پس هنگامي که دیدند پیامبر (صلي الله عليه و آله) دست علي (عليه السلام) را بلند کرد تا جايي که سفیدی زیر بغل او نمایان شد گفتند : نگاه کنید به دو چشم پیامبر که دگرگون شده است گويي که دو چشمان ديوانه است . پس جبرئيل نزد پیامبر آمد و فرمود بخوان : و همانا نزدیک بود کسانی که کافر شدند هنگامي که ذکر را شنیدند با چشمانشان نگاه تیز به تو نمایند و مي گویند همانا او ديوانه است و نیست او مگر ذکري براي جهانيان » و ذکر علي بن ابي طالب (عليه السلام) است پس گفتم : حمد مخصوص آن خداوندي است که این مطلب را از شما به من شنواید پس فرمود

: اگر تو شتربان من نبودي اين سخن را به تو نمي گفتم چرا که
اگر تو آنرا از من روايت کني تصديق نمي شوي .

(بحار ج ۳۷ ص ۲۲۲) ۲۳ - بشا: محمد بن علي بن قرواش، عن
محمد بن محمد انقار، عن محمد بن محمد بن الحسين، والحسن بن
زيد بن حمزه، عن علي بن عبد الرحمن، عن محمد بن منصور، عن
علي ابن الحسين بن عمر بن علي بن الحسين، عن ابراهيم بن
رجاء الشيباني قال: قيل: لجعفر بن محمد (عليه السلام) ما أراد
رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) بقوله لعلي (عليه السلام) يوم
الغدِير: « من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم و ال من و الاه و عاد
من عاداه » قال: فاستوي جعفر بن محمد (عليه السلام) قاعداً ثم
قال: سئل و الله عنها رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) فقال:
الله مولاي أولي بي من نفسي لا امرلي معه، و أنا مولي المؤمنين
أولي بهم من أنفسهم لأمر لهم معي، و من كنت مولاه أولي به من
نفسه لأمر له معي فعلي بن أبي طالب مولاه أولي به من نفسه
لأمر له معه.

۲۳- به امام صادق (عليه السلام) گفته شد: پیامبر (صلي الله
عليه و آله) با گفتار خود به علي در روز غدیر که فرمود « من
كنت مولاه..... » چه چیزی را اراده کرد؟ گوید امام صادق
(عليه السلام) راست نشست. سپس فرمود: به خدا قسم در مورد آن
از پیامبر (صلي الله عليه و آله) سؤال شد پس فرمود: خدا مولاي
من است و از من به من سزاوارتر است با وجود او امري براي من
نیست و من مولاي مؤمنين هستم و از خودشان به خودشان سزاوارتر
هستم و با وجود من امري براي آنها نیست و کسی که من مولاي او
هستم و سزاوارتر به او از خود او هستم و با وجود من امري
براي او نیست پس علي بن ابي طالب مولاي اوست و سزاوارتر به
او از خودش است و با وجود او امري براي او نیست .

(بحار ج ۳۷ ص ۲۲۳) ۲۴- کشف: من دلائل الحميري عن الحسن بن
طريف قال: كتبت إلي أبي محمد (عليه السلام) أسأله ما معني قول
رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) لامير المؤمنين (عليه

السلام): «من كنت مولاة فهذا مولاة» قال «أراد بذلك أن جعله علماً يعرف به حزب الله عند الفرقة.

۲۴- حسن بن طريف گوید : به امام عسگری (عليه السلام) نامه نوشتم و سوال کردم معني گفتار پیامبر در مورد اميرالمومنين که فرمود: من كنت مولاة فهذا علي مولاة چیست ؟ فرمود : با آن سخن اراده کرده بود که او را نشاني قرار دهد که در هنگام تفرقه حزب خدا شناخته شوند.

(بحار ج ۳۷ ص ۲۲۳) ۲۵- لي، مع: محمد بن عمر الحافظ، عن جعفر بن محمد الحسني، عن محمد بن عليّ ابن خلف، عن سهل بن عامر، عن زافر بن سليمان، عن شريك، عن أبي إسحاق قال: قلت لعليّ بن الحسين (عليه السلام): ما معني قول النبي (صلي الله عليه و آله و سلم): «من كنت مولاة فعليّ مولاة» قال: أخبرهم أنّه الامام بعده.

۲۵- ابي اسحاق گوید به امام سجاد (عليه السلام) گفتم معني گفتار پیامبر (صلي الله عليه و آله) «هرکس من مولاي او هستم علي مولاي اوست» چیست ؟ فرمود : به آنها خبر داد که او امام بعد از اوست .

(بحار ج ۳۷ ص ۲۲۳) ۲۶- مع: محمد بن عمر، عن موسى بن محمد بن الحسن، عن الحسن بن محمد، عن صفوان بن يحيى، عن يعقوب بن شعيب، عن إبان بن تغلب قال: سألت أبا جعفر محمد بن علي (عليه السلام) عن قول النبي (صلي الله عليه و آله و سلم): «من كنت مولاة فعليّ مولاة» فقال: يا أبا سعيد تسأل عن مثل هذا؟! أعلمهم أنّه يقوم فيهم مقامه.

۲۶- ابان بن تغلب گوید از امام باقر (عليه السلام) در مورد گفتار پیامبر (صلي الله عليه و آله) «هرکس من مولاي او هستم علي مولاي اوست» پرسیدم . پس فرمود : اي اباسعيد از مثل چنین چيزي سوال مي کني !؟

آنگاه را آگاه کرد که علي (عليه السلام) در مقام پیامبر (صلي الله عليه و آله) ايستاده است.

(بحار ج ۳۷ ص ۲۳۳) ۲۷- کش: جبرئیل بن أحمد، عن موسی بن معاویه بن وهب، عن علی بن سعید، عن عبدالله بن عبدالله الواسطي، عن واصل بن سلیمان، عن عبدالله بن سنان، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: لَمَّا صرَع زيد بن صوحان رحمه الله يوم الجمل جاء اميرالمؤمنين (عليه السلام) حتي جلس عند رأسه فقال: رحمك الله يا زيد لقد كنت خفيف المؤمنه عظيم المعونه؛ قال: فرفع زيد رأسه إليه ثم قال: و أنت فجزاك الله خيراً يا اميرالمؤمنين، فوالله ما علمتك إلا بالله عليمًا و في أم الكتاب علياً حكيمًا، و إن الله في صدرك لعظيم؛ والله ما قاتلت معك علي جهاله و لكنني سمعت أم سلمه زوج النبي (صلي الله عليه و آله و سلم) تقول: سمعت رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) يقول: من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم و ال من والاه، و عاد من عاداه، وانصر من نصره و اخذل من خذله، فكرهت و الله أن أخذك فيخذلني الله.

۲۷- امام صادق (عليه السلام) فرمود: وقتي که در جنگ جمل زيد بن صوحان بر زمین افتاد اميرالمؤمنين آمد تا اینکه نزد سر او نشست سپس فرمود: اي زيد خداوند ترا رحمت کند حقا که تو کم خرج و پرفایده بودي. پس زيد سرش را به سوي علي (عليه السلام) بلند کرد و گفت: يا اميرالمؤمنين ترا هم خداوند جزاي خير دهد به خدا قسم ترا نمي دانم مگر داناي نسبت به خدا و بلند مرتبه و حکيم در ام الكتاب و همانا خدا در سينه تو داراي عظمت است. به خدا قسم همراه تو از روي ناداني جهاد نکردم و لكن من شنيدم که ام سلمه همسر پیامبر (صلي الله عليه و آله) مي فرمود: هرکس که من مولا و سرپرست او هستم علي مولاي اوست. خدايا دوست بدار هرکس او را دوست دارد و دشمن بدار هرکس که او را دشمن بدارد و ياري کن هرکس او را ياري کند و ترك ياري کن هرکس که ترك ياري او کند. پس خوش نداشتم که ترك ياري تو کنم که در نتيجه خدا ياري خود را از من بردارد.

(بحار ۹۷ ص ۱۱۰) ۲۸ - ل: أبي، عن سعد، عن ابن يزيد، عن ابن أبي عمير، عن غير واحد، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: يوم غدیر أفضل الاعیاد، و هو الثامن عشر من ذي الحجه و كان يوم الجمعة.

۲۸- امام صادق (عليه السلام) فرمود: روز غدیر بهترین عیدهاست و آن روز هجدهم ذي الحجه است و روز جمعه بود.

(بحار ۹۷ ص ۱۱۱) ۲۹ - ل: ابن موسي، عن الاسدي، عن الحسين بن عبدالله الأشعري، عن اليقطيني، عن القاسم، عن جدّه، عن المفضل قال: قلت لأبي عبدالله (عليه السلام): كم للمسلمين من عيد؟ فقال: أربعه أعياد، قال: قلت: قد عرفت العيدين و الجمعة فقال لي: أعظمها و أشرفها يوم الثامن عشر من ذي الحجه، و هو اليوم الذي أقام فيه رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) امير المؤمنين (عليه السلام) و نصبه للناس علماً، قال: قلت: ما يجب علينا في ذلك اليوم؟ قال: يجب عليكم صيامه شكر الله، و حمداً له، مع أنّه أهل أن يشكر كلّ ساعه، و كذلك أمرت الانبياء أوصياءها أن يصوموا اليوم الذي يقام فيه الوصي، يتخذونه عيداً، و من صامه كان أفضل من عمل ستين سنه.

۲۹- مفضل گوید: به امام صادق (عليه السلام) گفتم: مسلمانها چند عيد دارند؟ فرمود: چهار عيد. گفتم: عيد فطر و قربان و جمعه را مي شناسم پس به من فرمود: عظيم ترين آنها و شريف ترين آنها روز هجدهم ذي الحجه است و آن روزي است كه پیامبر (صلي الله عليه و آله) اميرالمومنين را اقامه كرد و او را به عنوان علم براي مردم نصب كرد. گوید گفتم: در آن روز چه چیزی بر ما واجب است؟ فرمود: به خاطر شكر و حمد خدا روزه آن روز بر شما واجب است در عين حال كه خدا اهل شكر در هر زماني است و همچنين انبياء به اوصياء خود دستور مي دادند آن روزي كه وصي در آن اقامه مي شود را روزه بگیرند و آنرا عيد بگیرند و كسي كه آنرا روزه بگیرد بهتر از عمل شصت سال است.

(بحار ج ۹۷ ص ۱۱۱) ۳۰ - ثو: أبي، عن سعد، عن ابن هاشم، عن القاسم، عن جدّه، عن أبي عبدالله (صلي الله عليه و آله و سلم) قال:

قلت: جعلت فداك للمسلمين عيد غير العيدين؟ قال: نعم يا حسن أعظمها و أشرفها، قال: قلت له: و أي يوم هو؟ قال: يوم نصب اميرالمؤمنين صلوات الله عليه علماً للناس، قال: قلت: جعلت فداك و اي يوم هو؟ قال: إِنَّ الايام تدور و هو يوم ثمانيه عشر من ذي الحجه، قال: قلت: جعلت فداك و ما ينبغي لنا أن نصنع فيه؟ قال: تصومه يا حسن و تكثر الصلاه فيه علي محمد و أهل بيته، و تتبرء الي الله ممن ظلمهم و جردهم حقهم، فإنَّ الانبياء (عليه السلام) كانت تامر الاوصياء (عليه السلام) باليوم الذي كان يقام فيه الوصيُّ أن يتَّخذ عيداً، قال: قلت: ما لمن صامه منّا؟ قال: صيام ستين شهراً ولا تدع صيام يوم سبعة و عشرين من رجب، فإنَّه هو اليوم الذي أنزلت فيه النبوه علي محمد (صلي الله عليه و آله و سلم) و ثوابه مثل ستين شهراً لكم.

۳۰- جد قاسم گوید : به امام صادق (عليه السلام) گفتم فدايت شوم . آیا مسلمين غير عيد فطر و قربان عيد ديگري هم دارند ؟ فرمود : بله . اي حسن عظيم ترين و شريف ترين اعيادا! گوید : گفتم ؛ آن کدام روز است . فرمود: روزي كه اميرالمومنين صلوات الله عليه به عنوان علم براي مردم نصب شد . گوید : گفتم ؛ فدايت شوم : آن چه روزي است ؟ فرمود : همانا روزها دور مي زند و آن روز هيچدهم ذي الحجه است . گوید : گفتم ؛ فدايت شوم چه كاري سزاوار است كه در آن روز انجام دهيم ؟ فرمود : اي حسن آن روز را روزه مي گيري و در آن بر محمد و اهل بيت او زياد صلوات مي فرستي و از كساني كه حق آنها را انكار و به آن ظلم نمودند به سوي خدا بيزاري و برائت مي جويي . پس همانا انبياء به اوصياء خود دستور مي دادند آن روزي كه وصي در آن اقامه مي شود عيد گرفته شود . گوید: گفتم :براي روزه دار آن روز چه خواهد بود ؟ فرمود : روزه شصت ماه و روزه بيست و هفتم رجب را رها مكن چرا كه آن روزي است كه نبوت بر محمد (صلي الله عليه و آله) نازل شده است و ثواب آن براي شما مثل شصت ماه است.

(بحار ج ۹۷ ص ۱۱۲) ۳۱- ثو: ابن الوليد، عن محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن علي الكوفي عن محمد بن سنان، عن المفضل،

عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: صوم يوم غدیر خمّ كفّاره ستّين سنه .

۳۱- امام صادق (عليه السلام) فرمود : روزه روز عیدخم كفاره شصت سال است.

(بحار ج ۹۷ ص ۱۱۲) ۳۲- ثو: ابن الوليد، عن الصفّار، عن اليقطيني، عن عليّ بن سليمان عن القاسم، عن جدّه قال: قيل لا بي عبدالله (عليه السلام) : للمومنين من الأعياد غير العيدين والجمعه؟ قال: فقال: نعم، لهم ما هو أعظم من هذا، يوم أقيم أميرالمؤمنين(عليه السلام) فعقد له رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) الولاية في اعناق الرّجال و النّساء بغدير خمّ، فقلت: و أيّ يوم ذلك؟ قال: الايام تختلف ثمّ قال: يوم ثمانيه عشر من ذي الحجه قال: ثمّ قال: و العمل فيه يعدل العمل في ثمانين شهراً، وينبغي أن يكثر فيه ذكر الله عزّ و جلّ، و الصّلاه علي النبي (صلي الله عليه و آله و سلم) و يوسّع الرّجل علي عياله.

۳۲- حسن گوید: به امام صادق (عليه السلام) گفته شد : آیا براي مومنين غير از عيد فطر و جمعه عيد ديگري هم هست ؟ فرمود : بله . براي آنها عيدي عظيم تر از آن است . روزي كه اميرالمومنين اقامه شد و رسول الله (صلي الله عليه و آله) در غدیر خم پيمان ولايت را براي او در گردن زنان و مردان بست . پس گفتم : کدام روز است ؟ فرمود روزها مختلف مي شود سپس فرمود : روز هيجدهم ذي الحجه است . پس فرمود : و عمل در آن روز برابر با عمل در هشتاد ماه است و سزاوار است كه در آن ذكر خداي عزّ و جلّ و صلوات بر پيامبر (صلي الله عليه و آله) زياد شود و مرد بر عيال خود وسعت دهد .

(بحار ج ۹۷ ص ۱۱۲) ۳۳- قال السيد ابن طاووس في كتاب مصباح الزائر: و ممّا روينا و حذفنا إسناده اختصاراً أنّ الفياض بن محمّد الطّوسي حدّث بطوس سنه تسع و خمسين و مائتين و قد بلغ التسعين أنّه شهداً با الحسن عليّ بن موسى الرّضا (عليه السلام) في يوم الغدير و بحضرته جماعه من خاصته، قد احتبسهم للافطار، و قد قدّم إلي منازلهم الطّعام و البر و الصلات و الكسوه حتّي الخواتيم و النعال، و قد غير من أحوالهم و أحوال حاشيته،

وجدت له آله غير الا له التي جري الرّسم بابتذالها قبل يومه ،
و هو يذكر فضل اليوم و قديمه ، فكان من قوله (عليه السلام) :
حدّثني الهادي أبي قال: حدّثني جدي الصادق (عليه السلام)
قال: حدّثني الباقر قال: حدّثني سيّد العابدين (عليه السلام)
قال: إنّ الحسين قال: اتفق في بعض سنين امير المؤمنين (عليه
السلام) الجمعه و الغدير، فصعد المنبر علي خمس ساعات من نهار
ذلك اليوم، فحمدالله و أثني عليه حمداً لم يسمع بمثله، و اثني
عليه مالم يتوجّه إليه غيره، فكان ممّا حفظ من ذلك:

الحمد لله الذي جعل الحمد (علي عباده) من غير حاجه منه إلي
حامديه، و طريقا من طرق الاعتراف بلاهوتيته و صمدانيته و
ربانيته و فردانيته، و سبباً إلي المزيد من رحمته، و محجّه
للطالب من فضله، و كمن في إبطان اللفظ حقيقه الاعتراف له
بأنه المنعم علي كلّ حمد باللفظ، و إن عظم.

و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، شهاده نزعته عن إخلص
المطوي و نطق اللسان بها عباره عن صدق خفي أنّه الخالق
البديء المصورّ له الاسماء الحسنی ليس كمثله شيء إذا كان
الشيء من مشيئته، و كان لا يشبهه مكنونه.

و أشهد أنّ محمداً عبده و رسوله استخلصه في القدم علي
سائر الأمم، علي علم منه به، انفرد عن التشاكل و التماثل من
أبناء الجنس، و ائتمنه أمراً و ناهياً عنه، أقامه في ساير
عالمه في الا داء و مقامه، إذ كان لا يدر كه الأبصار، و لا تحويه
خواطر الأفكار، و لا تمثله غوامض الظن في الاسرار، لا إله إلا
هو الملك الجبار قرن الاعتراف بنبوته بالاعتراف بلاهوتيته و
اختصّه من تكرمته بما لم يلحقه فيه أحد من بريته، فهل هل ذلك
بخاصته و خلّته، إذ لا يختص من يشوبه التغيير، و لا يخال من
يلحقه التظنين، و أمر بالصلاه عليه مزيداً في تكرمته، و
تطريقاً للداعي إلي إجابته، فضلي الله عليه و كرم و شرف و عظم
مزيداً لا يلحقه التنفيد، و لا ينقطع علي التأييد.

و إنّ الله تعالي اختص لنفسه بعد نبيه (صلي الله عليه و آله و
سلم) من بريته خاصه علاه بتعليته و سماهم إلي رتبته،
وجعلهم الدّعاء بالحقّ اليه و الأ دلاء بالارشاد عليه، لقرن قرن
و زمن زمن.

أنشأهم في القدم قبل كلّ مذروء و مبروء، أنواراً أنطقها
بتحميده و ألهمها بشكره و تمجيده، و جعلها الحجج له علي كلّ
معترف له بملكه الربوبيه و سلطان العبوديه، و استنطق بها
الخرسان بأنواع اللغات، بخوعاً له بأنّه فاطر الارضين و
السموات، و أشهدهم خلقه، و ولّاهم ما شاء من أمره جعلهم
تراجمه مشيئته، و ألسن إرادته عبيداً لا يسبقونه بالقول و هم

بأمره يعلمون، يعلم ما بين أيديهم و ما خلفهم و لا يشفعون إلا لمن ارتضي و هم من خشيته مشفقون.

يحكمون بأحكامه و يستنون سنّته و يعتمدون حدوده، و يؤدّون فروضه و لم يدع الخلق في بهم صماء و لافي عمي بكماء بل جعل لهم عقولاً ما زجت شواهدهم، و تفرقت في هياكلهم. حققها في نفوسهم و استعبد لها حواسهم، فقرّت بها علي أسمع و نواظر، و أفكار و خواطر ألزمهم بها حجّته، و أراهم بها محجّته، و أنطقهم عمّا تشهد به بألسنه ذر به بما قام فيها من قدرته و حكمته، و بين بها عندهم بها ليهلك من هلك عن بينه و يحيي من حيّ عن بينه و إنّ الله لسميع عليم بصير شاهد خبير.

و إنّ الله تعالي جمع لكم معشر المؤمنين في هذا اليوم عيدين عظيمين كبيرين لا يقوم أحدهما إلا بصاحبه ليكمل إحدكم صنعه، و يقفكم علي طريق رشده، و يقفو بكم آثار المستضيئين بنور هدايته، و يشملكم صوله و يسلك بكم منهاج قصده و يوفّر عليكم هنيء رفده.

فجعل الجمع مجمعا ندب إليه لتطهير ما كان قبله، و غسل ما أوقعته مكاسب السوء من مثله إلي مثله، و ذكرى للمؤمنين، و تبيان خشيه المتقين و وهب لأهل طاعته في الايام قبله، و جعله لا يتم إلا بالايتمار لما أمر به، و بالانتهاء عمّا نهى عنه و البخوع بطاعته فيما حثّ عليه و ندب إليه و لا يقبل توحيدده إلا بالاعتراف لنبيّه صلي الله عليه و آله بنبوته، و لا يقبل ديناً إلا بولايه من إمر بولايته، و لا ينتظم أسباب طاعته إلا بالتمسك بعصمه و عصم أهل ولايته.

فأنزل الله علي نبيه في يوم الدّوح ما بيّن به عن إراداته في خلصائه و ذوي اجتبائه، و أمره بالبلاغ و ترك الحفل بأهل الزيغ و النفاق، و ضمن له عصمته منهم، و كشف من خبايا أهل الريب، و ضمائر اهل الارتداد ما رمز فيه، فعقله المؤمن و المنافق فأعّنّ معن و ثبت علي الحق ثابت، و ازدادت جهاله المنافق و حميه المارق و وقع العضم علي التّواجد و الغمر علي السّواعد، و نطق ناطق و نعق ناعق و نشق ناشق و استمر علي مارقيته مارق، و وقع الاذعان من طائفه باللسان دون حقائق الايمان، و من طائفه باللسان و صدق الايمان.

فكمل الله دينه، و أقر عين نبيه و المؤمنين و المتابعين، و كان ما قد شهد به بعضكم و بلغ بعضكم، و تمّت كلمه الله الحسنّي علي الصّابرين، و دمّر الله ما صنع فرعون و هامان و قارون و جنوده و ما كانوا يعرشون.

و بقيت حثاله من الضلال لا يالون الناس خبالاً يقصدهم الله في ديارهم، و يمحو آثارهم و يبني معالمهم، و يعقبهم عن قرب

الحسرات، و يلحقهم بمن بسط أكفّهم، و مدّ أعناقهم، و مكّنهم من دين الله حتّى بدّلوه، و من حكمه حتّى غيروه، و سيأتي نصر الله علي عدوّه لحينه، و الله لطيف خبير، و في دون ما سمعتم كفايه و بلاغ، فتأمّلوا رحمكم الله ماندبكم الله إليه و حتّكم عليه، و اقصدوا شرعه، و اسلكوا نهجه، و لا تتّبِعوا السبل فتفرّق بكم عن سبيله. إنّ هذا يوم عظيم الشأن، فيه وقع الفرج، و رفعت الدّرج ووضحت الحجج و هويوم الايضاح، و الافصاح من المقام الصّراح، و يوم كمال الدين، و يوم العهد المعهود و يوم الشاهد و المشهود، و يوم تبيان العقود عن النفاق و الجحود، و يوم البيان عن حقائق الايمان، و يوم دخر الشيطان، و يوم البرهان، هذا يوم الفصل الذي كنتم (به تكذّبون) هذا يوم الملاء الا علي الذي أنتم عنه معرضون، هذا يوم الارشاد و يوم محنه العباد، و يوم الدليل علي الرواد، هذا يوم إبداء خفايا الصدور، و مضمرات الامور، هذا يوم النصوص علي أهل الخصوص.

هذا يوم شيث، هذا يوم إدريس، هذا يوم يوشع، هذا يوم شمعون، هذا يوم الأمن و المأمون، هذا يوم إظهار المصون من المكنون، هذا يوم بلوي السّرائر.

فلم يزل (عليه السلام) يقول: هذا يوم هذا يوم.

فراقبوا الله و اتقوه، و اسمعوا له و أطيعوه، و احذروا المكر، و لاتخادعوه و فتّشوا ضمائر كم و لا توار به، و تقربوا إلي الله بتوحيده، و طاعه من أمركم أن تطيعوه، لاتمسكوا بعصم الكوافر، و لايجنح بكم الغي فتضلّوا عن سبيل الله باتّباع اولئك الذين ضلّوا و أضلّوا قال الله عزّ من قائل في طائفه ذكرهم بالذم في كتابه « إنّنا أطعنا سادتنا و كبرائنا فأضلّونا السبيلا ربّنا آتاهم ضعفين من العذاب و العنهم لعنا كبيراً » و قال تعالى: « و إذيتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا إنّنا كنّا لكم تبعاً فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الله من شيء قالوا لوهدينا الله لهديناكم ».

أفتدرون الاستكبار ماهو؟ هو ترك الطاعه لمن أمروا بطاعته، و الترفّع علي من ندبوا إلي متابعتة، و القرآن ينطق من هذا عن كثير، إنّ تدبّره متدبّر زجره و وعظه.

واعملوا أيّها المؤمنون أنّ الله عزّ و جلّ قال: « إنّ الله يحبّ الذين يقاتلون في سبيله صفا كأنهم بنيان مرصوص » أتدرون ما سبيل الله؟ و من سبيله؟ و من صراط الله؟ و من طريقه؟ أنا صراط الله الذي لم يسلكه بطاعه الله فيه هوي به إلي النار، و أنا سبيله الذي نصبي للاتّباع بعدنبيّه p أنا قسيم النار أنا حجّته علي الفجار، أنا نور الانوار.

فانتبهوا من رقدته الغفلة، وبادروا بالعمل قبل حلول الاجل، و سابقوا إلي مغفره من ربكم قبل أن يضرب بالسور بباطن الرحمه و ظاهر العذاب، فتنادون فلا يسمع نداؤكم، و تضجّون فلا يحفل بضجيجكم، و قبل أن تستغيثوا فلاتغاثوا سارعوا إلي الطّاعات قبل فوت الاوقات، فكان قد جاءكم هادم اللذات، فلانماص نجا، و لا محيص تخليص.

عودوا رحمكم الله بعد انقضاء مجمعكم بالتّوسعه علي عيالكم، والبرّ باخوانكم و الشكر لله عزّ و جلّ علي ما منحكم، و اجتمعوا يجمع الله شملكم، و تباروا يصل الله ألفتكم، و تهانوا نعمه الله كما هنا كم الله بالثواب فيه علي أضعاف الاعياد قبله و بعده، إلا في مثله، و البرّ فيه يثمر المال و يزيد في العمر، و التّعاطف فيه يقتضي رحمه الله و عطفه، و هبوا لآخوانكم و عيالكم من فضله بالجهد من جودكم، و بما تناله القدره من استطاعتكم، و أظهروا البشر فيما بينكم، و السرور في ملاقاتكم، و الحمد لله علي ما منحكم، و عودوا بالمزيد من الخير علي أهل التأميل لكم و ساووا بكم ضعفاء كم في مآكلكم، و ما تناله القدره من استطاعتكم، علي حسب إمكانكم، فالدرهم فيه بمائتي ألف درهم، و المزيد من الله عزّ و جلّ.

وصوم هذا لا يوم مما ندب الله إليه، و جعل الجزاء العظيم كفاله عنه، حتّي لو تعبّد له عبد من العبيد في الشيبه من ابتداء الدُّنيا إلي انقضائها، صائماً نهارها قائماً ليلها، إذا أخلص المخلص في صومه، لقصرت إليه أيّام الدُّنيا عن كفايته، و من أسعف أخاه مبتدئاً، و برّه راغباً، فله كأجر من صام هذا اليوم، و قام ليلته، و من فطر مؤمناً في ليلته، فكأنما فطر فئاماً و فئاماً بعدها عشره.

فنهض ناهض فقال: يا امير المؤمنين (عليه السلام) ما الفئام؟ قال: مائه ألف نبي و صديق و شهيد، فكيف بمن تكفل عدداً من المؤمنين و المؤمنات، فأنا ضمينه علي الله تعالي الأمان من الكفر و الفقر، و من مات في يومه أو ليله أو بعده إلي مثله من غير ارتكاب كبيره فأجره علي الله، و من استدان لآخوانه و أعانهم فأنا الضامن علي الله إن بقاه قضا، و إن قبضه حمله عنه.

و إذا تلاقيتم فتصافحوا بالتسليم، و تهانوا النعمه في هذا اليوم و ليبلغ الحاضر الغائب، و الشاهد البائن، و ليعد الغنيّ علي الفقير، و القويّ علي الضّعيف أمرني رسول الله ﷺ بذلك. ثم أخذ صلوات الله عليه في خطبه الجمعه و جعل صلاته جمعه صلاه عيده، و انصرف بولده و شيعته إلي منزل أبي محمّد الحسن

بن علي لما أُعذَّله من طعامه و انصرف غنيهم و فقيرهم برفده
إلي عياله .

۳۳- فياض طوسي در سال ۲۵۹ هجري ، درحالي كه نود سال از عمرش
سپري شده بود ، براي ما چنين نقل كرد :

در روز غدیر ، شرفیاب محضر حضرت ابوالحسن ، علي بن موسي
الرضا عليهما السلام بودم ، گِرد ایشان گروهی از یاران خاصشان
حضور داشتند و حضرت ، با این كه خوراك و عطيه و هدايا و
پوشیدني و حتي انگشتری و كفش براي خانواده هاي آنان فرستاده
بودند ، آنان را براي افطار نیز نگه داشتند و به این صورت
احوال آنان را دگرگون ساختند و سامان بخشیدند .

در آن روز ، وسائل ایشان تازه شده بود و غير از وسایلي بود
كه معمولاً روزهاي دیگر پیش به كار می گرفتند . و پیوسته
ارجمندی و پیشینه روز غدیر را یادآور می شدند ، بخشي از
سخنانشان این بود :

پدرم از پدرش امام صادق (سلام الله عليها) و او از پدرش امام
باقر (سلام الله عليه) و او از پدرش امام سجاد (سلام الله عليه) و
او از پدرش امام حسين (سلام الله عليه) روایت کردند . در روزگار
امیرالمومنین عليه السلام يك سال ، ؛ روز جمعه با عیدغدیر
همزمان گشته بود .

امیرالمومنین سلام الله عليه ؛ پنج ساعت از روز گذشته ، بر فراز
منبر رفتند و خدا را ستودند ، ستودنی كه همانند آن شنیده
نشده بود و ستایشی كه کسی غير از او با آن به خدا متوجه نمی
گردید .

آنچه از آن سخنان ، چنين است :

ستایش ، ویژه خداوندي است كه بدون نیاز به ستایشگران خویش ،
ستودن را شیوه اي از شیوه هاي اعتراف به ذات برین و ربوبي و
یگانه خویش ساخت و سببی براي افزودن رحمتش و مسیری براي
جویندگان فضلش قرار داد ، و حقیقت اعتراف به منعم بودنش را
در نهان واژه ها مستور داشت ، هرچند الفاظ بزرگ باشد .

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند یگانه بی‌شریک نیست ،
شهادتی که نشانگر اخلاص درونی است و زبان، آن را با عبارتی
برآمده از صداقتِ نهانی می‌گوید:

« آفریننده پدیدآور نقش پردازي که دارای نام های نیکو است
« و «چیزی مانند او نیست» ؛ زیرا چیزها به خواست او پدید
آمده است پس پدیده اش مثل او نمی‌شود و گواهی می‌دهم که
محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست و او را از زمان
پیشین، ویژه خود قرار داد و بر دیگر امت های آگاهانه برگزید
و او همگون آدمیزادگان نیست.

خداوند او را انتخاب کرد تا فرمان دهنده و بازدارنده از سوی
او باشد و او را جانشین خود در دیگر جهان ها ساخت . «چون
دیده ها خدا را نمی‌بیند» و گذر اندیشه ها بر او نمی‌افتد و
در قلمرو اسرار و گمانهای پنهان همتایی برای او نمی‌یابد.
خدایی غیر از آن فرمانفرمای سامان بخش نیست.

خداوند ، اعتراف به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را
قرین اعتراف به خداوندی خویش ساخت و او را از بزرگداشت خود
، ویژه چیزهایی قرار داد که هیچ موجودی به او نرسید.

و او به جهت پیراستگی و صداقتش بایسته چنین منزلتی بود ،
زیرا که ویژه چنان مرتبی نگردد کسی که دگرگونی با او بیامیزد
، و رشته دوستی را پاس ندارد کسی که به دام گمان می‌افتد .

و خداوند ، فرمان داد که بر پیامبرش درود بفرستیم تا
بزرگداشتش ، افزونتر گردد و راهی باشد برای اجابت دعای آن
کس که او را می‌خواند.

پس خداوند بر او درود فرستاد ، گرامیش داشت ، ارجمندش ساخت
و تا آنجا عظمتش داد که آن را کرانه ای نیست و تا همیشه
زمان ، چنین است.

بی‌تردید ، خدای والا پس از پیامبر صلی الله علیه و آله گروه
خاصی را ویژه خود کرد و به آنان ، والایی بخشید و آنان را تا
مرتبت او بالا برد و آنان را به راستی ، دعوت کنندگان به سوی

خود قرارداد . راهنمایانی که قرن به قرن و زمان به زمان مردم را به سوی او هدایت کنند.

آنان را از دیرباز ، به گونه نورهایی آفرید پیش از این که هر پدیده ای را پدید آورد و آنان را به ستایش خویش گویا ساخت و سپاسگزاری و مجد ستایی خود را به آنها الهام کرد و آنان را حجت هایی قرار داد که بر هر کس به ملکوت ربوبیتش و به عبودیتش اعتراف دارد .

و به وسیله آن انوار ، آنان را که توان گفتن نداشتند ، به زبانهای گوناگون ، گویا ساخت تا به خداوندیش اقرار کنند ، و بی شک او شکافنده زمین ها و آسمان هاست. (آنگاه) ایشان را بر آفرینش خویش گواه کرد و آنچه می خواست از ولایت امرش بدانها سپرد؛ و آنان را تفسیر کنندگان و بیانگران اراده اش قرار داد.

آنان ، بندگان هستند که «در سخن گفتن ، بر او پیشی نمی گیرند و به دستور او عمل می کنند. او آنچه را فراروی آنان و آنچه پشت سرشان است ، می داند و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد ، شفاعت نمی کنند و خود از بیم او هراسانند»

بر اساس قوانین او فرمان می دهند، سنتش را اجرا میکنند ، حدود او را برپا می دارند و واجبات او را ادا می کنند.

خداوند ، بندگان را چونان ناشنوایان ، در دشواری ها رها نکرده است و در تیرگی های ناپیدا ، بسان بی زبانان ، وانهاده است ، بلکه برای آنان ، خردهایی قرار داده که با اعضای شان آمیخته است و در کالبدهای شان گسترده شده و در جان های شان استوار گشته و حواس آنان را برده آن خردها ساخته است.

و به وسیله آن عقل ها ، بر گوشها ، نگاه ها ، اندیشه ها و خاطره ها اقرار گرفته است ؛ و به واسطه آن عقل ها پایبند حجت کرده است و راهش را بدان ها نشان داده است.

و آنان را به آنچه شاهد بودند ، با زبانهای رسا ، گویا ساخت ؛ به سبب قدرت و حکمتی که در این خردها پایدار کرد و به کمک

این خرده‌ها در پیش آنان بیان کرد. «تا کسی که [باید] هلاک شود، با دلیلی آشکار هلاک گردد و کسی که [باید] زنده شود با دلیلی واضح زنده بماند و خداست که در حقیقت شنوای داناست» او بینا، گواه و آگاه (به چیزهای پنهان) است.

و اما، ای گروه مومنان! امروز خداوند تعالی، دو عیدِ گران سنگ و بزرگ را به هم پیوسته است. دو عیدی که پایداری و استواری هر کدام به دیگری است. تا پدیده‌ی زیبای خویش را پیش ما کامل کند و شما را به راه رشدش آگاه سازد و پیرو آثار نور گرفتگان از نور هدایتش گرداند و راه میانه اش را برای پیمودن شما هموار کند و بخشش گوارایش را برایتان بگستراند. پس جمعه را مجمعی قرار داد و به سوی آن فرا خواند، تا آلودگی‌های پیش از جمعه را پاک گرداند و آنچه را داد و ستدها و به دست آورده‌های ناروا، در بین هفته پدید آورده است، بشوید و یادآوری برای مؤمنان و نشانگرِ پروای تقوای پیشگان باشد.

و خداوند، پاداش کارهای اهل طاعتِ خویش را در روز جمعه، چندین برابر روزهای پیشین ساخت.

و این‌ها نافرجام است مگر با انجام دادن و پذیرش آنچه به آن امر کرده و خودداری از آنچه ما را بازداشته و گردن نهادن به چیزهایی که ما را به آنها تحریک کرده و فرا خوانده است.

و خداوند، توحیدش را جز با نبوت پیامبرش صلی الله علیه و آله نمی‌پذیرد. و هیچ آیینی را مگر با ولایت کسانی که به ولایتشان فرمان داده، قبول نمی‌کند.

و زمینه‌ها و انگیزه‌های طاعتش تنها با چنگ زدن به دست آویزهای او و دست آویزهای اهل ولایت او تنظیم می‌گردد. از این رو خداوند بزرگ، در روز غدیر (روز گردهمایی در کنار درختان) آیاتی را بر پیامبرش فرو فرستاده که اراده اش را درباره‌ی خالصان و برگزیدگانش بیان کرد.

و به او فرمان داد تا پیامش را به مردم برساند و از باطل گرایان و دو رویان نهراسد و به عهده گرفت که او را از آسیب آنان ، حفظ کند .

و از رازهای نهفته در دل اهل شك و از درون های مردم از دین برگشته ، پرده برداشت، و به گونه ای به آن ها اشاره کرد که مومن و منافق بدانست و روی گردان پشت کرد و آن که در قلمرو حق ، ثابت بود ، پایدار گشت و نادانی منافق و تعصب از دین برگشته ها افزونی یافت .

دندان های پیش را بر هم فشردند و بازوها را فشار دادند . گوینده ای سخن گفت ، بانگ برآورنده ای بانگ برآورد و در دام افتاد آن که در دام افتاد .

و برخی از راه برگشتگی خویش را پی گرفتن و گروهی تنها با زبان و بدون باور حقیقی اعتراف کردند .

و بعضی با زبان و باور راستین اقرار کردند .

خداوند ، در آن روز ، دینش را کمال بخشید و چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله و چشم مومنان و پیروانش را روشن گرداند . و اتفاق افتاد آنچه برخی از شما گواه آن بودید و خبرش به برخی دیگران رسید .

و کلمه نیکوی خداوندی بر شکیب پیشگان ، تمام شد .

و خداوند ، آنچه را که فرعون ، هامان ، قارون و سپاهیانشان ساخته بودند ویران کرد و کاخهایشان را تباه ساخت .

گروه اندکی از گمراهان باقی مانده اند که «از هیچ نابکاری در حق مردم ، کوتاهی نمی کنند» خداوند می خواهد آنان را در سرزمینشان عذاب کند و آثارشان را ناپدید سازد و نشانه هایشان را تباه گرداند و به زودی حسرت ها را بدرقه کاروان زندگیشان می کند ، و آنان را با کسانی که دستشان را بر جنایت گشودند و گردن کششان ساختند ، ملحق می سازد .

کسانی که آنان را توانا ساختند تا در دین خدا دست برند و حکم خدا را دگرگون کنند .

و حتماً نصرت خداوند ، به سود رسول خود و به زیان دشمنان او فرا می رسد و «خداوند ، لطیف و آگاه است» و شما را کمتر از آنچه شنیدید کافی و بسنده است.

خداوند رحمتتان کند ، پس در آنچه او شما را به سوی آن فراخوانده و بدان برانگیخته بیندیشید و آهنگ راه او کنید و راه روشن او را بپیمایید «و از راه ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می سازد ، پیروی می کند »

بی تردید امروز (روز غدیر) موقعیت عظیمی دارد ، در این روز گشایش رخ داده ، نردبان [تکامل] برافراشته شده و دلیل ها آشکار گشته است.

امروز ، روز ظاهر گشتن و پرده برگرفتن از مقام پیراستگی (عصمت و امامان) است.

امروز روز کمال یافتن دین است .

امروز ، روز پیمان بسته شده و روز شاهد و مشهود است ؛ روز نمایان ساختن پیمانها از دورویی ها و انکارهای آگاهانه است . امروز ، روز بیان حقایق ایمان است ؛ روز راندن شیطان و روز دلیل استوار است.

« امروز ، همان روز داوری است که آن را تکذیب می کنید ؛ روز «ملاً أعلی» (فرشتگان بالا و والا) است که « درباره آن به ستیز بر می خیزند» ؛ روز « نبأ عظیم است که از آن روی بر می گردانید» ؛ روز راهنمایی است و روز آزمون بندگان است ؛ روز دلیل بر ره نمایان است.

امروز ، روزی است که پنهان سینه ها و توطئه های نهان ، آشکار گشت .

امروز ، روزی است که نص ها و تصریح ها درباره خاصان و افراد ویژه ، اعلان شد .

امروز ، روز شیث است.

امروز ، روز ادريس است.

امروز ، روز یوشع است.

امروز ، روز شمعون است.

امروز ، روز آسودگی بی گزند است.

امروز ، روز آشکار ساختن چیزی است که در نهان ، پاسداری شده است.

امروز ، روز عیان شدن رازهاست.

و امیرالمومنین سلام الله علیه پیوسته می فرمودند:

امروز ، روز است. امروز ، روز است.

(سپس افزودند) :

پس مقام خداوند را پاس دارید ، پروا پیشه کنید ، به فرمان او گوش دهید ، از او فرمان پذیرید ، از نیرنگ دوری گزینید ، با او به فریب نپردازید ، درون هایتان را بکاویید ، با او مکر به کار نبرید ، و با توحید خداوند و با پیروی از آن که خداوند به اطاعتش فرمان داده ، به سویش تقرب جوید . « و به پیوندهای قبلی کافران ، متمسک نشوید » (پایبند نباشید)
تباهی ، شما را متمایل نکند تا با اطاعت از گمراهان و گمراه کنندگان بیراهه روید .

خداوند برین (که گوینده ارجمند است) گروهی را در قرآن نکوهش می کند [که در وصف اطاعت کورکورانه خویش می گوید :] «
پروردگارا ! ما روسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند»

«پروردگارا ! آنان را دو چندان عذاب ده و لعنتشان کن لعنتی بزرگ»

و خداوند برین ، فرمود : « آنگاه که در آتش به بحث می پردازند ، ناتوانان به گردنکشان می گویند : ما پیروان شما بودیم ، آیا چیزی از عذاب خدا را از ما دور می کنید؟ می گویند اگر خدا ما را هدایت کرده بود قطعاً شما را هدایت می کردیم »
آیا می دانید استکبار چیست ؟

استکبار ، اطاعت نکردن از کسی است که مأمورید از او اطاعت کنید و برتری جویی بر کسی است که به پیروی از او خوانده شده اید.

قرآن ، فراوان در این باره سخن می گوید . اگر کسی در آن بیندیشد او را (از انحراف) باز می دارد و پند می دهد .
ای مومنان! بدانید ، خدای بَرین و والا فرمود : « بی شک ، خداوند دوست دارد ، کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سراب اند ، پیکار می کنند »
آیا می دانید راه خدا چیست و چه کسی راه اوست ؟ چه کسی صراط اوست ؟ چه کسی طریق اوست ؟
من « صراط » خدایم ؛ صراطی که اگر کسی آن را با اطاعت خدا نپیماید ، در آتش افکنده می شود .
من راه اویم ، راهی که برای پیروی مردم ، پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برگماشته شد .
من تقسیم کننده بهشت و دوزخم .
من حجت خدا بر تباه کاران و نیکوکارانم .
من نور انوارم .

پس از خواب غفلت بیدار شوید و پیش از فرا رسیدن مرگ ، به انجام کار بشتابید ؛ و به سوی آمرزش خدایتان پیشی گیرید ، پیش از آن که در فرا روی باطن رحمت و ظاهر عذاب ، دیوار کشیده شود . آنگاه ندا سر می دهید و کسی گوش فرا نمی دهد و ناله بر می آوری و کسی از نالیدن شما باکی ندارد ؛ و پیش از آن که به زاری کمک بخواهید و کسی به دادتان نرسد و پیش از آن که فرصت از دست برود ، به سوی طاعات بشتابید که تباه سازنده لذت ها (مرگ) به سویتان آمده است و هیچ راه گریز نجاتبخش و فرصت رهایی نیست .

خداوند رحمتتان کند . پس از سپری شدن این اجتماع با فراهم آوردن امکانات بیشتر برای خانواده تان به سوی آنها باز گردید و به برادرانتان نیکی کنید و خدای را بر آنچه به شما بخشیده است سپاس گوید .

با هم اجتماع کنید که خداوند ، جدایی و پراکندگی شما را سامان بخشید و به یکدیگر نیکی کنید که خداوند ، الفت شما را پایدار سازد ؛ نعمت های خدا را به یکدیگر هدیه دهید

همانگونه که خداوند چندین برابر عیدهای پیشین و عیدهای آینده به شما پاداش داد، پاداشی که تنها ویژه‌چنین روزی است. نیکی کردن در این روز، ثروت را ثمر بخش می‌سازد و بر عمر می‌افزاید.

همدردی کردن و مهرورزی با یکدیگر در این روز، رحمت و عطوفت خداوندی را جلب می‌کند.

آن اندازه که توان دارید و با نهایت بخشش وجود خود از نعمت‌ها (فضل) خداوند که در نزد شماست، برای برادران و خانواده‌تان، فراهم سازید.

لبخند و شادمانی را در میان خویش و در بر خورده‌هایتان، آشکار نمایید، و ستایش و سپاس خداوند را بر آنچه به شما بخشیده است، نمایان کنید.

و با نیکی و خیر فراوان، از آرزومندان و آنان که چشم به دست شما دوخته‌اند، بازدید کنید.

و در خوردنی‌ها و آنچه در دست و در توان دارید با ناتوانان، مساوات و همسانی داشته باشید.

پاداش یک درهم (هزینه کردن در راه خدا) در این روز، برابر صد هزار دهم در روز دیگر است و باز هم افزودن بر پاداش از سوی خدای برین و والا (مورد انتظار) است.

روزه در این روز از چیزهایی است که خداوند برین، بدان دعوت کرده است و پاداش عظیم در برابر آن نهاده به گونه‌ای که اگر بنده‌ای از بندگان، از آغاز دنیا تا فرجام آن، روزها را به روزه داری و شب‌ها را به نیایش سپری کند، همسان کسی که در روز عید غدیر، مخلصانه روزه گرفته است، نمی‌شود و بدان حد نمی‌رسد.

و هر کس بدون درخواست بردار مومنش از او دلجویی و کارگشایی کند و با اشتیاق به او نیکی رساند، چون کسی است که در این روز، روزه گرفته و شبش به نیایش پرداخته است.

و کسی که در شامگاه روز غدیر ، روزه روزه داری را بگشاید (افطاری دهد) بسان کسی است که يك فئامي و فئامي تا ده فئام را افطاری داده باشد.

در این هنگام ، مردی برخاست و گفت : یا امیرالمومنین ، معنای « فئام » چیست ؟

(« فئام » به معنای صد هزار است و ده بار در متن عربی کلام امیرالمومنین سلام الله علیها تکرار شده بود که برابر با میلیون می گشت)

حضرت فرمودند : یعنی پاداش صد هزار پیامبر و صدیق و شهید . اکنون چگونه است پاداش کسی که گروهی از مردان و زنان مومن را افطاری داده است؟

و من ضامنم که خداوند ، او را آمان از کفر و فقر بخشد ، و اگر در همان شب یا همان روز یا پس از آن روز ، تا عید غدیر سال آینده بمیرد ، بدون این که گناه کبیره ای انجام داده باشد. پس پاداش او با خداوند است .

و کسی که برای بردارانش قرض کند و بدانها کمک کند، من ضامنم که خداوند ، اگر نگهش دارد ، او بپردازد و اگر جانش را بگیرد از دوش او بردارد.

و هنگامی که یکدیگر را ملاقات می کنید ، دست بدهید و سلام کنید.

و در این روز نعمت خدا را به همدیگر تبریک گوید و باید این پیام را آن که حاضر است به آن که نبوده و آن که گواه است به کسی که دور بوده ، برساند. و باید دارا از بینوا و توانا از ناتوان ، دلجویی کند ، رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به اینها فرمان داد.

(پس از سخنان) امیرالمومنین سلام الله علیه خطبه جمعه را آغاز فرمودند ، و نماز جمعه را نماز عید قرار دادند.

(پس از پایان مراسم) با فرزندان و شیعیان خویش ، به منزل ابومحمد ، امام حسن مجتبی سلام الله علیه رفتند ، تا آن غذایی

را که برای ایشان آماده کرده بودند (صرف کردند) و ثروتمند و مستمند ، همراه با عطیه ای به سوی خانه خویش بازگشتند .

(بحار ج ۹۷ ص ۱۱۸) ۳۴- حه : یحیی بن سعید، عن محمد بن أبي البرکات، عن الحسين بن رطبه عن الحسن بن محمد، عن الشيخ، عن المفید، عن محمد بن أحمد، عن أحمد بن عماد عن أبيه، عن ابن فضال، عن محمد بن عبدالله بن زرارہ، عن البزنطي قال: كنا عندالرضا (عليه السلام) و المجلس غاماً بأهله، فتذاكروا يوم الغدير فأنكره بعض الناس فقال الرضا (عليه السلام): حدثني أبي، عن أبيه قال: إن يوم الغدير في السماء أشهر منه في الارض إن لله في الفردوس الاعلي قصراً لبنة من فضة، و لبنة من ذهب فيه مائه ألف قبه من ياقوته حمراء، و مائه ألف خميه من ياقوت أخضر ترا به المسك و العنبر، فيه أربعة أنهار: نهر من خمر، و نهر من ماء، و نهر من لبن، و نهر من عسل حواليه أشجار جميع الفواكه، عليه طيور أبدانها من لؤلؤ، و أجنحتها من ياقوت تصوت بألوان الأصوات.

إذا كال يوم الغدير ورد إلي ذلك القصر أهل السماوات يسبحون الله و يقدر سونه و يهللونه فتطير تلك الطيور، فتقع في ذلك الماء و تمرغ علي ذلك المسك و العنبر فاذا اجتمعت الملائكة طارت فتنفذ ذلك عليهم، و إنهم في ذلك اليوم ليتهادون نثار فاطمه (عليه السلام) فاذا كان آخر اليوم نودوا انصرفوا إلي مراتبكم فقد أمنتم الخطاء و الزلل إلي قابل مثل هذا اليوم تكرمه لمحمد و علي (عليه السلام) .

ثم قال: يا ابن أبي نصر أينما كنت فاحضر يوم الغدير عند أمير المؤمنين (عليه السلام) فإن الله يغفر لكل مؤمن و مؤمنة، و مسلم و مسلمة ذنوب ستين سنة، و يعتق من النار ضعف ما أعتق في شهر رمضان و ليلة القدر، و ليلة الفطر، و الدرهم فيه بالف درهم لآخوانك العارفين، و أفضل علي إخوانك في هذا اليوم، و سرّ فيه كل مؤمن و مؤمنة.

ثم قال: يا أهل الكوفة، لقد اوتيتم خيراً كثيراً ، و أنتم ممن امتحن الله قلبه بالايمن، مستذلّون مقهورون ممتحنون، ليصبّ البلاء عليكم صبّاً، ثم يكشفه كاشف الكرب العظيم، و الله لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقيقته، لصافحتهم الملائكة في كل يوم

عشر مَرَّات، و لولأَنِّي أكره التطويل، لذكرت من فضل هذا اليوم،
و ما أعطاه الله من عرفه ما لا يحصي بعدد.
قال عليُّ بن الحسن بن فضال: قال لي محمّد بن عبد الله: لقد
تردّدت إلي إحمد بن محمّد أنا و أبوك و الحسن بن جهم أكثر من
خمسین مرّة و سمعنا منه.

(بحار ج ۳۷ ص ۱۷۲) ۳۵- كا: محمّد بن يحيي، عن محمّد بن
الحسن، عن الحجّال، عن عبدالصمد بن بشير، عن حسان الجمّال
قال: حملت أبا عبدالله (عليه السلام) من المدينة إلي مكّه، فلمّا
انتهينا إلي مسجد الغدير نظر إلي ميسره المسجد فقال: ذلك
موضع قدم رسول الله ﷺ حيث قال: من كنت مولاه فعلي مولاه، ثمّ نظر
إلي الجانب الآخر فقال: ذلك موضع فسطاط أبي فلان و فلان و سالم
مولي أبي حذيفه و أبي عبيده بن الجراح، فلمّا أن رأوه رافعاً
يده قال بعضهم لبعض: انظروا الي عينيّه تدوران كأنّهما عينا
مجنون! فنزل جبرئيل (عليه السلام) بهذه الآية « و إن يكاد
الذّين كفرو اليزلقونك بأبصارهم لمّا سمعوا الذّكر و يقولون
إنّه لمجنون و ما هو إلا ذكر للعالمين».

۳۵- حسان جمال گوید: امام صادق (عليه السلام) را از مدینه تا
مکه بر مرکب حمل نمودم پس وقتی به مسجد غدیر رسیدیم به طرف
چپ مسجد نگاهی کرد و فرمود: آن موضع قدم رسول الله (صلي الله
عليه و آله) است هنگامی که فرمود: «من كنت مولا فعلي مولا»
«سپس به طرف دیگر نظر کرد و فرمود: آن مکان خیمه ابن فلان
(ابوبکر) و فلان (عمر) و سالم غلام آزاد شده ابی حذیفه و ابی
عبیده جراح است. پس هنگامی که دیدند پیامبر (صلي الله عليه و
آله) دست علی (عليه السلام) را بالا برد یکی از آنها به دیگری
گفت به دو چشم او نگاه کنید که دور می زندگویی آن دو چشم

دیوانه هستند. پس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد : « و همانا نزدیک بود کسانی که کافر شدند هنگامی که ذکر را شنیدند با چشمانشان نگاه تیز به تو نمایند و می گویند همانا او دیوانه است و نیست او مگر ذکری برای جهانیان »

۳۶- تهذیب ۱۸ ج ۶ - محمد بن یعقوب عن کافی ۵۶۷ ج ۴ - عدّه من اصحابنا عن سهل بن زیاد عن فقیه ۳۳۵ ج ۲- احمد بن محمد بن ابی نصر عن ابان عن أبی عبدالله علیه السلام (اِنَّه - فقیه خ) قال یستحبّ الصّلوٰه فی مسجد الغدیر لانّ (۲) النّبیّ صلی الله علیه و آله اقام فیہ امیرالمؤمنین علیه السلام و هو موضع اظهر الله عزّوجلّ فیہ الحقّ.

۳۶- امام صادق (علیه السلام) فرمود : نماز خواندن در مسجد غدیر مستحب است برای اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در آن اقامه نمود و آن مکانی است که خداوند عزّ و جلّ حق را در آن آشکار کرد .

۳۷- کافی ۵۶۶ ج ۴ - تهذیب ۱۸ ج ۶- ابو علیّ الاشعریّ عن محمد بن عبدالجبار عن فقیه ۳۳۵ ج ۲- صفوان (بن یحیی - کا) عن عبدالرحمن بن الحجّاج قال سئلت ابا ابراهیم علیه السلام عن الصّلوٰه فی مسجد غدیر خمّ بالنّهار و انا مسافر فقال صلّ فیہ فانّ فیہ فضلاً و قد کان ابی علیه السلام یأمر بذلك.

۳۷- عبدالرحمن بن حجّاج گوید از موسی بن جعفر در مورد نماز در مسجد غدیر در روز در حالی که مسافر هستم پرسیدم پس فرمود : در آن نماز بخوان چرا که در این کار فضیلت می باشد و به تحقیق که پدرم علیه السلام به این کار دستور می داد

۳۸- تهذیب ۲۴ ج ۶- محمد بن احمد بن داود عن أبی علیّ أحمد بن محمد بن عمّار الكوفیّ قال حدّثنا أبی قال حدّثنا علیّ ابن

الحسن (بن عليّ - خ) بن فضال عن محمّد بن عبدالله بن زرارہ عن احمد بن محمّد ابن أبي نصر قال كُنّا عندالرضا (عليه السلام) و المجلس غاصّ بأهله فتذاكروا يوم الغدير فأنكره بعض الناس فقال الرضا (عليه السلام) حدّثني أبي عن أبيه (عليه السلام) قال إنّ يوم الغدير في السّماء أشهر منه في الأرض إنّ لله في الفردوس الأعلى قصراً لبنة من فضّه و لبنة من ذهب فيه ماء ألف قبّه من ياقوته حمراء و ماء ألف خيمه من ياقوت أخضر ترابه المسك و العنبر فيه أربعة أنهار نهر من خمر و نهر من ماء و نهر من لبن و نهر من عسل و حوالية أشجار جميع الفواكه عليه طيور أبدانها من لؤلؤ و أجنحتها من ياقوت تصوت بألوان الأصوات إذا كان يوم الغدير ورد إلي ذلك القصر أهل السموات يسبحون الله و يقدّسونه و يهلّلونه فتطير تلك الطيور فتقع في ذلك الماء و تتمرّغ علي ذلك المسك و العنبر فإذا اجتمعت الملائكة طارت فتنفض ذلك عليهم و إنهم في ذلك اليوم ليتهادون نثار فاطمه (عليه السلام) فإذا كان آخر ذلك اليوم نودوا انصرفوا إلي مراتبكم فقد أمنتم من الخطأ و الزلل إلي قابل في مثل هذا اليوم تكرمه لمحمّد و عليّ (عليه السلام) ثمّ قال يا ابن أبي نصر أين ما كنت فاحضر يوم الغدير عند أمير المؤمنين (عليه السلام) فإنّ الله يغفر لكلّ مؤمن و مؤمنة و مسلم و مسلمة ذنوب ستّين سنة و يعتق من النار ضعف ما أعتق في شهر رمضان و ليلة القدر و ليلة الفطر و الدرهم فيه بألف درهم لآخوانك العارفين فأفضل علي إخوانك في هذا اليوم و سرّ فيه كلّ مؤمن و مؤمنة ثمّ قال يا أهل الكوفة لقد أعطيتم خيراً كثيراً و إنكم لممّن امتحن الله قلبه للإيمان مستقلّون مقهورون ممتحنون يصبّ عليكم البلاء صبّاً ثمّ يكشفه كاشف الكرب العظيم و الله لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقيقته لصافحتهم الملائكة في كلّ يوم عشر مرّات و لولا أنّي أكره التطويل لذكرت من فضل هذا اليوم و ما أعطي الله فيه من عرفه ما لا يحصي بعدد قال عليّ بن الحسن بن فضال قال لي محمّد بن عبدالله لقد تردّدت إلي أحمد بن محمّد أنا و أبوك و الحسن بن الجهم أكثر من خمسين مرّة و سمعناه منه.

۳۸- بزنتي گوید : ما نزد امام رضا (عليه السلام) بوديم در حالي که مجلس از اهل خود پر بود پس روز غدیر را یادآوری کردند پس بعضي از مردم نسب به آن اظهار بي اطلاعي نمودند پس امام رضا (عليه السلام) فرمود : حدیث کرد مرا پدرم از پدرش که فرمودند : هماناروز غدیر در آسمان مشهورتر از زمین است .

همانا خدا در فردوس اعلي قصري دارد كه يك خشت آن از طلا و يك خشت آن از نقره است در آن صد هزار گنبد از ياقوت سرخ و صدهزار خيمه از ياقوت سبز است خاك آن مشك و عنبر است در آن چهار نهر وجود دارد : نهری از شراب (بهشتي) و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل ، اطراف آن درختان همه میوه هاست بر آن درختان پرندگانی هستند كه بدنهای آنها از لولوء و بالهای آنها از ياقوت است و به صداهاي رنگارنگ صدا میکنند . هنگامی كه روز غدیر می شود اهل آسمانها وارد آن قصر می شوند و تسبیح و تقدیس و تهلیل خدا می گویند سپس آن پرندگان به پرواز در می آیند و در آن آب واقع می شوند و در آن مشك و عنبرها غوطه ور می شوند پس هنگامی كه ملائكه جمع شدند پرواز می كنند پس آن (مشك و عنبرها) بر آنها می ریزد و آنها در آن روز نثار فاطمه زهرا علیها السلام را به همدیگر هدیه می دهند. وقتی كه آخر روز شد به آنها ندا می شود كه به مراتب خود برگردید پس محققاً از خطا و لغزش تا سال آینده در چنین روزی به احترام محمد (صلي الله عليه و آله) و علي (عليه السلام) امان شدید.

سپس فرمود: اي پسر ابی نصر هر كجا بودی روز غدیر نزد امیرالمومنین (عليه السلام) حاضر شو پس همانا خدا برای هر مرد و زن مومن و مسلمان گناهان شصت سال را می آمرزد و چند برابر آنچه در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر آزاد كرد از آتش جهنم آزاد می كند و يك درهم در آن روز برای برادران عارفت برابر با هزار درهم است و در این روز به برادران بخشش كن و هر زن و مرد مومنی را خوشحال كن.

سپس فرمود : اي اهل كوفه همانا به شما خیر زیادی داده شده است و شما از کسانی هستید كه خدا قلب آنها را برای ایمان آزموده است . خوار و مغلوب و گرفتار رنج شده اید و هر آینه بلا بر شما شدیداً فرود می ریزد . پس برطرف كننده بلاهای عظیم آنرا از شما برطرف می كند . به خدا قسم اگر مردم به حقیقت فضیلت این روز را می شناختند ملائكه در هر روزی ده بار با

آنها مصافحه می نمودند و اگر من طولانی شدن را کراهت نداشتم از فضائل این روز و آنچه که خدا به کسی که این روز را بشناسد عطا می کند آن مقداری که با عدد شمارش نشود ذکر می کردم .

علی بن حسن فضال گوید : محمد بن عبدالله به من گفت : من و پدرت و حسن بن جهم بیشتر از پنجاه بار نزد احمد بن محمد رفتیم و حدیث را از او شنیدیم (تهذیب ، جلد ۶ ، صفحه ۲۴) و (مصباح صفحه ۶۸۰)

۳۹- مستدرک ۲۲۰ ج ۱۰ - السید علی بن طاووس فی الاقبال
روي عدّه من شیوخنا عن أبي عبدالله محمد بن أحمد الصفواني من كتابه بأسناده إلي أبي عبدالله (عليه السلام) قال إذا كنت في يوم الغدير في مشهد مولانا أمير المؤمنين (عليه السلام) فادن من قبره بعد الصلوة و الدعاء و إن كنت في بُعد منه فأوم إليه بعد الصلوة و هذا الدعاء اللهم صلّ عليّ و ليكّ و أخي نبيكّ و وزيره و حبيبه و خليله و موضع سرّه و خيرته من أسرته و وصيه و صفوته و خالصته و أمينه و أشرف عترته الذين آمنوا به و أبي ذرّيته و باب حكّمته و الناطق بحجّته و الداعي إلي شريعته و الماضي علي سنّته و خليفته علي أمته سيّد المسلمين و أمير المؤمنين و قائد الغرّ المحجلين أفضل ما صلّيت عليّ أحد من خلقكّ و أضفياكّ و أوصياء أنبيائك اللهمّ إني أشهد أنّه قد بلغ عن نبيكّ صلّي الله عليه و آله ما حمّل و رعي ما استخفظ و حفظ ما استودع و حلّد حلالكّ و حرّم حرامكّ و أقام أحكامكّ و دعا إلي سبيلكّ و والي أولياكّ و عادي أعدائكّ و جاهد الناكثين عن سبيلكّ و القاسطين و المارقين عن أمركّ صابراً محتسباً مقبلاً غير مُدير لا تأخذه في الله لومة لائم حتّي بلغ في ذلك الرضا و سلّم إليكّ القضاء و عبدكّ مخلصاً و نصّح لكّ مجتهداً حتّي أتاه اليقين فقبضته إليكّ شهيداً سعيداً وليّاً تقيّاً رضيّاً زكيّاً هادياً مهديّاً اللهمّ صلّ عليّ محمد و عليّ أفضل ما صلّيت عليّ أحد من أنبيائكّ و أضفياكّ يا ربّ العالمين.

۳۹- امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی در روز غدیر در مشهد مولایمان امیرالمومنین بودی بعد از نماز و دعا به قبر اونزدیک شود و اگر دوری بودی بعد از نماز به سوی او اشاره کن و دعا این است: خدایا بر ولایت و برادر پیامبرت و وزیر و حبیب و دوست و محل سر او و برگزیده از خانواده او و وصی و برگزیده و خالص شده و امین و شریفترین خاندان او که به او ایمان آوردند و پدر ذریه او و باب حکمت او و ناطق به حجت او و دعوت کننده به شریعت او و رهرو سنت او و خلیفه او بر امتش ، سرور مسلمین و امیرالمومنین و رهبر دست و پیشانی سفیدان بهتر از آنچه که درود فرستادی بر احدی از خلق خود و اصفیای خود و اوصیاء پیامبرانت درو فرست . خدایا من شهادت می دهم که او از جانب پیامبرت صلی الله علیه و آله آنچه که بر دوش او گذاشته شده بود را ابلاغ کرد و آنچه را در حفظ او گذاشته شده بود رعایت نمود و آنچه که به نزد او به ودیعت نهاده شده بود حفظ کرد و حلالیت را حلال و حرمت را حرام نمود و احکام تو را بر پا کرد و به راه تو دعوت کرد و با دوستان دوستی نمود و با دشمنان دشمنی کرد و با پیمان شکن های از راهت و ستم کنندگان و به در روندگان از دستورت با صبر و احتساب جهاد کرد روی کننده بدون پشت کردن ، در راه خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده ای او را نگرفت تا اینکه به رضا رسید و در قضاء تسلیم تو گردید و از روی اخلاص تو را عبادت کرد و با تلاش و کوشش برای تو خیرخواهی کرد تا اینکه مرگ او فرا رسید پس او را به سوی خود شهید و خوشبخت و دوست و با تقوا و مورد پسند و پاکیزه و هدایت کننده و هدایت شده جانش را گرفتی . خدایا بر محمد و بر او بهتر از آنچه بر احدی از انبیاء و برگزیدگان درود می فرستی درود بفرست .

٤٠- (اقبال ج ٢ ص ٢٦٠) رواه عن الرضا عليه السلام قال:
اذا كان يوم القيامة زقت اربعة ايام الي الله كما تزق العروس
الي خدرها، قيل: ما هذه الايام؟ قال:
يوم الاضحى و يوم الفطر و يوم الجمعة و يوم الغدير، و ان
يوم الغدير بين الاضحى و الفطر و الجمعة كالقمر بين الكواكب،
و هو اليوم الذي نجا فيه ابراهيم الخليل من النار، فصامه
شكراً لله، و هو اليوم الذي اكمل الله به الدين في اقامه النبي
عليه السلام علياً امير المؤمنين علماً و ابان فضيلته و وصايته،
فصام ذلك اليوم، و انه اليوم الكمال و يوم مرغمه الشيطان، و
يوم تقبل العمال الشيعة و محبي آل محمد، و هو اليوم الذي
يعمد الله فيه الي ماعمله المخالفون فيجعله هباء منثوراً.
و هو اليوم الذي يأمر جبرئيل عليه السلام ان ينصب كرسي
كرامه الله بازاء بيت المعمور و يصعده جبرئيل عليه السلام و
تجتمع اليه الملائكة من جميع السماوات و يثنون علي محمد و
يستغفرون لشيئته امير المؤمنين و الائمة عليهم السلام و محبيهم
من ولد آدم عليه السلام، و هو اليوم الذي يأمر الله فيه الكرام
الكاتبين ان يرفعوا القلم عن محبي أهل البيت و شيعتهم ثلاثة
ايام من يوم الغدير، و لا يكتبون عليهم شيئاً من خطاياهم
كرامه لمحمد و علي و الائمة.
و هو اليوم الذي جعله الله لمحمد و آله و ذوي رحمه، و هو
اليوم الذي يزيد الله في حال من عبد فيه و وسع علي عياله و نفسه
واخوانه و يعتقه الله من النار، و هو اليوم الذي يجعل الله فيه
سعي الشيعة مشكوراً و ذنبهم مغفوراً و عملهم مقبولاً.
و هو يوم تنفيس الكرب و يوم تحطيط الوزر و يوم الحباء و
العطيه و يوم نشر العلم و يوم البشارة و العيد الأكبر، و يوم
يستجاب فيه الدعاء، و يوم الموقف العظيم، و يوم لبس الثياب
و نزع السواد، و يوم الشرط المشروط و يوم نفي الهموم و يوم
الصفح عن مذنبى شيعة امير المؤمنين.
و هو يوم سبقه، و يوم اكثر الصلاة علي محمد و آل
محمد، و يوم الرضا، و يوم عيد اهل بيت محمد، و يوم قبول
الاعمال، و يوم طلب الزيادة و يوم استراحة المؤمنين و يوم
المتاجر، و يوم التودد، و يوم الوصول الي رحمه الله، و يوم
التزكية، و يوم ترك الكبائر و الذنوب و يوم العباده و يوم
تفطير الصائمين، فمن فطر فيه صائماً مؤمناً كان كمن اطعم
فئاماً و فئاماً - الي ان عدّ عشراً، ثم قال: أوتدري ما الفيام؟

قال: لا، قال: مائه ألف. و هو يوم التهنئه، يهني بعضكم بعضاً، فاذا لقي المؤمن أخاه يقول: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ، و هو يوم التَّبَسُّمِ فِي وَجْهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ، فَمَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالرَّحْمَةِ وَقَضَى لَهُ الْفِ حَاجَهُ، وَ بَنَى لَهُ قَطْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ دَرَّةٍ بِيضَاءَ، وَ نَضَّرَ وَجْهَهُ.

و هو يوم الزينه، فمن تزيّن ليوم الغدير غفر الله له كلّ خطيئته عملها، صغيره أو كبيره، و بعث الله اليه ملائكه يكتبون له الحسنات و يرجعون له الدرجات الي قابل مثل ذلك اليوم، فان مات مات شهيداً وان عاش عاش سعيداً، و من اطعم مؤمناً كان كمن اطعم جميع الأنبياء و الصديقين، و من زار فيه مؤمناً ادخل الله قبره سبعين نوراً و وسع في قبره و يزور قبره كلّ يوم سبعون ألف ملك و يبشرونه بالجنّه.

و في يوم الغدير عرض الله الولايه علي اهل السماوات السبع فسبق اليها اهل السماء السابعه فزيّن بها العرش، ثم سبق اليها اهل السماء الرابعه فزيّنها بالببيت المعمور، ثم سبق اليها أهل السماء الدنيا فزيّنها بالكواكب، ثم عرضها علي الارضين فسبقت مكه فزيّنها بالكعبه، ثم سبقت اليها المدينه فزيّنها بالمصطفى محمد صلّي الله عليه و آله، ثم سبقت اليها الكوفه فزيّنها بأمرير المؤمنين عليه السلام، و عرضها علي الجبال فاؤل جبل اقرّ بذلك ثلاثه جبال: جبل العقيق و جبل الفيروزج و جبل الياقوت، فصارت هذه الجبال جبالهن و افضل الجواهر، ثم سبقت اليها جبال آخر، فصارت معادن الذهب والفضه، و مالم يقرّ بذلك و لم يقبل صارت لاتنبت شيئاً.

و عرضت في ذلك اليوم علي المياه فما قبل منها صار عذباً و ما أنكر صار ملحاً أجاجاً و عرضها في ذلك اليوم علي النّبات فما قبله صار حلواً طيباً، و ما لم يقبل صار مرّاً، ثمّ عرضها في ذلك اليوم علي الطّير فما قبلها صار فصيحاً مصوتاً و ما أنكرها صار أخرس مثل اللكن، و مثل المؤمنين في قبولهم و لاء امير المؤمنين في يوم غدیر خم كمثل الملائكه في سجودهم لآدم، و مثل من أبي و لايه امير المؤمنين في يوم الغدير مثل ابليس، و في هذا اليوم انزلت هذه الآيه: « أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ »، و ما بعث الله نبياً الاّ و كان يوم بعثه مثل يوم الغدير عنده و عرف حرمة إذ نصب لأمته وصياً و خليفه من بعده في ذلك اليوم.

۴۰- امام رضا (عليه السلام) فرمودند: هنگامي كه روز قيامت مي شود چهار روز آن گونه كه عروس به سرا پرده خود فرستاده

می شود به سوی خدا فرستاده می شوند ، گفته شده که این روزها کدامند ؟ فرمود : روز عیدقربان و عیدفطر و روز جمعه و روز غدیر و همانا روز غدیر در بین عیدقربان و فطر و جمعه همانند ماه در بین ستارگان است و آن روزی است که ابراهیم خلیل از آتش نجات پیدا کرد و برای شکر خدا روزه گرفت و آن روزی است که خدا ابا اقامه کردن پیامبر صلی الله علیه و آله علی را به عنوان علم دین را کامل کرد و فضیلت و وصایت او را روشن نمود پس آن روز را روزه گرفت و آن روز کمال دین است و روز به خاک مالیدن شدن بینی شیطان است و روزی است که اعمال شیعه و دوست داران آل محمد علیهم السلام قبول می شود و آن روزی است که قصد می کند خدا به سوی آنچه که مخالفین انجام داده اند و اعمال آنها را گرد پراکنده می کند و آن روزی است که جبرئیل دستور می دهد که کرسی کرامت خداوند روبروی بیت المعمور نصب شود و جبرئیل علیه السلام روی آن منبر می رود و ملائکه از همه آسمانها دور او جمع می شوند و بر محمد صلی الله علیه و آله ثنا می گویند و برای شیعیان امیرالمومنین و ائمه علیهم السلام و دوست داران آنها از فرزندان آدم علیه السلام استعفار می کنند و آن روزی است که خداوند به نویسندگان گرامی دستور می دهد که تا سه روز از غدیر از دوست داران اهل بیت و شیعیان آنها قلم را بردارند و به احترام پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و ائمه چیزی از خطاهای آنها را برای آنها نمی نویسند و آن روزی است که خداوند آنها را برای محمد و آل او و خویشاوندان او قرار داده است و آن روزی است که زیاد می کند خداوند در حالی کسی که او را در آن عبادت کند و بر عیالش و خودش و برداراناش وسعت دهد و خدا او را از آتش آزاد میکند و آن روزی است که خدا در آن تلاش شیعه را مشکور و گناه آنها را آمرزیده و عمل آنها را مورد قبول قرار می دهد و آن روز به طرف شدن بلاهاست و روز ریختن گناه و روز بخشش و عطا و روز نشر علم و روز بشارت و عیداکبر است و روزی است که دعا در آن مستجاب می شود و روز موقف عظیم است و روز پوشیدن

لباسها و درآوردن سیاهی است و روز شرط گرفته شد و روز دور شدن غصه ها و روز گذشت از گناهکاران شیعیان امیرالمومنین است و آن روز سبقت و روز صلوات زیاد فرستادن بر محمد و آل محمد است و روز رضا و روز عید اهل بیت محمد (صلي الله عليه و آله) و روز قبولی اعمال و روز طلب زیادتی و روز استراحت مومنین و روز تجارت و روز دوستی و روز رسیدن به رحمت خدا و روز تزکیه و روز ترك کبیره ها و گناهان و روز افطار دادن روزه داران است . پس کسی که در آن روزه دار مومنی را افطار دهد مانند کسی است که گروهی و گروهی را تا ده گروه اطعام کرده باشد . سپس فرمود آیا می دانی فئام و گروه چیست ؟ گفت : نه ، فرمود هر فئامی صدهزار است و آن روز مبارکباد و تهنیت گفتن است که یکی از شما دیگری را تهنیت می دهد . پس هنگامی که مومن برادرش را ملاقات کرد می گوید: **«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنْ الْمَتَمَسِّكِينَ بَوْلَايِهِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْاِئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»** و آن روز تبسم در صورتهای مردم اهل ایمان است . پس کسی که در روز غدیر در صورت برادرش تبسم کند خداوند روز قیامت با رحمت به او نظر می کند و هزار حاجت برای او برآورده می کند و قصری از در سفید در بهشت برای او بنا می کند و صورت او را شاد و خرم می گرداند .

و آن روز زینت است پس کسی که برای روز غدیر زینت کند خداوند هرخطایی که انجام داده است چه کوچک باشد و چه بزرگ را می آمرزد و ملائکه را به سوی او می فرستد که تا سال آینده در چنین روزی برای او حسنات بنویسند و درجات بلندکنند . پس اگر در آن سال از دنیا رفت شهید مرده است و اگر زنده ماند خوشبخت و سعید زندگی کرده است و کسی که مومنی را اطعام کند مانند کسی است که همه انبیاء و صدیقین را طعام داده باشد و کسی که در آن روز مومنی را زیارت کند خداوند در قبر او و هفتاد نور وارد می کند و در قبرش وسعت می دهد و قبر او را در هر روز هفتاد هزار ملك زیارت می کنند و او را بشارت به بهشت می دهند . و در روز غدیر خداوند ولایت را بر اهل

آسمانهای هفتگانه عرضه نمود. پس اهل آسمان هفتم به آن سبقت گرفتند پس خدا آنرا به عرش زینت داد سپس اهل آسمان چهارم به آن سبقت گرفتند پس آنرا به بیت المعمور زینت داد. سپس اهل آسمان دنیا به آن سبقت گرفتند پس آنرا به ستارگان زینت داد سپس ولایت را بر زمین ها عرضه کرد. زمین مکه به آن سبقت گرفت در نتیجه آنرا به کعبه زینت کرد. پس مدینه به آن سبقت گرفت خداوند با محمد (صلي الله عليه و آله) آنرا زینت کرد سپس زمین کوفه به آن سبقت گرفت خداوند با امیرالمومنین (علیه السلام) آنرا زینت نمود و خدا ولایت را بر کوهها عرضه کرد. پس اولین کوهی که به آن اقرار کرد سه کوه بود: کوه عقیق، کوه فیروزه و کوه یاقوت. پس این کوهها معدن این سه و بهترین گوهرها شدند. پس کوههای دیگری به ولایت سبقت گرفتند در نتیجه معدن طلا و نقره شدند و هر کوهی که به ولایت اقرار نکرد و قبول نکرد بی ریش و معدن گردید و در آن روز ولایت بر آنها عرضه شد هر آبی که ولایت را قبول کرد شیرین و گوارا شد و هر آبی که انکار کرد شور و تلخ گردید و در آن روز ولایت را بر پرندگان عرضه کرد هر پرنده ای که قبول کرد فصیح و صدادار شد و هرچه که انکار کرد گنگ و بی صدا شد و مثل مومنین در قبول ولایت امیرالمومنین در روز غدیر خم مثل ملائکه در سجده کردن به آدم است و مثل کسی که در روز غدیر از ولایت امیرالمومنین ابا کرد مثل ابلیس است و در این روز این آیه نازل شد «الیوم اکملت لکم دینکم» و خداوند هیچ پیامبری مبعوث نکرد مگر اینکه روز بعثت او در نزدش مثل روز غدیر بوده است و حرمت آنرا می شناخته است از این جهت که برای امتش در آن روز وصی و خلیفه بعد از خودش را نصب نمود.

(اقبال ج ۲ ص ۲۶۳) ۴۱- فمن هؤلاء مارواه محمد بن يعقوب الكليني باسناده الي عبدالرحمان بن سالم، عن ابيه قال: سألت

ابا عبدالله عليه السلام: هل للمسلمين عيد غدير يوم الجمعة والاضحي و الفطر؟ قال: نعم اعظمها حرمة، قلت: وأي عيد هو جعلت فداك؟ قال: اليوم الذي نصب فيه رسول الله صلي الله عليه و آله اميرالمومنين عليه السلام، و قال: من كنت مولاه فعلي مولاه، قلت: وأي يوم هو؟ قال: ما تصنع باليوم، انّ السنه تدور ولكنه يوم ثمانى عشر من ذي الحجه.

فقلت: و ما ينبغي لنا ان نفعل في ذلك اليوم؟ قال : تذكرون الله فيه بالصيام و العباده و الذكر لمحمد و آل محمد صلي الله عليهم، و أوصى رسول الله صلي الله عليه و آله اميرالمومنين ان يتخذ ذلك اليوم عيداً و كذلك كانت الانبياء تفعل، كانوا يوصون أوصيائهم بذلك فيتخذونه عيداً.

۴۱- سالم گوید: از امام صادق (عليه السلام) پرسیدم : آیا برای مسلمين غير از روز جمعه و قربان و فطر عيدي هست؟ فرمود : بله عيدي دارند که حرمتش از همه عظيم تر است. گفتم : کدام عيداست فدايت شوم ؟ فرمود : روزي که رسول الله (صلي الله عليه و آله) اميرالمومنين را در آن نصب نمود و فرمود : هر کسی که من مولاي او هستم پس علي مولاي اوست .گفتم : کدام روز است ؟ فرمود با روز آن چه کار داري همانا سال دور مي زند ولکن آن روز هيچدهم ذي الحجه است .پس گفتم : چه کاري سزاوار است که در آن روز انجام دهيم ؟ فرمود: با روزه و عبادت و ذکر محمد و آل محمد صلي الله عليهم ياد خدا مي کنيد و رسول خدا (صلي الله عليه و آله) بر اميرالمومنين وصيت کرد که آن روز را عيد بگيرد و انبياء نيز اين چنين مي کردند و به اوصياء خود وصيت مي کردند که آنرا عيد بگيريد.

۴۲- و من اولئك مارواه علي بن الحسن بن فضال في كتاب الصيام، باسناده الي الحسن بن راشد قال: سألت ابا عبدالله عليه السلام هل للمسلمين عيد سوي الفطر والأضحى؟ فقال: نعم أعظمهما وأشرفهما، قال: قلت: أي يوم هو؟ قال: يوم نصب رسول الله صلي الله عليه و آله اميرالمؤمنين للناس فدعاهم الي ولايته، قال: قلت: في أي يوم ذلك؟ قال: يوم ثمانيه عشر من ذي الحجه.

قال: قلت: فما ينبغي فيه و ما يستحب فيه؟ قال: الصيام و التقرب الي الله عز و جلّ فيه باعمال الخير، قال: قلت: فما لمن صامه؟ قال: يحسب له بصيام ستين شهراً.

٤٢- حسن بن راشد گوید : از امام صادق (عليه السلام) پرسیدم : آیا غیر عید فطر و قربان برای مسلمانان عیدی هم هست ؟ فرمود : بله . عظیم ترین و شریف ترین آنها ! گفتم : کدام روز است . فرمود: روزي که رسول الله (صلي الله عليه و آله) اميرالمومنين (عليه السلام) را براي مردم نصب نمود و آنها را به ولايت او دعوت کرد . گفتم : در کدام روز بود ؟ فرمود : روز هجدهم ذي الحجه است . گفتم : چه کاري در آن روز سزاوار و مستحب است. فرمود : روزه و تقرب به سوي خدای عز و جل باکارهاي خیر. گفتم : برای روزه دار آن چه ثوابي است؟ فرمود : برای او روزه شصت ماه حساب مي شود .

(اقبال ج ٢ ص ٢٦٤) ٤٣- و من اولئك ماروا الشيوخ المعظمون ابوجعفر محمد بن بابويه و المفيد محمد بن محمد بن النعمان و ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسي باسنادهم جميعاً عن الصادق عليه السلام انّ العمل في يوم الغدير ثامن عشر ذي الحجه يعدل العمل في ثمانين شهراً.

٤٣- امام صادق (عليه السلام) فرمود: عمل در روز غدیر با عمل در هشتاد ماه برابر است .

(اقبال ج ٢ ص ٢٦٤) ٤٤- و من اولئك مارواه محمد بن علي بن محمد الطرازي في كتابه، باسناده المتصل الي المفضل بن عمر قال: قال لي أبو عبدالله عليه السلام:

إذا كان يوم القيامه زفت اربعه ايام الي الله عزّو جلّ كما تزف العروس الي خدرها: يوم الفطر و يوم الاخصي و يوم الجمعه و يوم غدیر خم، و يوم غدیر خم بين الفطر و الاضحی يوم الجمعه كالقمر بين الكواكب، و انّ الله ليوكّل بغدير خم ملائكته المقربين، و سيدهم يومئذ جبرئيل عليه السلام، و انبياء الله المرسلين، و سيدهم يومئذ محمد صلي الله عليه و آله و اوصياء الله المنتجبين، و سيدهم يومئذ اميرالمؤمنين، و اولياء الله، و

ساداتهم يومئذ سلمان و ابوذر و المقداد و عمار، حتّي يورده الجنان كما يورد الراعي بغنمه الماء و الكلاء.

قال المفضل: سيدي تَأْمُرني بصيامه؟ قال لي: أي والله أي والله أي والله انّه اليوم الذي تاب الله فيه علي آدم عليه السلام فصام شكرًا لله، علي ذلك اليوم، و انه اليوم الذي نجى الله تعالى فيه ابراهيم عليه السلام من النار فصام شكرًا لله تعالى علي ذلك اليوم، وانه اليوم الذي اقام موسي هارون عليهما السلام علماءً فصام شكرًا لله تعالى ذلك اليوم، وانه اليوم الذي أظهر عيسي عليه السلام وصيّه شمعون الصفا فصام شكرًا لله عزّ و جلّ علي ذلك اليوم. و انّه اليوم الذي اقام رسول الله صلّي الله عليه و آله علياً للناس علماءً و أبان فيه فضله و وصيّه، فصام شكرًا لله تبارك و تعالي ذلك اليوم، و انه ليوم صيام و قيام و اطعام وصله الاخوان و فيه مرضاه الرحمان و مرغمه الشيطان.

۴۴- مفضل به عمر گوید : امام صادق (عليه السلام) به من فرمود: هنگامی که روز قیامت می شود چهار روز به سوی خدا فرستاده می شوند همانطور که عروس به سرا پرده خود فرستاده می شود: به سوی خدا فرستاده می شوند: روز فطر و روز قربان و روز جمعه و روز غدیر، و روز غدیر در بین قربان و فطر و روز جمعه همانند ماه در بین ستارگان است و همانا خداوند ملائکه مقرب که سرور آنها در آن روز جبرئیل است و انبیای مرسل خدا که سرور آنها در آن روز محمد (صلي الله عليه و آله) است و اوصیای برگزیده خدا که سرور آنها در آن روز امیرالمومنین است و اولیاء خدا که سروران آنها در آن روز سلمان و ابوذر و مقداد و عمار است را موکل غدیر می کند تا روز غدیر را وارد بهشت نمایند همانطور که چوپان گله خود را وارد آب و چراگاه می کند. مفضل گفت: ای آقای من مرا به روزه آن امر می کنی؟ به من فرمود: بله به خدا قسم بله به خدا قسم بله به خدا قسم. همانا آن روزی است که خداوند توبه آدم علیه السلام را قبول کرد و آدم آن روز را به خاطر شکر خدا بر آن روز روزه گرفت و آن روزی است که خدای تعالی ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات داد. پس به خاطر شکر خدا بر آن روز روزه گرفت و آن روزی است که موسی علیه السلام

هارون را به عنوان علم اقامه کرد پس آن روز را به خاطر شکر خدا روزه گرفت و آن روزی است که عیسی علیه السلام وصی خود شمعون الصفا را آشکار کرد پس به خاطر شکر خدای عز و جل به آن روز روزه گرفت و آن روزی است که رسول خدا (صلي الله عليه و آله) علي (عليه السلام) را به عنوان علم براي امت خود اقامه کرد و وصایت و فضیلت او را روشن کرد پس آنروز را براي شکر خدا روزه گرفت و همانان آن روز روزه گرفتن و قیام (به عبادت) کردن وصله با برادران است و در این روز رضایت خدای رحمان و به خاک مالیده شدن بینی شیطان است

۴۵- المصباح ۶۷۹- روي زياد بن محمد عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال قلت للمسلمين عيد غير يوم الجمعة و الفطر و الاضحى قال نعم اليوم الذي نصب فيه رسول الله ﷺ امير المؤمنين (عليه السلام) قلت و ايّ يوم هو يا بن رسول الله فقال و ما تصنع بذلك اليوم و الايام تدور و لكنّه الثامن عشر من ذي الحجّه ينبغي لكم ان تتقربوا الي الله تعالى (فيه - خ) بالبّر و الصوم و الصلاه و صلّه الرحم و صلّه الاخوان فانّ الانبياء (عليه السلام) كانوا اذا اقاموا اوصيائهم فعلوا ذلك و أمرؤا به.

۴۵- زياد بن محمد گوید: به امام صادق (عليه السلام) گفتم: آیا براي مسلمين عيدي غير از فطر و قربان و روز جمعه هست؟ فرمود: بله روزی که رسول الله (صلي الله عليه و آله) در آن اميرالمومنين را نصب نمود. گفتم: کدام روز است اي پسر رسول خدا (صلي الله عليه و آله)؟ فرمود با روز آن چه کار داري با وجودي که روزها مي گردد و لكن آن روز هيچدهم ذي الحجّه است. سزوار است براي شما که در آن روز با بير و احسان و نيکي و روزه و نماز و صلّه رحم و صلّه با برداران ديني به سوي خدا تقرب جوييد. همانا انبياء هنگامی که اوصيای خود را اقامه مي کردند این کار را انجام مي دادند و به این کار دستور مي دادند.

٤٦ - وجدت بخط بعض الافاضل نقلاً من خط الشهيد محمد بن مكي قدس الله روحهما، قال: روي عن النبي (صلي الله عليه و آله و سلم) أن من السنن أن يقول المؤمن في يوم غدیر مائه مرّه: الحمد لله الذي جعل كمال دينه و تمام نعمته بولايه أميرالمؤمنين علي بن أبي طالب (عليه السلام)

٤٦- از پیامبر (صلي الله عليه و آله) روایت شده که همانا از سنت ها این است که مومن در روز غدیر صدار این ذکر را بگوید : « الحمد لله الذي جعل كمال دينه و تمام نعمته بولايه أميرالمؤمنين علي بن أبي طالب » ؛ یعنی : همه حمدها مخصوص خداوندي است که کمال دين خود و اتمام نعمت خود را با ولايت اميرالمؤمنين علي بن أبي طالب قرارداد.

٤٧- تهذيب ١٤٣ ج٣- الحسين بن الحسن الحسيني (٢) قال حدثنا محمد بن موسى الهمداني قال حدثنا علي بن حسان الواسطي قال حدثنا علي بن الحسين العبدی قال سمعت ابا عبدالله الصادق (عليه السلام) يقول صيام يوم غدیر خم يعدل صيام عمر الدنيا لوعاش انسان ثم صام ما عمرت الدنيا لكان له ثواب ذلك و صيامه يعدل عندالله عزّ و جلّ في كلّ عام مائه حجّه و مائه عمره مبرورات متقبّلات و هو عيدالله الاكبر و ما بعث الله عزّ و جلّ نبياً قطّ الاّ و تعيّد في هذا اليوم و عرف حرّمته واسمه في السماء يوم العهد المعهود و في الارض يوم الميثاق الماخوذ والجمع المشهود.

من صلّي فيه ركعتين يغتسل عند زوال الشمس من قبل ان تزول مقدار نصف ساعه يسئل الله عزّ و جلّ يقرء في كلّ ركعه سوره الحمد مرّه و عشر مرّات قل هو الله احد و عشر مرّات آيه الكرسيّ و عشر مرّات انّا انزلناه عدلت عندالله عزّ و جلّ ما الف حجّه و مائه الف عمره و ما سئل الله عزّ و جلّ حاجه من حوائج الدنيا و حوائج الآخرة الاّ قضيت كائنه ما كانت الحاجه و ان فاتتك الرّكعتان و الدعاء قضيتهما بعد ذلك (جاز - خ يب ط).

و من فطر فيه مؤمنا كان كمن اطعم فئاماً و فئاماً و فئاماً
 فلم يزل يعدّ الي ان عقد بيده عشراً ثمّ قال أ (و - خ) تدري كم
 الفئام قلت لا قال ما ه الف كلّ فئام كان له ثواب من اطعم
 بعدها من النبيين و الصديقين و الشهداء في حرم الله عزّ و جلّ و
 سقاهم في يوم ذي مسغبه و الدرهم فيه بالف الف درهم .
 قال لعلّك تري أنّ الله عزّ و جلّ خلق يوماً اعظم حرمة منه لا و
 الله لا والله لا والله ثمّ قال و ليكن من قولكم اذا التقيتم ان تقولوا
 الحمد لله الذي اكرمنا بهذا اليوم و جعلنا من الموفين بعهده
 الينا و ميثاقه الذي واثقنا به من و لايه و لاه امره و القوام
 بقسطه و لم يجعلنا من الجاحدين و المكذبين بيوم الدين .
 ثمّ قال وليكن من دعائك في دبر هاتين الركعتين أن تقول
 دعا تو بعد از دو ركعت نماز اين باشد «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا
 مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا
 فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْإِبْرَارِ
 رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَي رُسُلِكَ وَ لَا تَحْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ .

ثمّ تقول بعد ذلك سپس بعد از آن مي گوي اللهم اني
 أشهدك و كفي بك شهيداً و أشهد ملائكتك و حملة عرشك و سكران
 سمواتك و ارضك بانك انت الله الذي لا اله الا انت المعبود
 الذي ليس من لدن عرشك الي قرار ارضك معبود يُعبد سواك الا
 باطل مضمحل غير وجهك الكريم لا اله الا انت المعبود فلا
 معبود سواك تعاليت عما يقول الظالمون علواً كبيراً .

و أشهد ان محمداً (صلي الله عليه و آله و سلم) عبدك و
 رسولك و أشهد ان علياً صلوات الله عليه أمير المؤمنين و
 وليهم و مولاهم ربنا اننا سمعنا بالنداء و صدقنا المُنادي
 رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) اذ نادى بنداء عنك (و
 - خ) بالذي امرته به ان يُبلّغ ما انزلت اليه من و لايه ولي
 امرك فحذرتة و اندرتة ان لم يُبلّغ ان تسخط عليه و انه ان
 بلّغ رسالاتك عصمتة من الناس فنادي مبلّغاً وحيك و رسالاتك
 الا من كنت مولاة فعلي مولاة و من كنت و ليّه فعلي و ليّه و
 من كنت نبيّه فعلي أميره .

رَبَّنَا فَقَدْ اجَبْنَا دَاعِيكَ النذير المُنذر محمداً (صلي الله
 عليه و آله و سلم) عبدك و رسولك الي علي بن ابي طالب
 الذي انعمت عليه و جعلته مثلاً لبني إسرائيل انه
 امير المؤمنين و مولاهم و وليهم الي يوم القيامة يوم
 الذين فانك قلت ان هو الا عبدانعمنا عليه و جعلناه مثلاً

لِبَنِي إِسْرَائِيلَ رَبَّنَا آمَنَّا وَ اتَّبَعْنَا مَوْلَانَا وَ وَلَّيْتَنَا وَ هَادَيْتَنَا وَ ذَاعِينَا وَ دَاعِيَ الْإِنَامِ وَ صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ السَّوِيِّ وَ حُجَّتِكَ وَ سَبِيْبِكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ عَلَيَّ بِصِيرِهِ هُوَ وَ مَنْ إِتَّبَعَهُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ بِوِلَايَتِهِ وَ بِمَا يَلْجِدُونَ بِإِتِّخَاذِ الْوَلَائِحِ دُونِهِ .

فَاشْهَدْ يَا إِلَهِي إِنَّهُ الْإِمَامُ الْهَادِي الْمُرْشِدُ الرَّشِيدُ عَلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي ذَكَرْتَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ وَ إِنَّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ لَا أُشْرِكُ مَعَهُ إِمَامًا وَ لَا اتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَ لِيَجْهَ اللَّهُمَّ فَنَّا نَشْهَدُ أَنَّ عَبْدَكَ الْهَادِي مَنْ بَعْدَ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَ صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدَ الْعُرِّ الْمُحْجَلِينَ وَ حُجَّتِكَ الْبَالِغَةَ وَ لِسَانِكَ الْمُعْبَّرَ عَنْكَ فِي خَلْقِكَ وَ الْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مَنْ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَ دِيَانَ دِينِكَ وَ خَازِنَ عِلْمِكَ وَ مَوْضِعَ سِرِّكَ وَ عَيْبَةَ عِلْمِكَ وَ أَمِينَكَ الْمَأْمُونِ الْمَأْخُودِ مِيثَاقَهُ مَعَ مِيثَاقِ رَسُولِكَ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ بَرِيَّتِكَ شَهَادَةَ بِالْإِخْلَاصِ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْ الْإِقْرَارَ بِوِلَايَتِهِ تَمَامُ تَوْحِيدِكَ وَ الْإِخْلَاصِ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ كَمَالِ دِينِكَ وَ تَمَامِ نِعْمَتِكَ وَ فَضْلِكَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ بَرِيَّتِكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا .

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْإِخْلَاصِ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ إِذْ هَدَيْتَنَا لِمَوَالَاهِ وَ لِيَّكَ الْهَادِي مَنْ بَعْدَ نَبِيِّكَ الْمُنْذِرِ وَ رَضِيْتَ لَنَا الْإِسْلَامَ دِينًا بِمَوَالَاتِهِ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ الَّتِي جَدَّدْتَ لَنَا عَهْدَكَ وَ مِيثَاقَكَ وَ ذَكَرْتَنَا ذَلِكَ وَ جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ وَ التَّصَدِيقِ بِعَدِكَ وَ مِيثَاقِكَ وَ مِنْ أَهْلِ الْوَفَاءِ بِذَلِكَ وَ لَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ الْنَاكِثِينَ وَ الْجَاحِدِينَ وَ الْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَ لَمْ تَجْعَلْنَا مِنْ اتِّبَاعِ الْمُغَيَّرِينَ وَ الْمُبَدِّلِينَ وَ الْمُنْحَرِفِينَ وَ الْمَبْتَكِينَ إِذْ أَنْ الْإِنْعَامِ وَ الْمُغَيَّرِينَ خَلَقَ اللَّهُ وَ مِنْ الَّذِينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ وَ صَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ عَنِ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ أَكْثَرَ مِنْ قَوْلِكَ فِي يَوْمِكَ وَ لَيْلَتِكَ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَاحِدِينَ وَ الْنَاكِثِينَ وَ الْمُغَيَّرِينَ وَ الْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ .

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ إِنَّعَامِكَ عَلَيْنَا بِالَّذِي هَدَيْتَنَا إِلَيْهِ وَ لِيَّهِ وَ لِيَّهِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ الْإِثْمَةَ الْهُدَاهِ الرَّاشِدِينَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَ أَعْلَامَ الْهُدَى وَ مَنَارَ التَّقْوَى وَ

الْعُرْوَةَ وَ الْوَثْقِي وَ كَمَالَ دِينِكَ وَ تَمَامَ نِعْمَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ
آمَنَّا بِكَ وَ صَدَّقْنَا بِنَبِيِّكَ وَ اتَّبَعْنَا مِنْ بَعْدِهِ النَّذِيرَ الْمُنذِرَ وَ
وَالْيَنَّا وَلِيَّهُمْ وَ عَادِينَا عَدُوَّهُمْ وَ بَرئْنَا مِنَ الْجَاحِدِينَ وَ
النَّكَثِينَ وَ الْمَكْذِبِينَ الْيَوْمَ الْدِينِ.

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مَنْ لَا يُخْلَفُ
الْمِيعَادَ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنِ أَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِمَوَالَاهِ
أَوْلِيَائِكَ الْمَسْئُولِ عَنْهَا عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ ثُمَّ
لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ وَ قُلْتَ وَ قِفْوَهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ وَ
مَنْنْتَ عَلَيْنَا بِشَهَادَةِ الْإِخْلَاصِ لَكَ بِمَوَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ الْهُدَاهِ مِنْ
بَعْدِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ (وَالبشير - خ يب ط) وَالسَّرَاجِ الْمُنِيرِ وَ
أَكْمَلْتَ الدِّينَ بِمَوَالِيهِمْ وَ الْبِرَائَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْنَا
النِّعْمَةَ الَّتِي جَدَدْتَ لَنَا عَهْدَكَ وَ ذَكَرْتَنَا مِيثَاقَكَ الْمَأْخُودِ مِنَّا
فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِكَ أَيَّانَا وَ جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ وَ ذَكَرْتَنَا
الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ وَ لَمْ تُنْسِنَا ذِكْرَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ
مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَي أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ
بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى اللَّهُمَّ بَلَى شَهِدْنَا بِمَنْكَ وَ لَطْفِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبَّنَا وَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ نَبِينَا وَ عَلِيٌّ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحُجَّةَ الْعَظْمَى وَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبَأَ
الْعَظِيمَ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ.

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِالْهُدَايَةِ
الَّتِي مَعْرِفَتِهِمْ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَبَارِكَ
لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي ذَكَرْتَنَا فِيهِ عَهْدَكَ وَ مِيثَاقَكَ وَ
أَكْمَلْتَ دِينَنَا وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَ جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ
وَ الْإِخْلَاصِ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ وَ التَّصَدِيقِ بِوَلَايَةِ
أَوْلِيَائِكَ وَ الْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ أَوْلِيَائِكَ الْجَاحِدِينَ
الْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَ أَنْ لَا تَجْعَلَنَا مِنَ الْغَاوِينَ وَ لَا
تُلْجِقْنَا بِالْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَ اجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صَدَقِ مَعَ
النَّبِيِّينَ (وَ تَجْعَلْ لَنَا) مَعَ الْمُتَّقِينَ إِمَاماً الْيَوْمَ الدِّينِ
يَوْمَ يُدْعَى كُلُّ نَاسٍ بِأَمَامِهِمْ وَ أَحْشَرْنَا فِي رُؤْمَرِهِ الْهُدَاهِ
الْمَهْدِيِّينَ وَ أَحِينَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَي الْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ
الْمَأْخُودِ مِنَّا وَ عَلَيْنَا لَكَ وَ اجْعَلْ لَنَا مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً وَ ثَبَّتْ
لَنَا قَدَمَ صَدَقِ فِي الْهَجْرَةِ اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ مَحِيَانَا خَيْرَ الْمَحْيَا وَ
مَمَاتِنَا خَيْرَ الْمَمَاتِ وَ مُنْقَلِبَنَا خَيْرَ الْمُنْقَلِبِ حَتَّى تَوْفَانَا وَ
أَنْتَ عَنَّا رَاضٍ قَدْ أَوْجَبْتَ لَنَا حُلُولَ جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ الْمَثْوَى فِي
دَارِكَ وَ الْأَنْبَابَةَ الْيَوْمَ دَارِ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ

و لا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ رَبَّنَا إِنَّكَ أَمَرْتَنَا بِطَاعِهِ وَلا هِ أَمْرِكَ وَ
أَمَرْتَنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الصَّادِقِينَ فَقُلْتُ (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَ أُولِي الأَمْرِ مِنْكُمْ وَ قُلْتُ إِنَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ
الصَّادِقِينَ فَسَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا رَبَّنَا فَثَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَ تَوَفَّنَا
مُسْلِمِينَ مُصَدِّقِينَ لِأَوْلِيائِكَ وَ لا تَزُغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا
وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ).

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ بِالَّذِي
فَضَّلْتَهُمْ عَلَي الْعَالَمِينَ جَمِيعاً أَنْ تَبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا
الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ وَ أَنْ تَتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَ تَجْعَلَهُ عِنْدَنَا
مُسْتَقَرًّا وَ لا تَسْلُبْنَاهُ أَبَداً وَ لا تَجْعَلَهُ مُسْتَوْدِعاً فَإِنَّكَ (قَدْ -
خ) قُلْتَ مُسْتَقَرًّا وَ مُسْتَوْدِعاً فَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا وَ لا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدِعاً
وَ ارزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ
وَ اجْعَلْنَا مَعَهُ وَ تَحْتَ رَايَتِهِ شُهَدَاءَ صِدِّيقِينَ فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَي
نُصْرِهِ دِينِكَ.

ثمَّ تسأل بعدها حاجتك لِلدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ فَانْتَهَا وَ اللَّهُ مُقْضِيهِ فِي
هَذَا الْيَوْمِ انْشَاءً اللَّهُ تَعَالَى. سپس بعد از آن حوائج دنیا و آخرت
خود را در خواست کن که به خدا قسم در این روز برآورده شده
است ان شاء الله تعالی

۴۷- امام صادق (عليه السلام) فرمود : روزه روز غدیر خم
برابر روزه عمر دنیا است . اگر انسانی زنده باشد پس به
اندازه عمر دنیا روزه بگیرد برای او آن ثواب خواهد بود و
روزه غدیر در هر سال نزد خدای عز و جل با صد حج و صد عمره
مبرور و قبول شده برابر است و آن عید اکبر خداست و خداوند
هرگز هیچ پیامبری مبعوث نکرده است مگر اینکه این روز را عید
گرفته است و حرمت آن را شناخته است و اسم آن در آسمان روز
عهد معهود و در زمین روز پیمان گرفته شده و جمع مشهود است .
کسی که نیم ساعت قبل از زوال خورشید (ظهر) غسل کند و در آن
روز دو رکعت نماز بخواند و از خداوند درخواست کند و در هر
رکعتی سوره حمد را یکبار و ده بار قل هو الله احد و ده بار آیه
الکرسی و ده بار سوره انا انزلنا را بخواند نزد خدای عز و جل
با صد هزار حج و صد هزار عمره برابر است و هیچ حاجتی از حوائج
دنیا و حوائج آخرت را از خدای عز و جل درخواست نمی کند مگر

اینکه برآورده میشود . حاجت هر چه که می خواهد باشد و اگر آن دو رکعت و دعا از تو فوت شد اگر بعد از آن قضا کنی جایز است.

و کسی که در آن روز مومن را افطاری دهد مانند کسی است که فئامی و فئامی - تا اینکه با دستش ده فئام را شمرد - اطعام کرده باشد . پس فرمود می دانی هر فئامی چقدر است ؟ گفتم : نه فرمود : هر فئامی صد هزار نفر است . برای او ثواب کسی که به تعداد آنها از انبیاء و صدیقین و شهداء در حرم خدای عز و جل طعام دهد و در روز گرسنگی آنها را سیراب کند خواهد بود و در آن روز (خرج کردن) یک درهم برابر هزار هزار درهم است . فرمود : شاید دیدگاه تو این باشد که خدای عز و جل روزی با حرمت عظیم تر از این روز خلقت کرده باشد نه به خدا قسم ، نه به خدا قسم ، نه به خدا قسم . سپس فرمود : گفتار شما وقتی که با هم ملاقات می کنید باید این باش که بگویید « الحمد لله الذي اكرمنا بهذا اليوم و جعلنا من المومنين بعهدہ الينا و ميثاقه الذي و ائقنا به من ولايه و لاه امره و القوام بقسطه و لم يجعلنا من الجاهدين و المكذبين بيوم الدين »

یعنی : همه حمدها مخصوص خداوندی است که ما را با این روز اکرام نمود و ما را از وفاکنندگان به عهدش با ما و میثاقی که از ما گرفت قرار داد از ولایت والیان امرش و قیام کنندگان به عدلش و ما را از انکارکنندگان و تکذیب کنندگان روز دین قرار نداد .

سپس فرمود : بعد از آن که دو رکعت دعای تو این باشد که بگویی : رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا (به متن عربی حدیث برای خواندن دعا رجوع شود) . سپس بعد از دعا حاجت دنیا و آخرت را درخواست کن که همانا به خدا قسم این روز برآورده شده است . إن شاء الله تعالی

(اقبال ج ۲ ص ۲۷۶) ۴۸ - فمن ذلك بالاسانيد المتصله مما ذكره و رواه محمد بن علي الطرازي في كتابه ، عن محمد بن

سنان، عن داود بن كثير الرقي، عن عماره بن جويي أبي هارون العبدى، ورويناه بأسنادنا أيضاً إلى الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان، فيما رواه عن عماره بن جوين أبي هارون العبدى أيضاً قال:

دخلت علي أبي عبدالله عليه السلام في اليوم الثامن عشر من ذي الحجة، فوجدته صائماً فقال: إن هذا اليوم يوم عظم الله حرمة علي المؤمنين، إذ أكمل الله لهم فيه الدين و تمم عليهم النعمة، و جدد لهم ما أخذ عليهم من الميثاق و العهد في الخلق الأول، إذ أنساهم الله ذلك الموقف، و وفقهم لقبول منه، ولم يجعلهم من أهل الإنكار الذين جحدوا.

فقلت له: جعلت فداك فما صواب صوم هذا اليوم؟ فقال: إنه يوم عيد و فرح و سرور و صوم شكراً لله عز و جد، فإن صومه يعدل ستين شهراً من الأشهر الحرم، و من صلي فيه ركعتين أي وقت شاء، و أفضل ذلك قرب الزوال، و هي الساعة التي أقيم فيها أمير المؤمنين عليه السلام بخدير خم علماً للناس، و ذلك أنهم كانوا قربوا من المنزل في ذلك الوقت.

فمن صلي ركعتين، ثم سجد و شكر الله و عز و جد مائة مره، و دعا بهذا الدعاء بعد رفع رأسه من السجود، الدعاء (دعائي بعد از نماز):

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدُ وَحَدَّكَ لِشَرِيكَ لَكَ، وَ أَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْوًا أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِأَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ اجَابَتِكَ وَ أَهْلِ دِينِكَ وَ أَهْلِ دَعْوَتِكَ، وَ وَقَفْتَنِي لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِي تَفَضُّلاً مِنْكَ وَ كَرَمًا وَ جُودًا، ثُمَّ أَرَدَفْتَ الْفَضْلَ فَضلاً، وَالْجُودَ جُودًا، وَالْكَرَمَ كَرَمًا، رَافَةً مِنْكَ وَ رَحْمَةً إِلَيَّ أَنْ جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي، وَ كُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا نَاسِيًّا سَاهِيًّا غَافِلًا.

فَاتَّمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِأَنْ ذَكَرْتَنِي ذَلِكَ وَ مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ هَدَيْتَنِي لَهُ فَلْيَكُنْ مِنْ شَائِكَ يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، أَنْ تُتِمَّ لِي ذَلِكَ وَ لَا تَسْلُبْنِيهِ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيَّ ذَلِكَ، وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، فَإِنَّكَ أَحَقُّ الْمُنْعَمِينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ.

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أَجَبْنَا دَاعِيكَ بِمَنْكَ فَلَكَ الْحَمْدُ، غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّهُ لِشَرِيكَ لَهُ، وَ بِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ صَدَقْنَا وَ أَجَبْنَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مُوَالَاهِ مَوْلَانَا وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَخِي رَسُولِهِ، وَ

الصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ، وَ الْحُجَّةِ عَلِيَّ بَرِيَّتِهِ، الْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيِّهِ وَدِينَهُ
الْحَقُّ الْمُبِينُ، عَلِمًا لِدِينِ اللَّهِ، وَ خَازِنًا لِعِلْمِهِ، وَ عَيْبَهُ غَيْبِ
اللَّهِ، وَ مَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، وَ أَمِينَ اللَّهِ عَلِيَّ خَلْقِهِ، وَ شَاهِدَهُ فِي بَرِيَّتِهِ.

اللَّهُمَّ إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا
بِرَبِّكُمْ، فَأَمْنَا رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا
وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلِيَّ رُسُلِكَ وَلَا
تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

فَإِنَّا يَا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَ لُطْفِكَ أَجْبْنَا دَاعِيكَ، وَ اتَّبَعْنَا
الرَّسُولَ وَ صَدَّقْنَاهُ وَ صَدَّقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ كَفَرْنَا بِالْحَبِيبِ
وَ الطَّاعُوتِ، فَوَلَّيْنَا مَا تَوَلَّيْنَا، وَ أَحْشَرْنَا مَعَ أُيْمَتِنَا فَإِنَّا
بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَ لَهُمْ مُسَلِّمُونَ.

آمْنَا بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ، وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ، وَ حَيِّهِمْ وَ
مَيِّتِهِمْ، وَ رَضِينَا بِهِمْ أَيْمَةً وَ قَادَةً وَ سَادَةً، وَ حَسَبْنَا بِهِمْ
بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ دُونَ خَلْقِهِ لِأَنبَتِخِي بِهِمْ بَدَلًا، وَ لَا نَتَّخِذُ مِنْ
ذُنُوبِهِمْ وَ لِيَجْهَ، وَ بَرَّيْنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا مِنْ
الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ كَفَرْنَا بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاعُوتِ
وَ الْاَوْثَانِ الْارْبَعَةِ وَ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ وَ كُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنْ
الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُكَ أَنَّا نُدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ،
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ قَوْلُنَا مَا قَالُوا، وَ دِينُنَا مَا دَانُوا
بِهِ، مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا، وَ مَا دَانُوا بِهِ دَنَّا، وَ مَا أَنْكَرُوا
أَنْكَرْنَا وَ مَنْ وَالُوا وَالَيْنَا، وَ مَنْ عَادُوا عَادَيْنَا، وَ مَنْ
لَعَنُوا لَعَنَّا، وَ مَنْ تَبَرَّأُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ، وَ مَنْ تَرَحَّمُوا
عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ، آمْنَا وَ سَلَّمْنَا وَ رَضِينَا وَ اتَّبَعْنَا
مَوَالِينَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذَلِكَ وَ لَا تَسْلُبْنَا، وَ اجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا
عِنْدَنَا، وَ لَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا، وَ أَحِينَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ وَ
أَمْتَنَا إِذَا أَمْتْنَا عَلَيْهِ، آلُ مُحَمَّدٍ أُيْمَتُنَا، فِيهِمْ نَاتَمُّ وَ
إِيَاهُمْ نُوَالِي، وَ عَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللَّهِ نُعَادِي، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

ثُمَّ تَسْجُدُ وَ تَحْمَدُ اللَّهَ مَائَةَ مَرَّةٍ وَ تَشْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مَائَةَ مَرَّةٍ
وَ أَنْتَ سَاجِدٌ، فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ كَمَنْ حَضَرَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ بَايَعَ
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلِيَّ ذَلِكَ، وَ كَانَتْ دَرَجَتُهُ مَعَ دَرَجَةِ
الصَّادِقِينَ الَّذِينَ صَدَقُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فِي مَوَالِيهِ مَوْلَاهُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ،
وَ كَانَ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ

اميرالمؤمنين صلّي الله عليه و مع الحسن و الحسين صلّي الله عليهما،
و كمن يكون تحت رايه القائم صلّي الله عليه و في فسطاطه من
النّجباء و النّقباء.

۴۸- ابي هارون عبدي گوید : در روز هيجدهم ذي الحجه بر امام
صادق (عليه السلام) وارد شدم . او را روزه دار يافتم . پس
فرمود : امروز روزي است که خداوند حرمت آن را بر مومنين
عظيم نموده است از اين جهت که در آن دين را براي آنها کامل
نموده است و نعمت را بر آنها تمام کرده است و آن پيمان و
عهدي که در خلق اول از آنها گرفته است را به خاطر اين که آن
موقف را از ياد آنها برده است براي آنها تازه کرده است و
آنها را موفق به پذيرش آن کرده است و آنها را از اهل انكاري
که جحود ورزیدند قرار نداد. پس گفتم : فدایت شوم ثواب روزه
اين روز چیست؟ پس فرمود : همانا آن روز عيد و خوشحالي و
سرور و روزه گرفتن به خاطر شکر خدا است همانا روزه آن با
روزه شصت ماه از ماههاي حرام برابر است و کسي که دور کعت
نماز هر موقع از آن روز که خواست بخواند و بهترين وقت آن
نزدیک ظهر است همانا ساعتی است که در آن روز عيدغديرخم
اميرالمومنين به عنوان عَلَم اقامه شد و در آن وقت به منزل
نزدیک شده بودند پس کسي که دو رکعت نماز بخواند سپس سجده
کند و صدار شکر خدای عز وجل را به جا آورد و بعد از بلند
کردن سر از سجده اين دعا را بخواند (براي خواندن دعا به متن
عربي حديث مراجعه شود) سپس سجده کند و صدار حمد خدا کند و
صدار شکر خدا کند (در حال سجده) پس کسي که اين کار را
انجام دهد مانند کسي است که در آن روز حاضر بوده است و بر
آن امر با رسول خدا (صلي الله عليه و آله) بيعت کرده است و در
درجه او همراه درجه صادقيني که با خدا و رسول او در موالات
مولایشان در آن روز صدق و راستي ورزیدند خواهد بود و مانند
کسي است که همراه رسول خدا (صلي الله عليه و آله) و
اميرالمومنين صلي الله عليه و همراه حسن و حسين صلوات الله عليهما

شهيد شده است و مانند کسی است که زیر پرچم قائم صلي الله عليه و آله و در خيمه او از نجباء و نقباء است.

٤٩- و من الدّعاوات في يوم عيد الغدير ما ذكره محمد بن عليّ الطّرازيّ في كتابه رويناه باسنادنا إليّ عبدالله بن جعفر الحميري قال: حدّثنا هارون بن مسلم، عن أبي الحسن اللّيثي، عن أبي عبدالله جعفر بن محمد عليهما السّلام أنّه قال لمن حضره من مواليه وشيعته .

أتعرفون يوماً شيّد الله به الاسلام، و أظهر به منار الدّين، و جعله عيداً لنا و لموالينا وشيعتنا؟ فقالوا: الله و رسوله و ابن رسوله أعلم، أيوم الفطر هو يا سيدنا؟ قال: لا، قالوا: أفيوم الاضحى هو؟

قال: لا، و هذان يومان جليلان شريفان و يوم منارالدين اشرف منهما، و هو اليوم الثامن عشر من ذي الحجّه، و إنّ رسول الله صلّي الله عليه و آله لمّا انصرف من حجّه الوداع و صار بغدير خم أمر الله عزّ و جلّ جبرئيل عليه السلام أن يهبط عليّ النبيّ صلّي الله عليه و آله وقت قيام الظهر من ذلك اليوم، و أمره أن يقوم بولايه أميرالمؤمنين عليه السلام و أن ينصبه علماً للنّاس بعده، و أن يستخلفه في أمّته .

فهبط اليه و قال له: حبيبي محمد إنّ الله يقرئك السّلام، و يقول لك: قم في هذا اليوم بولايه عليّ صلّي الله عليه و آله ليكون علماً لأمتك بعدك، يرجعون إليه، و يكون لهم كأنت، فقال النبيّ صلّي الله عليه و آله: حبيبي جبرئيل إنّني أخاف تغير أصحابي لما قد و تروه و ان يبدوا ما يضمرون فيه .

فخرج، و ما لبث أن هبط بأمر الله فقال له: « يا أيّها الرّسولُ بَلِّغْ ما أنزلَ إليك مِنْ رَبِّكَ وَ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ » .

فقام رسول الله صلي الله عليه و آله ذعراً مرعوباً خائفاً من شدّه الرّمضاء و قدماه تشويان، و أمر بأن ينظف الموضع و يقمّ ما تحت الدّوح من الشوك و غيره، ففعل ذلك، ثمّ نادي بالصّلاه جامعاً، فاجتمع المسلمون و فيمن اجتمع ابوبكر و عمر و عثمان و سائر المهاجرين و الانصار .

ثمّ قام خطيباً و ذكر بعده الولايه، فالزمها للنّاس جميعاً فاعلمهم امر الله بذلك فقال قوم ما قالوا و تناجوا بما أسرّوا .

فاذا كان صبيحه ذلك اليوم وجب الغسل في صدر نهاره، و أن يلبس المؤمن انظف ثيابه و أفخرها و يتطيب إمكانه و انبساط يده ثم يقول:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ شَرَّفْتَنَا فِيهِ بِوِلَايَةِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ جَعَلْتَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَمَرْتَنَا بِمُؤَالَاتِهِ وَ طَاعَتِهِ وَ أَنْ نَتَمَسَّكَ بِمَا يُقَرِّبُنَا إِلَيْكَ، وَ يُزَلِّفُنَا لَدَيْكَ أَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ. اللَّهُمَّ قَدْ قَبِلْنَا أَمْرَكَ وَ نَهْيَكَ، وَ سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا لِنَبِيِّكَ، وَ سَلَّمْنَا وَ رَضِينَا، فَنَحْنُ مَوَالِيَّ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَ أَوْلِيَاؤُهُ كَمَا أَمَرْتَ، نَوَالِيَهُ وَ نُعَادِي مَنْ يُعَادِيهِ، وَ نُبَرِّئُ مِنْهُ، وَ نُبَغِضُ مَنْ أَبْغَضَهُ، وَ نُحِبُّ مَنْ أَحَبَّهُ، وَ عَلِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مَوْلَانَا كَمَا قُلْتِ، وَ إِمَامُنَا بَعْدَ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا أَمَرْتَ.

فاذا كان وقت الزوال اخذت مجلسك بهدوء و سكون و وقار وهيبه و إخبارات و تقول:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَمَا فَضَّلْنَا فِي دِينِهِ عَلِيٍّ مِنْ جَدِّ وَ عَنَدِ، وَ فِي نَعِيمِ الدُّنْيَا عَلِيٍّ كَثِيرٍ مِمَّنْ عَمَدَ، وَ هَدَانَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ شَرَّفْنَا بِوَصِيِّهِ وَ خَلِيفَتِهِ فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَمَاتِهِ، أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ.

اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيُّنَا كَمَا أَمَرْتَ، وَ عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مَوْلَانَا كَمَا أَقَمْتِ، وَ نَحْنُ مَوَالِيَهُ وَ أَوْلِيَاؤُهُ. ثم تقوم و تصلي شكراً لله تعالى ركعتين، تقرأ في الاولى الحمد، و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» كما انزلتا لا كما نقصتا، ثم تقنت و تركع و تتم الصلاة و تسلم و تخرُّ ساجداً، و تقول في سجودك:

اللَّهُمَّ إِنَّا إِلَيْكَ نُوجُّهُ وَجُوهَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا الَّذِي شَرَّفْتَنَا فِيهِ بِوِلَايَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، عَلَيْكَ نَتَوَكَّلُ وَ بِكَ نَسْتَعِينُ فِي أُمُورِنَا، اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدَتْ وَجُوهُنَا، وَ أَشْعَارُنَا وَ أَبْشَارُنَا، وَ جُلُودُنَا وَ عُرُوقُنَا، وَ أَعْظُمْنَا وَ أَعْصَابُنَا، وَ لُحُومُنَا وَ دِمَاؤُنَا.

اللَّهُمَّ أَيَاكَ نَعْبُدُ وَ لَكَ نَخْضَعُ وَ لَكَ نَسْجُدُ، عَلِيٍّ مِثْلَهُ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينَ مُحَمَّدٍ وَ وِلَايَةِ عَلِيٍّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، حُنَفَاءَ مُسْلِمِينَ وَ مَا نَحْنُ مِنَ الْمُسْرِكِينَ وَ لَامِنِ الْجَاهِدِينَ.

اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَاهِدِينَ الْمُعَانِدِينَ الْمُخَالَفِينَ لِأَمْرِكَ وَ أَمْرِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْمُبْغِضِينَ لَهُمْ لَعْنًا كَثِيرًا، لَا يَنْقَطِعُ أَوَّلُهُ وَ لَا يَنْفَدُ آخِرُهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ثَبِّتْنَا عَلَيَّ مُؤَالَاتِكَ وَ مُوَالَاهِ رَسُولِكَ وَ آلِ رَسُولِكَ وَ مُوَالَاهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ أَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا.

ثمّ كل و إشرّب و أظهر السرور و أطعم إخوانك، و اكثر برّهم
واقض حوائج إخوانك، إعظماً ليومك، و خلافاً علي من أظهر فيه
الاغتمام و الحزن ضاعف الله حزنه وغمّه .

۴۹- و امام صادق (عليه السلام) به کسانی که از دوستان و شیعیان در نزد او حاضر بودند فرمود: آیا روزی که خدا با آن اسلام را محکم نمود و منار دین را آشکار کرد و عید برای ما و دوستان و شیعیان قرار داد را می شناسید؟ گفتند: خدا و رسول او و پسر رسول او داناتر هستند ای آقای ما آیا آن روز عید فطر است؟ فرمود: نه، گفتند: پس آیا روز عید قربان است؟ فرمود: نه و این دو روز بزرگ و شریف است ولی روز منار دین از این دو شریف تر است و آن روز هیجدهم ذی الحجه است و همانا رسول خدا (صلي الله عليه و آله) وقتی که از حجه الوداع برگشت و به غدیر خم رسید خداوند به جبرئیل دستور داد که بر پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرود آید در موقع قیام در ظهر آن روز و به او دستور دهد که به ولایت امیرالمومنین علیه السلام قیام نماید و او را بعد از خودش به عنوان علم نصب کند و او را در امت خود خلیفه گرداند. پس جبرئیل بر او نازل شد و به او فرمود: ای حبیب من محمد (صلي الله عليه و آله) همانا خداوند به تو سلام می رساند و به شما می فرماید: در این روز به ولایت علی (عليه السلام) قیام نما برای اینکه بعد از تو برای امت تو غم باشد که به سوي او رجوع کنند و برای آنها مانند تو باشد.

پس پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود: ای حبیب من جبرئیل من از دگرگونی اصحابم می ترسم که به او بدی و مکروه برسانند و آنچه که از او در دل گرفته اند آشکار کنند. سپس جبرئیل بالا رفت و طولی نکشید که به دستور خداوند فرود آمد و به پیامبر فرمود: «ای رسول آنچه که از پروردگارت به تو نازل شده است را برسان و اگر انجام ندهی رسالت او را ابلاغ نکرده ای و خدا ترا از مردم حفظ می کند» پس پیامبر (صلي الله عليه و آله) با ترس و خوف و وحشت برخاست در حالی که از شدت گرما دو

قدم او بریان شده بود و دستور داد آنچه که از خاشاک و غیره زیر درختان بزرگ بود روفته شود سپس ندای نماز جماعت داد و مسلمانها جمع شدند و در بین آنها ابوبکر و عمر و عثمان و سایر مهاجرین و انصار بودند . سپس به خطبه ایستاد و بعد از آن ولایت را متذکر شد و بر همه مردم آنرا لازم کرد و آنان را از دستور خدا به آن آگاه کرد . پس گروهی گفتند آنچه گفتند و به آنچه سر قرار داده بودند در گوشه صحبت کردند .

پس هنگامی که صبح آن روز شد در اول آن روز غسل واجب است و واجب است که مومن نظیف ترین و فاخرترین لباسهای خود را بپوشد و تا حد امکان و گشایش دستش خود را خوشبوکند . سپس می گوید : « اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا الْيَوْمَ شَرَّفْنَا فِيهِ بِوَلَايَةِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ جَعَلْتَهُ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ اَمَرْنَا بِمُؤَالَاتِهِ وَ طَاعَتِهِ وَ اَنْ نَتَمَسَّكَ بِمَا يُقَرِّبُنَا اِلَيْكَ، وَ يُزَلِّفُنَا لَدَيْكَ اَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ .

اَللّٰهُمَّ قَدْ قَبِلْنَا اَمْرَكَ وَ نَهْيَكَ، وَ سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا لِنَبِيِّكَ، وَ سَلَّمْنَا وَ رَضِينَا، فَ نَحْنُ مَوَالِيَّ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ، وَ اَوْلِيَاؤُهُ كَمَا اَمَرْتَ، نَوَالِيَهُ وَ نُعَادِي مَنْ يُعَادِيهِ، وَ نُبَرِّءُ مِنْهُ، وَ نُبْغِضُ مَنْ اَبْغَضَهُ، وَ نُحِبُّ مَنْ اَحَبَّهُ، وَ عَلِيٌّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ مَوْلَانَا كَمَا قُلْتَ، وَ اِمَامُنَا بَعْدَ نَبِيِّنَا صلي الله عليه و آله كَمَا اَمَرْتَ .

سپس هنگامی که وقت ظهر شد با آرامش و سکون و وقار و هیبت و تواضع در مجلس خود قرار می گیری و می گویی:

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَمَا فَضَّلْنَا فِي دِينِهِ عَلِيَّ مَنْ جَحَدَ وَ عَنَدَ، وَ فِي نَعِيمِ الدُّنْيَا عَلِيَّ كَثِيرٍ مِمَّنْ عَمَدَ، وَ هَدَانَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ شَرَّفْنَا بِوَصِيِّهِ وَ خَلِيفَتِهِ فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَمَاتِهِ، اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ .

اَللّٰهُمَّ اِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيُّنَا كَمَا اَمَرْتَ، وَ عَلِيًّا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ مَوْلَانَا كَمَا اَقَمْتَ، وَ نَحْنُ مَوَالِيَهُ وَ اَوْلِيَاؤُهُ .

سپس بر می خیزی و برای شکر خدای تعالی دو رکعت نماز می خوانی که در رکعت اول سوره حمد و « انا انزلناه في ليلة القدر » و « قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ » را همانطور که نازل شده است نه آن

گونه که ناقص شده اند می خوانی سپس قنوت به جا می آوری و رکوع می کنی و نماز را تمام می کنی و سلام می دهی و به سجده می افتی و در سجده ات می گویی :

اَللّٰهُمَّ اِنَّا اِلَيْكَ نُوجِّهُ وَجُوْهَنَا فِي يَوْمِ عِيْدِنَا الَّذِي شَرَّفْتَنَا فِيْهِ بِوِلَايَةِ مَوْلَانَا اَمِيْرَالْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ، عَلَيْكَ نَتَوَكَّلُ وَ بِكَ نَسْتَعِيْنُ فِيْ اُمُوْرِنَا، اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَجُوْهَنَا، وَ اَشْعَارُنَا وَ اَبْشَارُنَا، وَ جُلُوْدُنَا وَ عُرُوْقُنَا، وَ اَعْظُمْنَا وَ اَعْصَابُنَا، وَ لُحُوْمُنَا وَ دِمَاؤُنَا.

اَللّٰهُمَّ اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَ لَكَ نَخْضَعُ وَ لَكَ نَسْجُدُ، عَلِي مِلَّةِ اِبْرَاهِيْمَ وَ دِيْنِ مُحَمَّدٍ وَ وِلَايَةِ عَلِيٍّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَسَلَّمَ اَجْمَعِيْنَ، حُنْفَاءَ مُسْلِمِيْنَ وَ مَا نَحْنُ مِنْ الْمُسْرِكِيْنَ وَ لَامِيْنَ الْجَاهِلِيْنَ.

اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْجَاهِلِيْنَ الْمُعَانِدِيْنَ الْمُخَالِفِيْنَ لِاَمْرِكَ وَ اَمْرِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْمُبْغِضِيْنَ لَهُمْ لَعْنًا كَثِيْرًا، لَا يَنْقَطِعُ اَوَّلُهُ وَ لَا يَنْفَدُ آخِرُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلِي مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ ثَبِّتْنَا عَلِي مَوَالِيكَ وَ مَوَالِيهِ رَسُوْلِكَ وَ آلِ رَسُوْلِكَ وَ مَوَالِيهِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ، اَللّٰهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ اَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا.

سپس بخور و بنوش و خوشحالی و سرور آشکار کن و به برادرانت طعام بده و بسیار به آنها نیکی کن و حوائج برادرانت را برآورده کن به خاطر تعظیم و احترام این روز و بر خلاف کسانی که در این روز غم و حزن آشکار می کنند خداوند و غم و حزن آنها را بیفزاید.

(اقبال ج ۲ ص ۲۸۲) ۵۰- و من الدعوات في يوم الغدير ما نقلناه من كتاب محمد بن علي الطّرازي أيضاً باسناده الي أبي الحسن عبدالقاهر بواب مولانا أبي ابراهيم موسي بن جعفر و أبي جعفر محمد بن علي عليهما السلام قال:

حدّثنا أبو الحسن عليُّ بن حَسَّان الواسطي بواسط في سنه ثلاثمائه قال: حدّثني عليُّ بن الحسن العبدي قال: سمعت أبا عبدالله

جعفر بن محمد الصادق عليه الصّلاه و السلام و علي آباءه
وأبنائه يقول:

صوم يوم غدیر خمّ يعدل صيام عمر الدُّنيا، لوعاش إنسان عمر
الدُّنيا، ثم لوصام ماعمرت الدُّنيا لكان له ثواب ذلك و صيامه
يعدل عندالله عزّ و جلّ مائه حجّه و مائه عمره، و هو عيدالله الاكبر و
ما بعث الله عزّ و جلّ نبياً إلاّ و تعيّد في هذا اليوم، و عرف
حرمته، واسمه في السّماء يوم العهد المعهود، و في الارض يوم
الميثاق المأخوذ و الجمع المشهود.

و من صلّي فيه ركعتين من قبل أن تزول الشمس بنصف ساعه
شكراً لله عزّ و جلّ، و يقرء في كلّ ركعه سوره الحمد عشرأ و «قُلْ هُوَ
اللهُ أَحَدٌ» عشرأ، و « إِنَّا انزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ » عشرأ، و آيه
الكرسي عشرأ، عدلت عندالله عزّ و جلّ مائه الف حجّه و مائه ألف
عمره. و ما سأل الله عزّ و جلّ حاجه من حوائج الدُّنيا و الآخره
كائنه ما كانت إلاّ أتي الله عزّ و جلّ علي قضائها في يسرو عافيه،
و من فطر مؤمناً كان له ثواب من اطعم فئاماً و فئاماً، و لم
يزل يعدّ حتّي عقد عشره.

ثمّ قال: أتدري ما الفئام؟ قلت: لا، قال: مائه الف، و كان
له ثواب من أطعم بعددهم من النبيين و الصّدّيقين و الشّهداء و
الصالحين في حرم الله عزّ و جلّ و سقاها في يوم ذي مسغبه، و
الدرهم فيه بمائه ألف درهم، ثمّ قال: لعلك تري أنّ الله عزّ و جلّ
خلق يوماً أعظم حرمة منه؟ لا والله، لا والله، لا والله، ثمّ قال: و ليكن
من قولك إذا لقيت أخاك المؤمن:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ، وَ جَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ
جَعَلَنَا مِنَ الْمُوفِينَ بِعَهْدِهِ الَّذِي عَاهَدَهُ إِلَيْنَا، وَ مِيثَاقِهِ الَّذِي
وَ اتَّقْنَا بِهِ مِنْ وِلايِهِ وَ وِلاهُ أَمْرِهِ، وَ الْقَوَامِ بِقِسْطِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ
الْجَاهِلِينَ وَ الْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ.

ثمّ قال: و ليكن من دعائك في دبر الركعتين أن تقول:

(بعد از نماز این دعا را بخوان)

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ
فَأَمَنَّا، رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَقَّنَا
مَعَ الأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَي رُسُلِكَ وَ لا تُخْزِنَا يَوْمَ
الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ المِيعَادَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفِي بِكَ شَهِيداً، وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ
حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَ أَرْضِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لا إِلَهَ إِلاّ
أَنْتَ، المَعْبُودُ الَّذِي لَيْسَ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلِي قَرَارِ أَرْضِكَ مَعْبُودُ
يُعْبَدُ سِوَاكَ إِلاّ باطلٌ مُضْمَلٌ غَيْرُ وَجْهِكَ الكَرِيمِ، لا إِلَهَ إِلاّ أَنْتَ

الْمَعْبُودُ لِمَعْبُودٍ سِوَاكَ، تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ غُلُوبًا كَبِيرًا.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَلِيُّهُمْ وَ مَوْلَاهُمْ وَ مَوْلَايَ، رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا النَّدَاءَ، وَ صَدَّقْنَا الْمُنَادِي، رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، إِذْ نَادَى نِدَاءً عَنكَ بِالَّذِي أَمَرْتَهُ أَنْ يُبَلِّغَ عَنكَ مَا أَنْزَلْتَ إِلَيْهِ مِنْ مَوَالَاهُ وَ لِي الْمُؤْمِنِينَ وَ حَدَرْتَهُ وَ أَنْزَرْتَهُ إِنْ لَمْ يُبَلِّغْ أَنْ تَسْحَطَ عَلَيْهِ، وَ أَنَّكَ إِذَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ عَصَمْتَهُ مِنَ النَّاسِ.

فَنَادَى مُبَلِّغًا وَ حَيْكَ وَ رِسَالَاتِكَ: الْا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ مَنْ كُنْتُ وَ لِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَ لِيَهُ، وَ مَنْ كُنْتُ نَبِيُّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ.

رَبَّنَا قَدْ أَجَبْنَا دَاعِيكَ النَّذِيرَ الْمُنذِرَ مُحَمَّدًا عَبْدَكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَ جَعَلْتَهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ، رَبَّنَا آمَنَّا وَ اتَّبَعْنَا مَوْلَانَا وَ وَلِيَّنَا وَ هَادِينَا وَ دَاعِينَا وَ دَاعِي الْأَنَامِ وَ صِرَاطَكَ السَّوِيَّ الْمُسْتَقِيمَ، مَحَجَّتْكَ، الْبَيْضَاءُ، وَ سَبِيلَكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ عَلِيَّ بِصِيرِهِ هُوَ وَ مَنْ اتَّبَعَهُ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ بِيُولَايَتِهِ وَ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ بِاتِّخَاذِ الْوَالِيحِ مِنْ دُونِهِ.

فَأَشْهَدُ يَا إِلَهِي أَنَّ الْأَمَامَ الْهَادِي الْمُرْشِدَ الرَّشِيدَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، الَّذِي ذَكَرْتَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ: « وَ إِنَّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدِينَا لَعَلِّي حَكِيمٌ ».

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ بِأَنَّهُ عَبْدُكَ الْهَادِي مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ، وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ حُجَّتِكَ الْبَالِغَةَ، وَ لِسَانِكَ الْمُعَبَّرَ عَنكَ فِي خَلْقِكَ، وَ الْقَائِمِ بِالْقِسْطِ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَ دِيَانَ دِينِكَ، وَ خَازِنِ عِلْمِكَ، وَ عَيْبَةِ وَحْيِكَ، وَ عَبْدِكَ وَ أَمِينِكَ، الْمَامُونُ الْمَأْخُودُ مِيثَاقَهُ مَعَ مِيثَاقِكَ وَ مِيثَاقِ رَسُولِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بَرِيَّتِكَ بِالشَّهَادَةِ وَ الْإِخْلَاصِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ.

بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ جَعَلْتَ الْإِقْرَارَ بِيُولَايَتِهِ تَمَامَ تَوْحِيدِكَ وَ الْإِخْلَاصَ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ الْكَمَالَ دِينِكَ وَ تَمَامَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ، فَقُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: « الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا ».

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْإِخْلَاصِ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ، وَ جَدْتَ عَلَيْنَا بِمَوَالَاهُ وَ لِيَّكَ الْهَادِي مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ، وَ رَضِيْتَ لَنَا الْإِسْلَامَ دِينًا بِمَوْلَانَا وَ أَتَمَمْتَ

عَلَيْنَا نِعْمَتِكَ يَا لَذِي جَدَّدْتَ لَنَا عَهْدَكَ وَ مِيثَاقَكَ، وَ ذَكَّرْتَنَا ذَلِكَ.

وَ جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ وَ التَّصَدِيقِ لِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ، وَ مِنْ أَهْلِ الْوَفَاءِ بِذَلِكَ، وَ لَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ النَّاكِثِينَ وَ الْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ، وَ لَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُغَيِّرِينَ وَ الْمُبَدِّلِينَ وَ الْمُحَرِّفِينَ وَ الْمُبْتَكِينَ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ الْمُغَيِّرِينَ خَلْقَ اللَّهِ، وَ مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَوْذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ، وَ صَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.

وَ أَكْثَرَ مِنْ قَوْلِكَ:

(وَ آيِنِ كَفْتَارِ رَا زِيَادِ بَكُو:)

أَللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَاهِدِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ الْمُغَيِّرِينَ وَ الْمُبَدِّلِينَ وَ الْمُكْذِبِينَ، الَّذِينَ يُكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ.

ثُمَّ قُلْ: (سپس بگو)

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَي نِعْمَتِكَ عَلَيْنَا يَا لَذِي هَدَيْتَنَا إِلَى مُوَالَاهِ وَ وِلَاةِ أَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ، وَ الْأَيْمَةَ الْهَادِينَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ، وَ أَعْلَامَ الْهُدَى وَ مَنَارَ التَّقْوَى، وَ الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى، وَ كَمَالَ دِينِكَ، وَ تَمَامَ نِعْمَتِكَ، وَ مَنْ بِهِمْ وَ بِمُوَالَاتِهِمْ رَضِيَتْ لَنَا الْإِسْلَامَ دِينًا، رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ.

أَمَّا بِكَ وَ صَدَّقْنَا بِنَبِيِّكَ الرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ، وَ اتَّبَعْنَا الْهَادِيَ مِنْ بَعْدِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ، وَ وَالَيْنَا وَلِيَّهُمْ وَ عَادَيْنَا عَدُوَّهُمْ، وَ بَرَّئْنَا مِنَ الْجَاهِدِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ الْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ.

أَللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَانِكَ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ، يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، أَنْ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ بِمُوَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ، الْمَسْوُولِ عَنْهُمْ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ: « وَ لَتَسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»، وَ قُلْتَ: « وَ قَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُولُونَ».

وَ مَنَنْتَ بِشَهَادَةِ الْإِخْلَاصِ لَكَ بِوِلَايَةِ أَوْلِيَائِكَ الْهُدَاهِ مِنْ بَعْدِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ، السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَ أَكْمَلْتَ لَنَا الدِّينَ بِمُوَالَاتِهِمْ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوَّهُمْ، وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا النِّعَمَ بِالذِّي جَدَّدْتَ لَنَا عَهْدَكَ، وَ ذَكَّرْتَنَا مِيثَاقَكَ الْمَاخُودَ مِنَّا فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِكَ أَيَّانًا.

وَ جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ، وَ ذَكَّرْتَنَا الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ، وَ لَمْ تُنْسِنَا ذِكْرَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ: « وَ إِذَا أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ

مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَي أَنْفُسِهِمُ السُّتَّ يَرْبِّكُمْ قَالُوا
بَلَى».

شَهِدْنَا بِمَنِّكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّنَا وَ أَنْ مُحَمَّدًا
عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ نَبِيَّنَا، وَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيَّنَا وَ
مَوْلَانَا، وَ شَهِدْنَا بِالْوَلَايَةِ لَوْلِيَّنَا وَ مَوْلَانَا مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ مِنْ
صُلْبِ وَ لِيَّنَا وَ مَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ
الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ.

وَ جَعَلْتَهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَيْكَ عَلِيًّا حَكِيمًا، وَ جَعَلْتَهُ آيَةً
لِنَبِيِّكَ وَ آيَةً مِنْ آيَاتِكَ الْكُبْرَى، وَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ
فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ، وَ
عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسْئُولُونَ، وَ تَمَامِ نِعْمَتِكَ الَّتِي عَنْهَا يُسْأَلُ
عِبَادُكَ إِذْ هُمْ مَوْقُوفُونَ، وَ عَنِ النَّعِيمِ مَسْئُولُونَ.

اللَّهُمَّ وَ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِالْهُدَايَةِ
إِلَى مَعْرِفَتِهِمْ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي ذَكَرْتَنَا فِيهِ عَهْدَكَ وَ
مِيثَاقَكَ، وَ أَكْمَلْتَ لَنَا دِينَنَا وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ،
وَ جَعَلْتَنَا بِنِعْمَتِكَ مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ وَ الْإِخْلَاصِ بِوَحْدَانِيَّتِكَ، وَ مِنْ
أَهْلِ الْإِيمَانِ وَ التَّصَدِيقِ بِوَلَايَةِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ
وَ أَعْدَاءِ أَوْلِيَائِكَ الْجَاحِدِينَ الْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ.

فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَمَامَ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ
الْمُعَانِدِينَ، وَ لَا تُلَجِّقْنَا بِالْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ، وَ اجْعَلْ لَنَا
قَدَمَ صَدَقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ.

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ الْمُتَّقِينَ إِمَامًا
إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، يَوْمَ يُدْعَى كُلُّ نَاسٍ بِإِمَامِهِمْ، وَ اجْعَلْنَا فِي
ظِلِّ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ الْهُدَاهِ بَعْدَ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَ الْبَشِيرِ،
الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ إِلَى الْهُدَى، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُكْذِبِينَ الدُّعَاةِ
إِلَى النَّارِ، وَ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَوْلِيَائُهُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ.

رَبَّنَا فَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ وَأَحِينَا مَا
أَحْيَيْتَنَا عَلَي الْوَفَاءِ بَعْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ الْمَأْخُودِ مِنَّا عَلَي
مُؤَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ، وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ الْمُكْذِبِينَ بِيَوْمِ
الدِّينِ، وَ النَّكَائِبِينَ بِمِيثَاقِكَ، وَ تَوَفَّنَا عَلَي ذَلِكَ، وَ اجْعَلْ لَنَا
مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا، أَثْبَتْ لَنَا قَدَمَ صَدَقٍ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْهِمْ.

وَ اجْعَلْ مَحِينَا خَيْرَ الْمَحِيَا وَ مَمَاتِنَا خَيْرَ الْمَمَاتِ وَ
مُنْقَلِبِنَا خَيْرَ الْمُنْقَلِبِ، عَلَي مُؤَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ
أَعْدَائِكَ، حَتَّى تَتَوَفَّنَا وَأَنْتَ عَنَّا رَاضٍ، قَدْ أُوجِبْتَ لَنَا الْخُلُودَ

فِي جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ وَالْمَثْوَى فِي جِوَارِكَ وَالْإِنَابَةَ إِلَيَّ دَارِ
الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ، لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ.
رَبَّنَا إِنَّكَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَةِ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ، وَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَكُونَ
مَعَ الصَّادِقِينَ، فَقُلْتَ: « أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي
الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، وَ قُلْتَ: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ
كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ».

رَبَّنَا سَمِعْنَا وَ أَطْمَنَا رَبَّنَا ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ تَوَقَّنَا مَعَ
الْأَبْرَارِ، مُسْلِمِينَ مُسْلَمِينَ مُصَدِّقِينَ لِأَوْلِيَائِكَ، وَلَا تُزِعْ قُلُوبَنَا
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ،
رَبَّنَا آمَنَّا بِكَ وَ صَدَّقْنَا نَبِيَّكَ، وَ وَالَيْنَا وَلِيَّكَ وَ الْأَوْلِيَاءَ مِنْ
بَعْدِ نَبِيِّكَ، وَ وَلِيَّكَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْهِ، وَ الْإِمَامَ الْهَادِيَ مِنْ بَعْدِ الرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ
وَ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ.

رَبَّنَا فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْوَفَاءِ
بِعَهْدِكَ بِمَنْكَ عَلَيْنَا وَ لُطْفِكَ لَنَا، فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا
ذُنُوبَنَا وَ تُكْفِّرَ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوْفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَ
آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَيَّ رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
الْمِيعَادَ.

رَبَّنَا آمَنَّا بِكَ، وَ وَفِينَا بِعَهْدِكَ، وَ صَدَّقْنَا رُسُلَكَ، وَ اتَّبَعْنَا
وَوَلَاةَ الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رُسُلِكَ، وَ وَالَيْنَا أَوْلِيَاءَكَ، وَ عَادَيْنَا
أَعْدَاءَكَ فَارْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، وَ أَحْشَرْنَا مَعَ الْإِيْمَةِ الْهُدَاهِ
مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ الرَّسُولِ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ.

آمَنَّا يَا رَبِّ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ، وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ، وَ
بِحَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ، وَ رَضِينَا بِهِمْ أَيْمَةً وَ سَادَةً وَ قَادَةً لِأَنْبِيَتِنَا
بِهِمْ بَدَلًا وَ لَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَ لَا يُجِ أَبْدًا.

رَبَّنَا فَأَحِينَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيَّ مُوَالَاتِهِمْ وَ الْبَرَاءَةَ مِنْ
أَعْدَائِهِمْ، وَ التَّسْلِيمَ لَهُمْ وَ الرَّدَّ إِلَيْهِمْ، وَ تَوْفَّنَا إِذَا
تَوَفَّيْتَنَا عَلَيَّ الْوَفَاءِ لَكَ وَ لَهُمْ بِالْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ، وَ الْمُوَالَاهِ
لَهُمْ وَ التَّصَدِيقِ وَ التَّسْلِيمِ لَهُمْ، غَيْرَ جَاحِدِينَ وَ لَنَا كَثِيرِينَ وَ لَا
مُكْذِبِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَ بِالَّذِي
فَضَلْتَهُمْ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا، أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا
الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ بِالْوَفَاءِ لِعَهْدِكَ، الَّذِي عَاهَدْتَ إِلَيْنَا
وَ الْمِيثَاقِ الَّذِي وَاثَقْتَنَا بِهِ مِنْ مُوَالَاهِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ
أَعْدَائِكَ.

وَ تَمُنَّ عَلَيْنَا بِنِعْمَتِكَ، وَ تَجْعَلُهُ عِنْدَنَا مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا وَلَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَدًا، وَ لَا تَجْعَلُهُ عِنْدَنَا مُسْتَوْدِعًا فَإِنَّكَ قُلْتَ: «فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدِعٌ»، فَاجْعَلُهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا.

وَ ارزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ قَائِمًا رَشِيدًا هَادِيًا مَهْدِيًّا مِنَ الضَّلَالَةِ إِلَى الْهُدَى، وَاجْعَلْنَا تَحْتَ رَايَتِهِ وَ فِي زُمْرَتِهِ شُهَدَاءَ صَادِقِينَ، مَقْتُولِينَ فِي سَبِيلِكَ وَ عَلِي نَصْرَهُ دِينِكَ.

ثُمَّ سَلِّ بَعْدَ ذَلِكَ حَوَائِجَكَ لِلآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا، فَاتَّهَاهَا وَاللَّهُ وَ اللَّهُ وَ اللَّهُ مَقْضِيَّهِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ لَا تَقْعُدْ عَنِ الْخَيْرِ، وَ سَارِعْ إِلَيَّ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

۵۰- امام صادق (عليه السلام) فرمود: روزه روز غدیرخم با روز عمر دنیا برابر است. اگر انسانی به اندازه عمر دنیا زندگی کند پس به اندازه عمره دنیا روزه بگیرد برای او آن ثواب خواهد بود و روزه آن در نزد خدای عز و جل با صد حج و صد عمره برابر است و آن عید اکبر خداست و خداوند هیچ پیامبری مبعوث نکرده است مگر اینکه این روز را عید گرفته است و حرمت آن را شناخته است و اسم آن در آسمان روز عهد معهود و در زمین روز پیمان گرفته شده و جمع مشهود است.

کسی که در آن روز نیم ساعت قبل از زوال دو رکعت نماز شکر بخواند و در هر رکعتی سوره حمد را ده مرتبه و قل هو الله احد را ده مرتبه و انا انزالناه في ليله القدر را ده مرتبه و آیه الكرسي را ده مرتبه بخواند در نزد خدا با صد هزار حج و صد هزار عمره برابر است و هیچ حاجتی از حوائج دنیا و حوائج آخرت را هر چه که باشد درخواست نمی کند مگر اینکه در آسانی و عافیت خدای عز و جل آن را برآورده میکند و کسی که مومن را افطاری دهد برای او ثواب کسی که فئامی و فئامی تاده فئام را اطعام کند می باشد. سپس فرمود: آیا می دانی فئام چیست؟ گفتم: نه، فرمود: صد هزار نفر و برای او ثواب کسی که به تعداد آنها از انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین در حرم خدای عز و جل طعام دهد و در روز گرسنگی آنها را سیراب کند می باشد و یک درهم در آن روز معادل با صد هزار درهم

